

جلد دوم سرمایه

کارل مارکس - فردریش انگلس
شورای دانشجویان و جوانان چاپ ایران



سرمايه

(به زبان ساده)

کارل مارکس فردریش انگلس

ترجمه‌ای از:

zoku sihon- ron

تصویرگر: Variety Art Works

تدوین و تنظیم:

ayaho Usada

تهیه شده توسط انتشارات: East Press

چاپ اول / توکیو / ۲۰۰۹

برگردان: اولدوز درخشان

ویرایش نخست: عباس شاد، پژمان رحیمی

امور فنی و اجرایی:

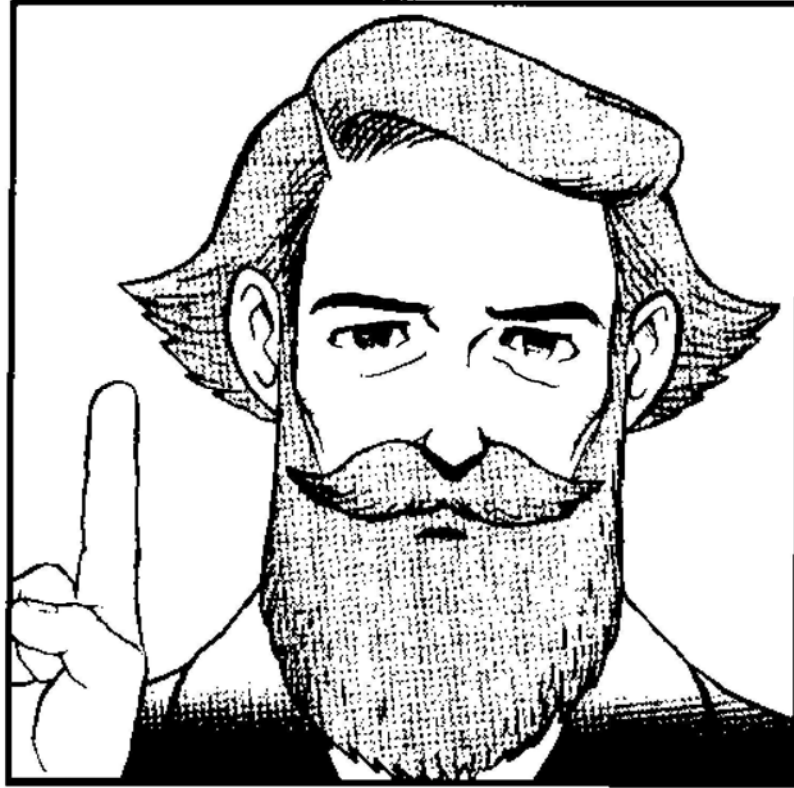
سارا کوشش، ندا شایان،

آزادپاکباز، جاویدجویان

انتشارات

شورای دانش جویان و جوانان چپ ایران

سرمایه قهرمان‌ها



فردریش انگلس

راوی این قسمت، بعد از مرگ مارکس با یادداشت‌هایی که از او به جا مانده بود، جلد دوم و سوم کتاب سرمایه را برای نشر آماده کرد.



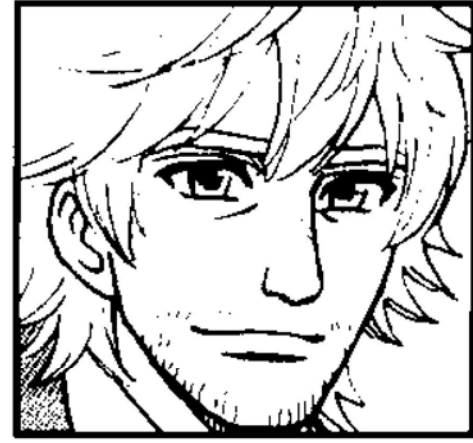
کارل مارکس

بنیان‌گذار سوسیالیسم علمی، به همراه انگلس ساختار سرمایه‌داری و کارکردهای آن را تحلیل کرد و برای رسیدن به جامعه‌ای بی‌طبقه و برابر مبارزه کرد.



روبین

مدیر کارخانه‌ی پنیر؛ با تردید به کارکرد سیستم سرمایه‌داری می‌نگرد.



کارل

کارگری که برای کمک به وضعیت خانواده‌اش تلاش می‌کند.



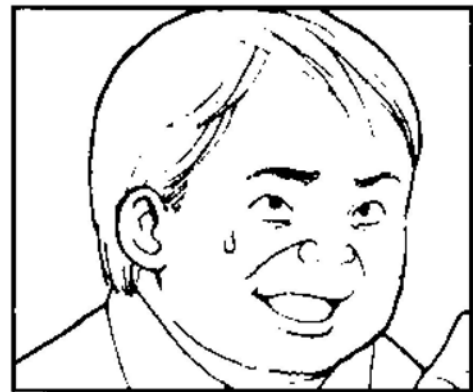
رئیس گلد

مدیر اجرایی بانک بزرگ



دانیل

سرمایه‌گذار؛ از جوانان آینده‌دار دنیای تجارت



صاحب‌نمایشگاه

رئیس نمایشگاه تولید ابزارآلات و ماشین؛ با مشکلات مالی مواجه است.



در سیستم سرمایه‌داری
ثروت اجتماعی
به شکل انبوه عظیمی از کالا
دید می‌شود



سرمایه

کارل مارکس
فردریش انگلس



این جامعه گویی
انباری از
کالاهاست

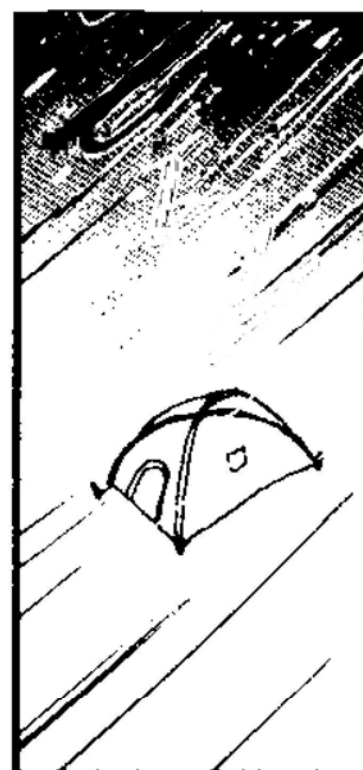
جامعه‌ی سرمایه‌داری
با کالاهای متنوع
همواره پر و خالی
می‌شود.



سرمایه‌داری
چگونه
عمل می‌کند؟

بی‌وقفه افزوده
&
گسترده می‌شوند...

در حالی که برای
رفع احتیاج انسان‌ها
به چیز بیشتری
نیاز نیست،
این کالاها...

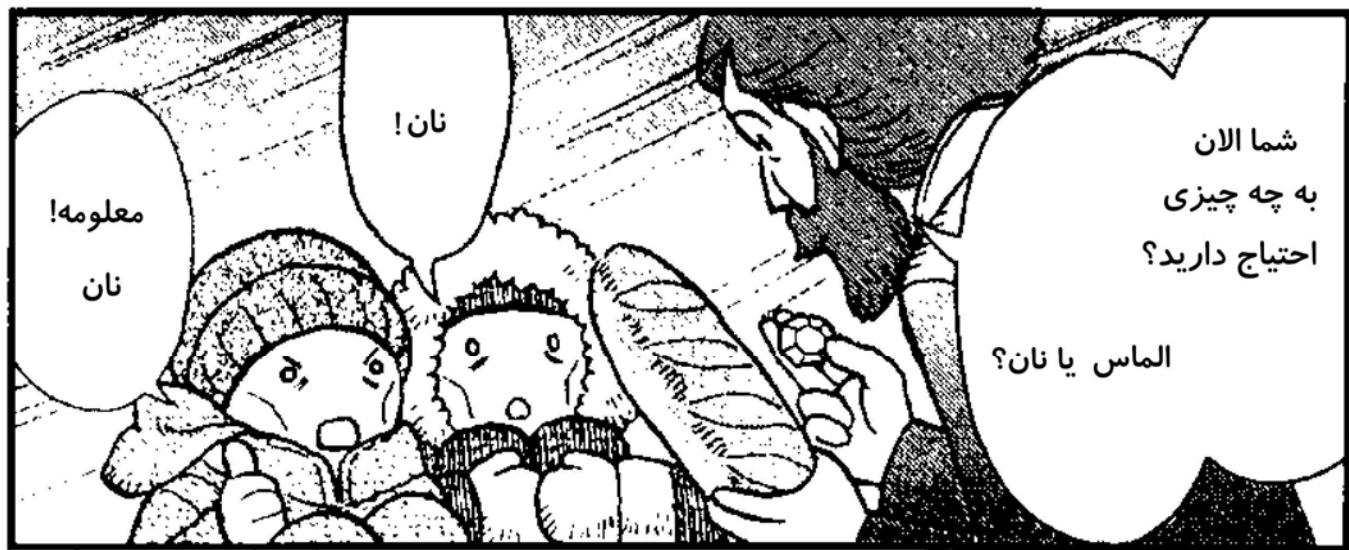




با خودم
نان و الماس
آورده‌ام



آآآیی!



شما الان
به چه چیزی
احتیاج دارید؟

الماس یا نان؟

نان!

معلومه!
نان



درسته!

وقتی گرسنه‌ایم
به نان نیاز داریم
نه الماس...

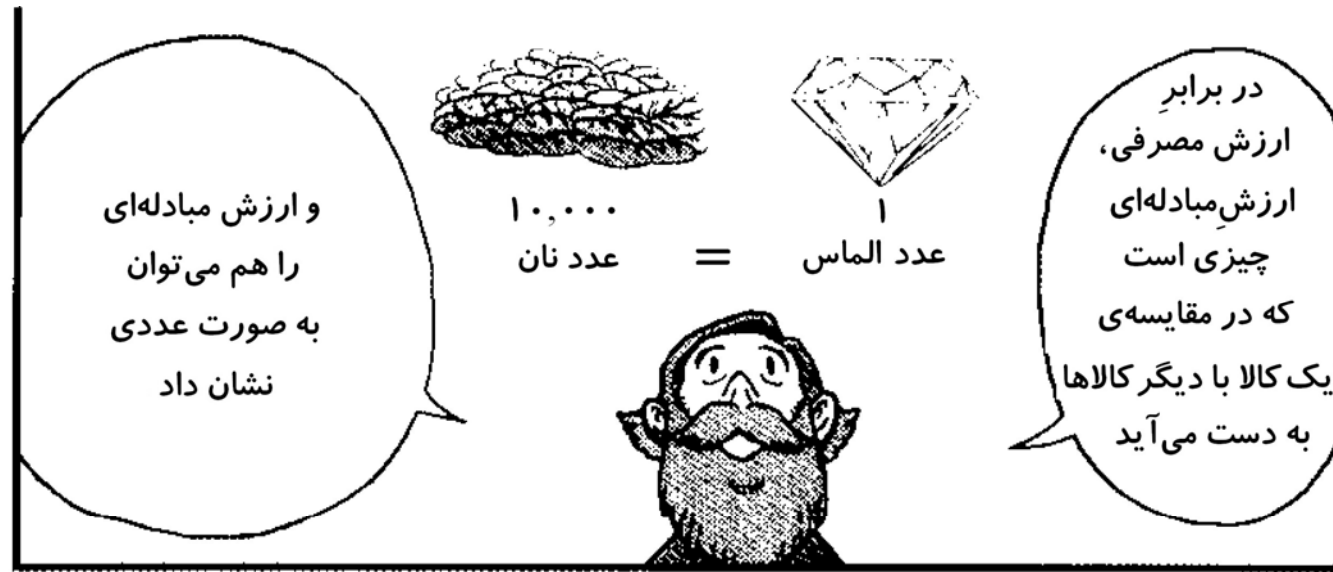
ارزش مصرفی
به شرایط افراد
و نیازهایی که برایشان
اهمیت دارد
وابسته است

و با توجه
به نیازهای
واقعی افراد
تعیین می‌شود

بده دیگه!

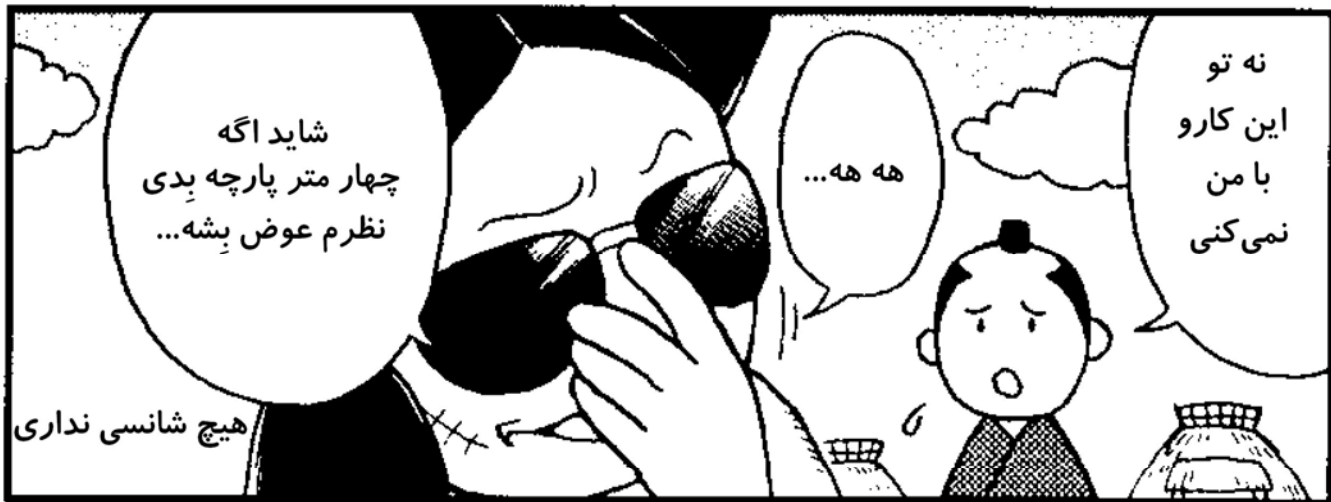
الماس برای مجالس
پُر زرق و برق ثروتمندان

نان برای گرسنه







دوره‌ای که کار را با کالا مبادله می‌کردند (مبادله‌ی پایایی)



ارزش مبادله‌ای


=


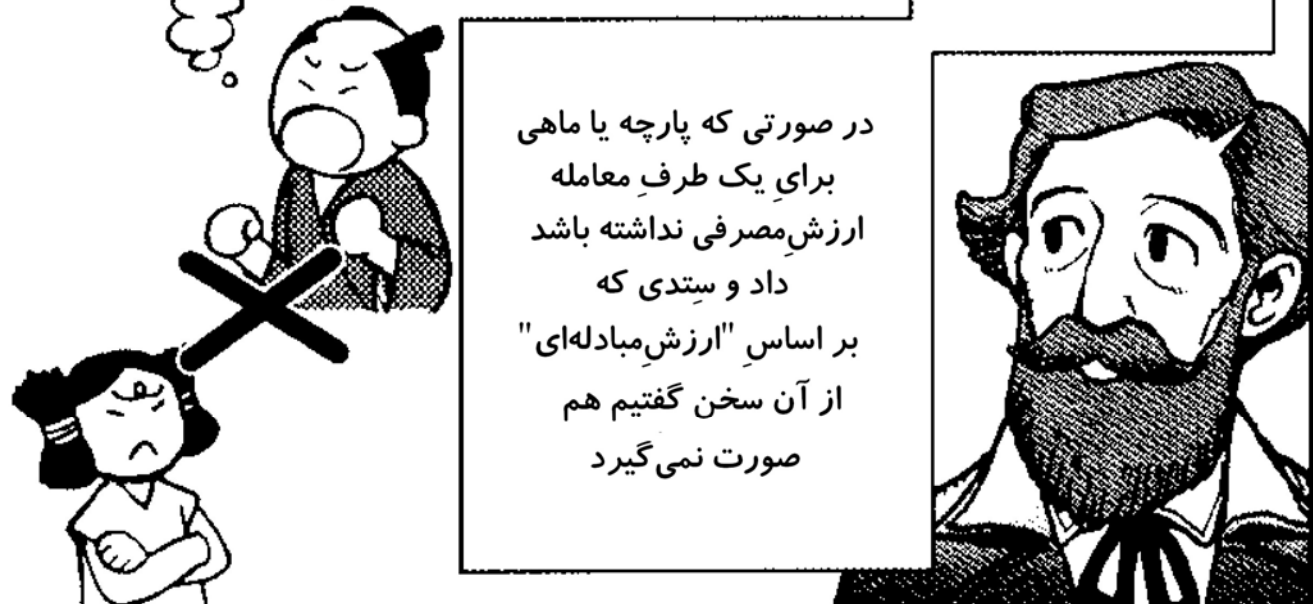
۴
=
۱


عدد ماهی

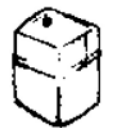
متر پارچه


وقتی میزان کاری که برای تولید پارچه یا صید ماهی انجام می‌شود برابر باشد، یعنی ارزش مبادله‌ای یکسانی هم داشته باشند


در صورتی که پارچه یا ماهی برای یک طرف معامله ارزش مصرفی نداشته باشد داد و ستدی که بر اساس "ارزش مبادله‌ای" از آن سخن گفتیم هم صورت نمی‌گیرد



کیسه برنج ۱  =

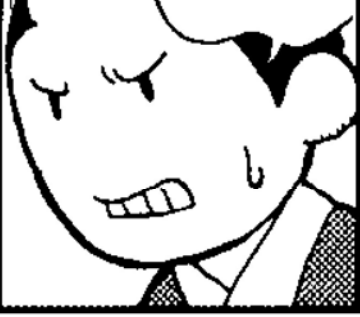
لیتر روغن ۱  =

گرم چایی ۲  =




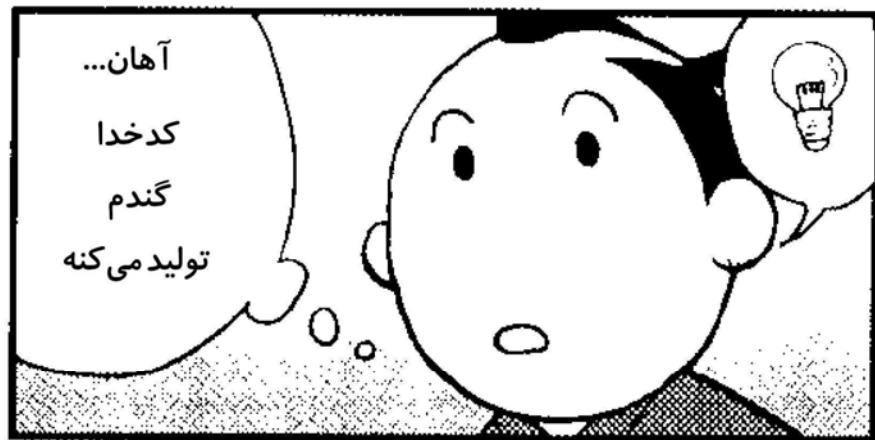
عدد ماهی ۴

خیلی خوب... با چی حاضر بودی عوض کنی؟



مثلاً اگه اینارو می‌دادی عوض می‌کردم



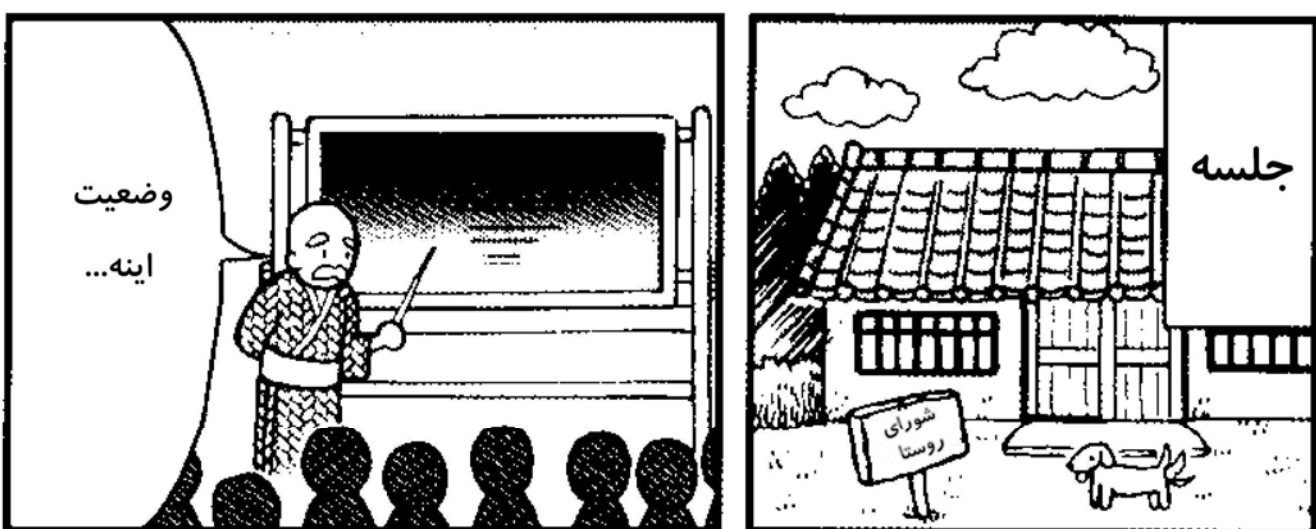


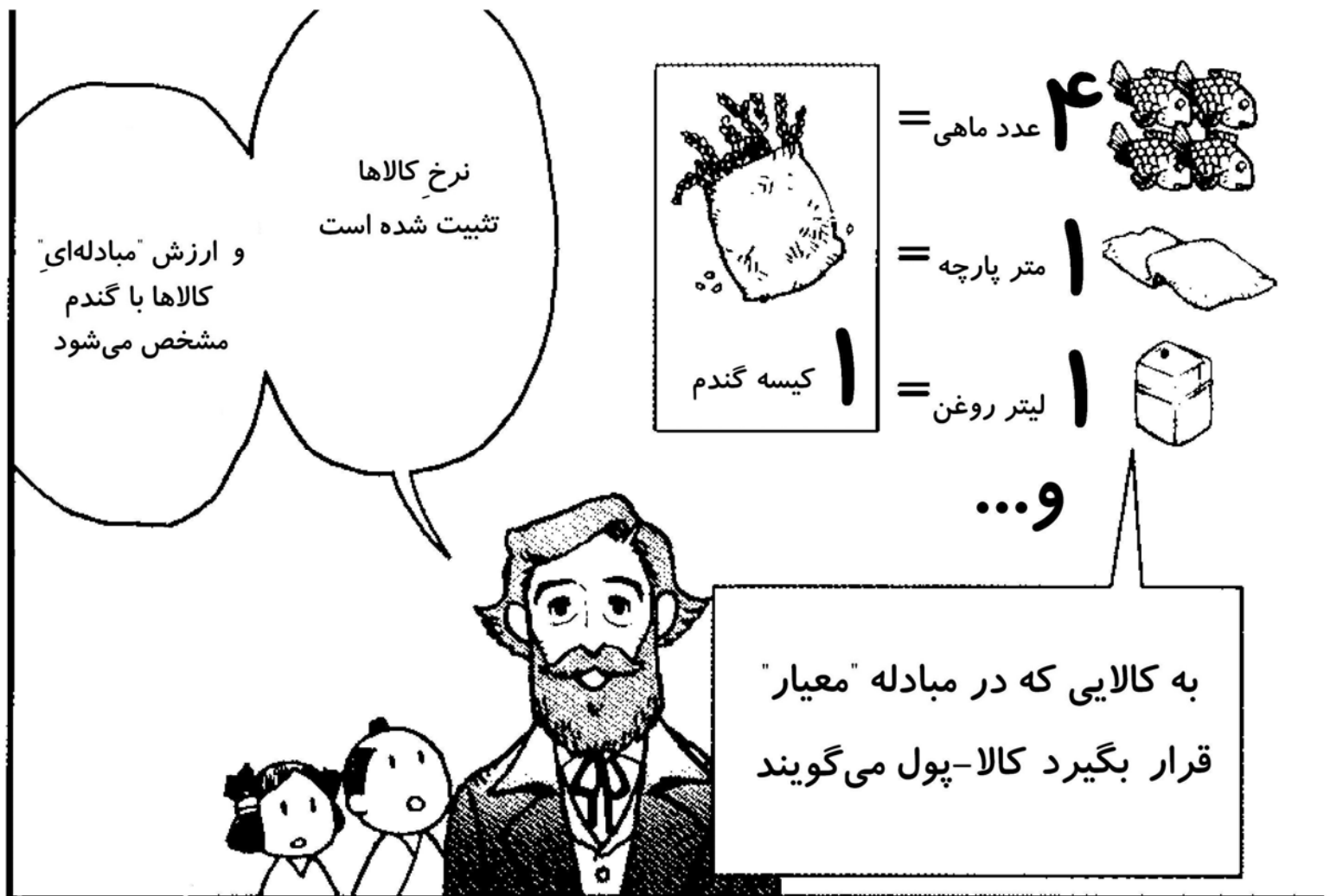
عدد ماهی ۴ = کیسه برنج

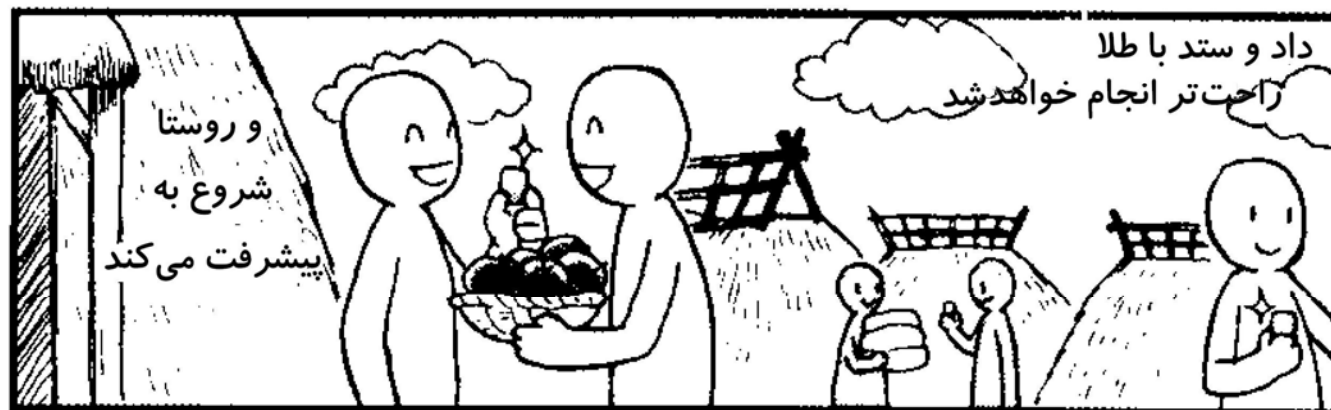
متر پارچه ۱ = کیسه برنج

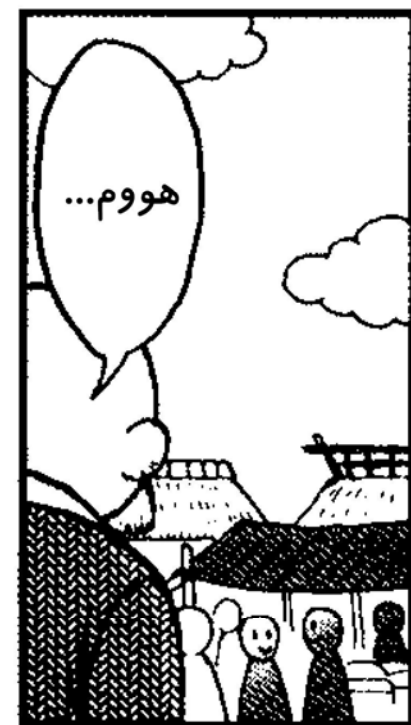
لیتر روغن ۱ = کیسه برنج

اگه بخوایم
مدت زمانی
که من کار کردم را
در نظر بگیریم
من اینا رو
می‌خوام









و روی آن
ارزش
عددی‌اش
درج می‌شود



۱ گرم طلا = ۱ پول

مقدار مشخصی
طلا
در قالبی
ریخته می‌شود



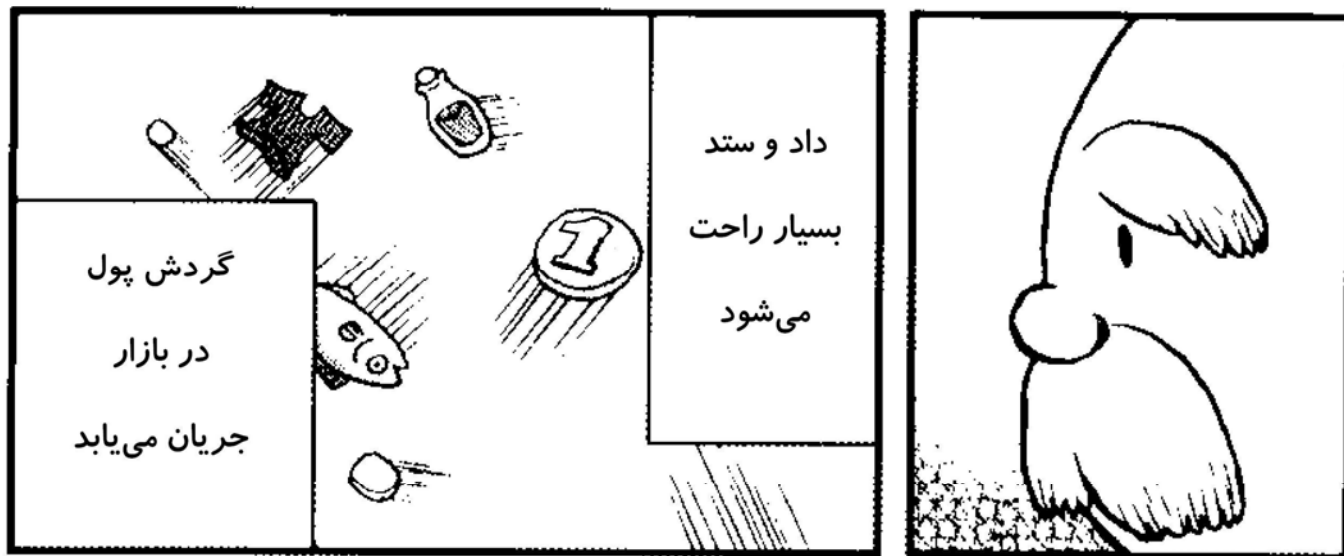
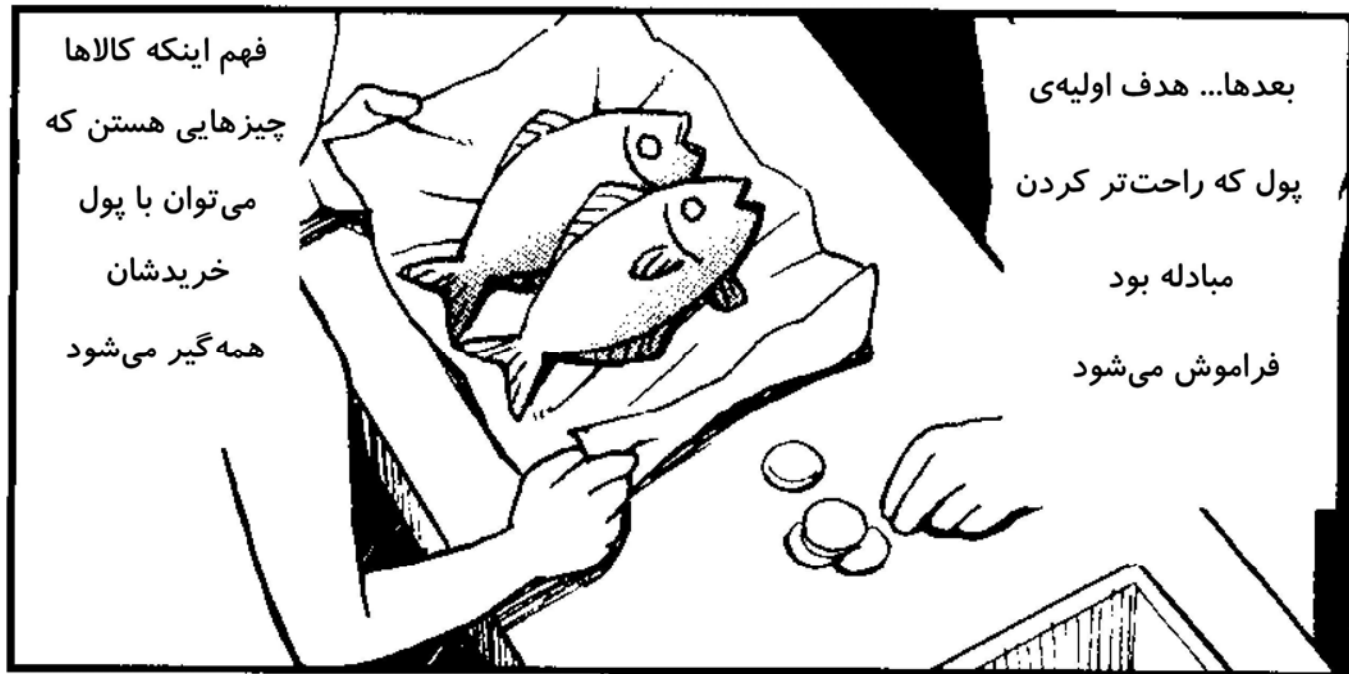
به این شکل
اسم جدیدی می‌یابد
(پول)

طلایی که
معیار ارزش
در داد و ستد
است



۴ ماهی
مساوی
یک پوله...
خیلی ارزونه!

امروز
یک کیسه گندم
معادل
یک پول است!!









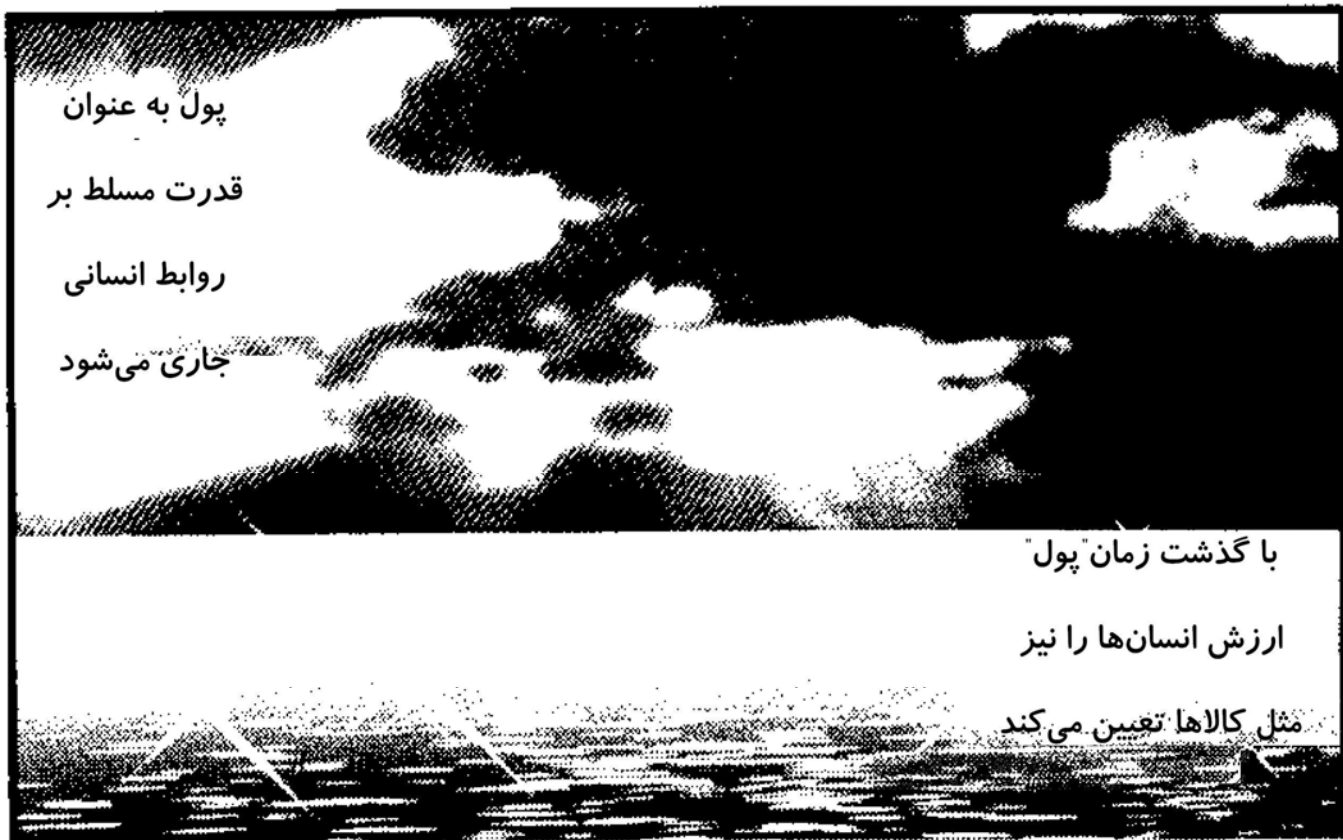
تا زمانی که
به عنوان معیار سنجش
ارزش کالاهای دیگر
به کار رفت

در آغاز پول
با کالاهای دیگر
تفاوت نداشت



پول
مهمترین
منبع قدرت
است

انسانها
به این نتیجه
می رسند که

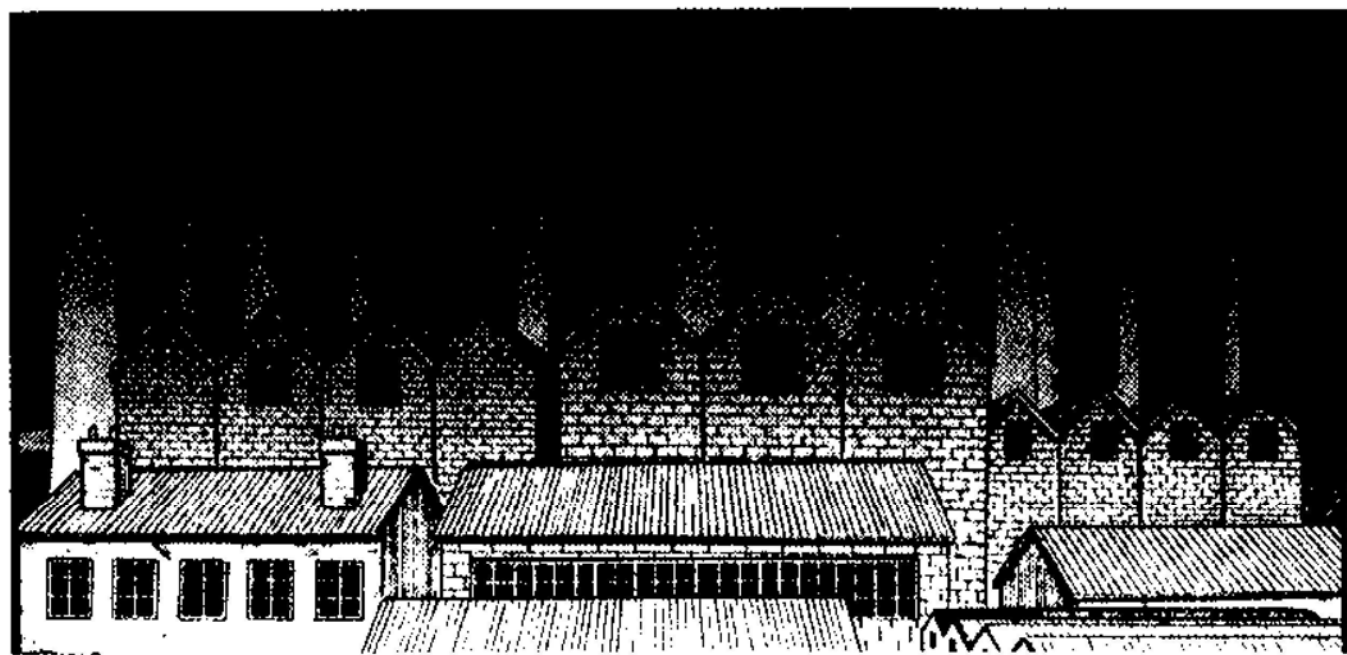


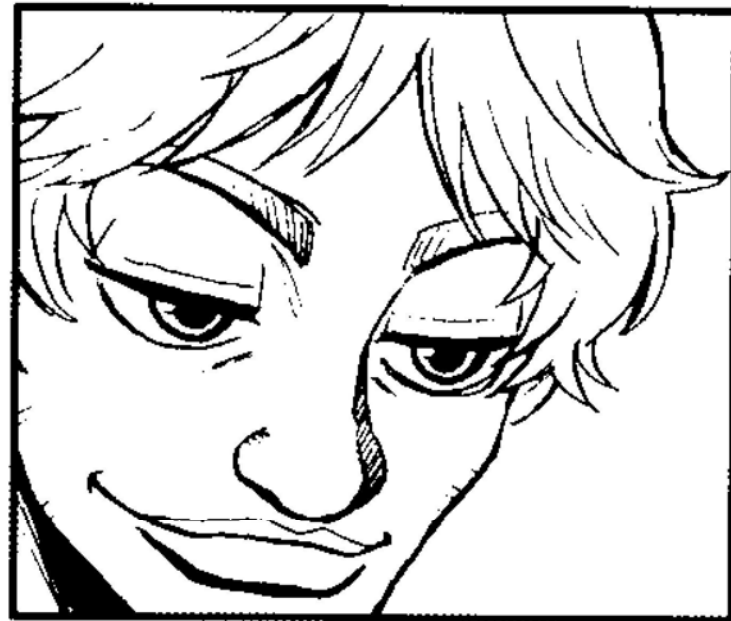
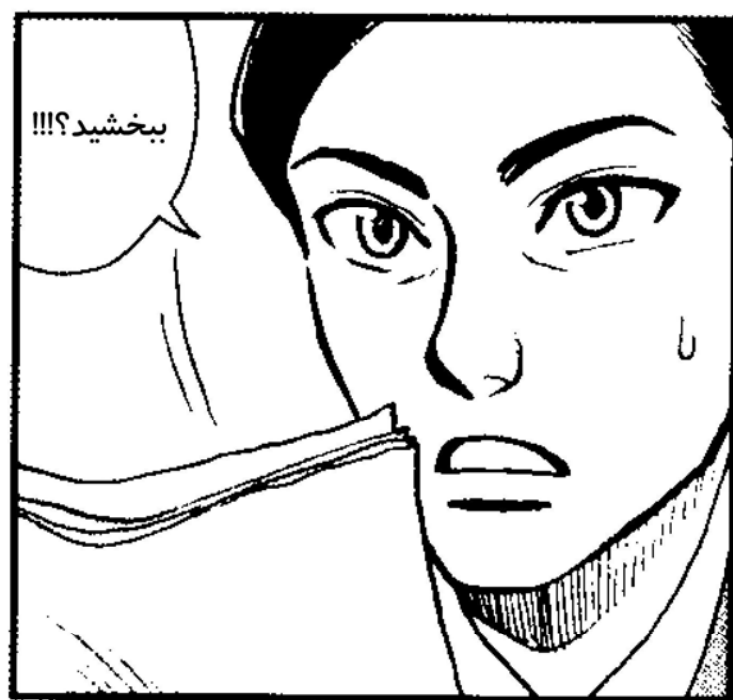
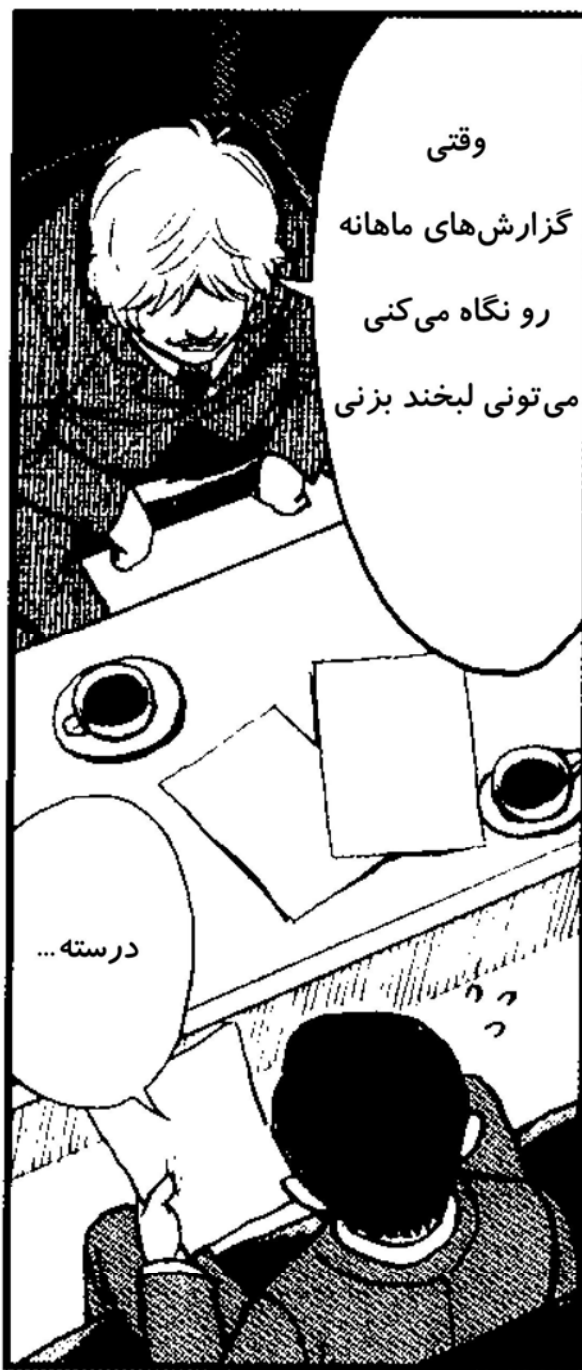
پول به عنوان
قدرت مسلط بر
روابط انسانی
جاری می شود

با گذشت زمان پول
ارزش انسانها را نیز
مثل کالاها تعیین می کند

پول
دیگر
خدا
شده است









در کارخانه‌ای،
دُرست
در میانه‌ی
انقلابِ صنعتی

الان هم...

بله...



و دانیل،
سرمایه‌گذار
کارخانه‌ی رویین



رویین،
مدیرِ حقوق‌بگیرِ
کارخانه‌ی بزرگِ
پنیرسازی



نگاهی به سازوکار
سرمایه‌داری بیندازیم

با کمک
این دو قهرمان،
در زمانه‌ای که
رابطه‌ی بین پول و کالا
بسیار
پیشرفته شده است



سود یعنی
همه‌ی اشیائی که
قابلیت تولید دارند

اول بینیم
"سرمایه"
چیست



پولی که به کارگران
پرداخت می‌شود،
ابزارآلات و ماشین‌ها و
مواد اولیه‌ای که برای
تولید ضروری هستند

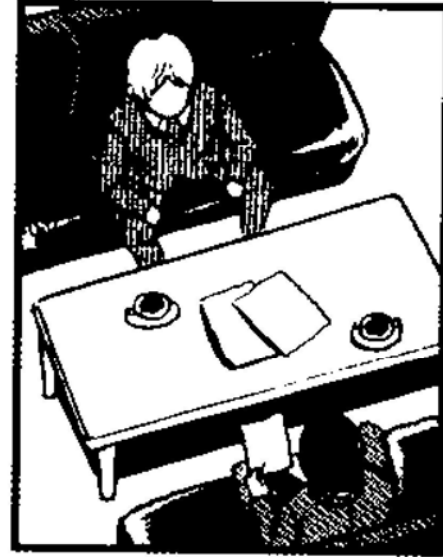
سه عامل مهم
در به‌دست آوردن
سود...





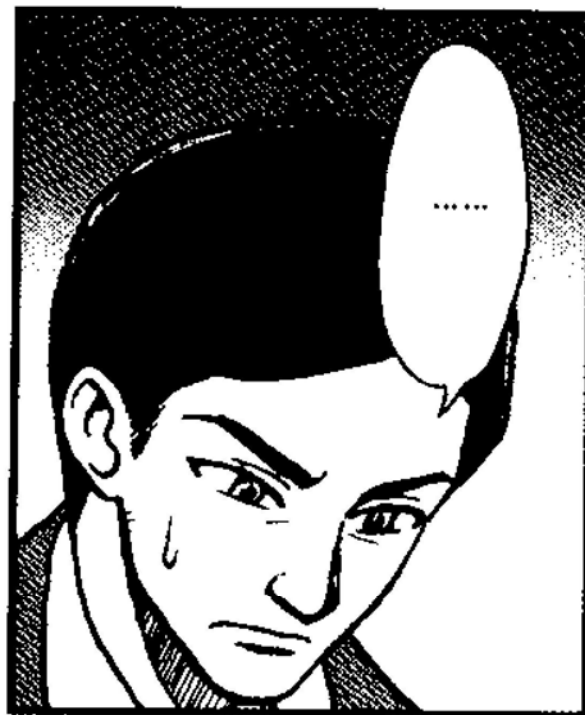
رویین

درباره‌ی تو
اشتباه نکرده بودم



تو بالاخره تونستی
اون کارگاه کوچیک رو
به کارخونه‌ای دیوآسا
تبدیل کنی

و سود هنگفتی رو
نصیب شرکت بکنی



.....



لازم نیست این قدر
شکسته نفسی کنی



قبلا...

دانیل...



نکنه هنوز داری
به زندگی کارگرها
فکر می کنی؟



گفته بودی که
"نیروی کار"
تنها دارایی کارگران هست

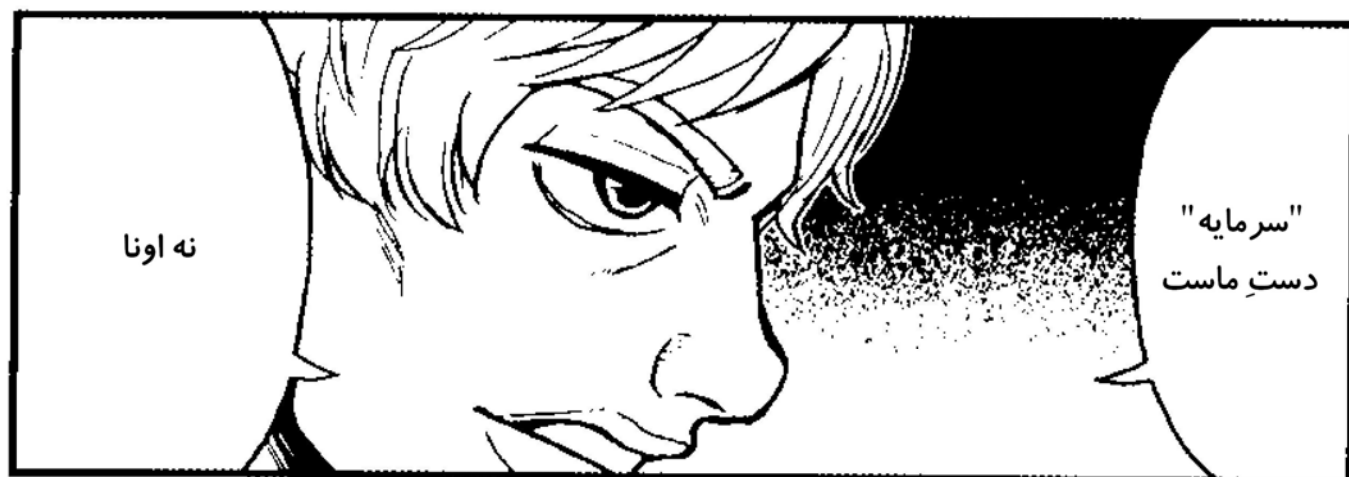
گفته بودی که
چون ما
نیروی کار کارگران رو
خریداری می کنیم

اونا می تونن
به زندگی شون
ادامه بدهند



دقیقا همین طوره
با خرید نیروی کار کارگران
از سوی ما سرمایه دارهاست

که کارگرا می تونن
نیازهای ضروری
زندگی شون رو
برطرف کنن
و به زندگی ادامه بدهند



بدن ما
سرمایه‌ی ماست

کارگرها به
دو معنی
آزادند

اول به عنوان افرادی که
نه برده‌اند و نه محکوم،
آزادند که
نیروی کارشان را
بفروشند یا نفروشند...

دوم این که چون
کارخانه مال آنها نیست
آزادند که اگر

دوست نداشتند
به کارخانه‌ی
دیگری بروند

ما کسی رو
مجبور به
کار کردن نمی‌کنیم

نیروی کار
کالای ارزشمندی‌ست





اگر در روز کارگر یک صندلی تولید کند

ارزش واقعی آن کالا نیز یک پول است

یک پول کار لازم = یک کالا

ارزش نیروی کار (یک روز) = دست‌مزد (۱ پول)

۱ پول

۱

فرض کنیم مزد یک روز کار کارگر یک پول باشد

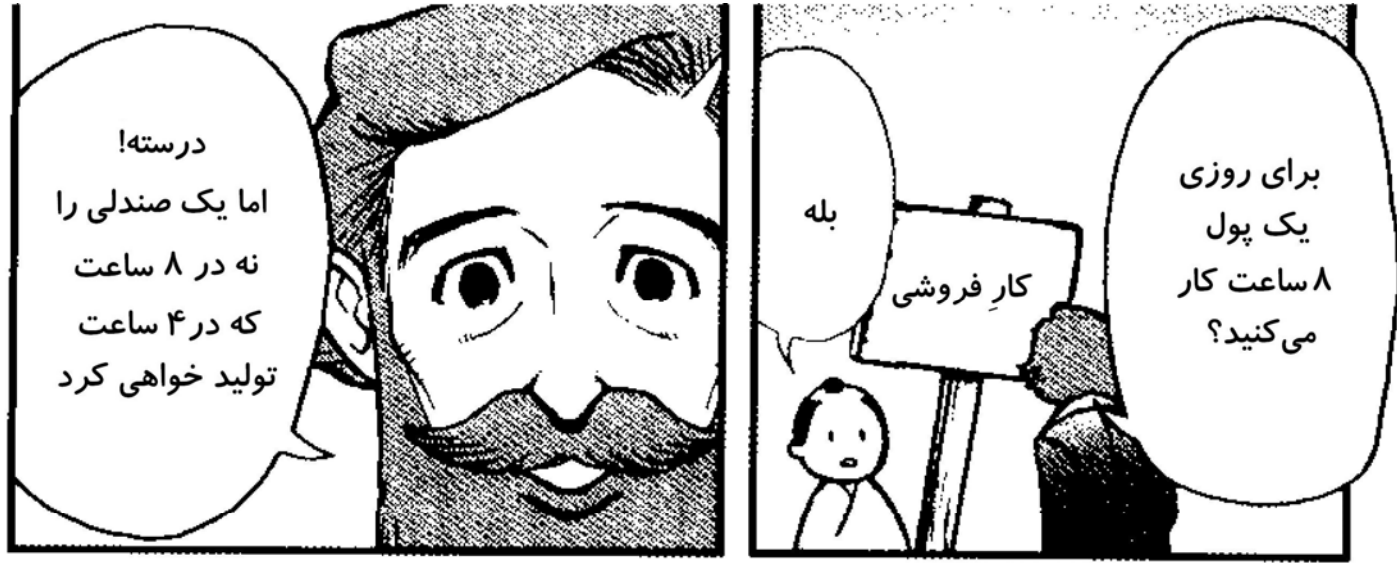
هم‌چنین فرض کنیم برای تولید هر کالا ۴ پول صرف مواد اولیه شده باشد

۴ پول مواد اولیه

اگر ارزش ابزاری که با آن‌ها این کالا تولید شده ۲ پول باشد

و تنها ۴ بار بتوان از این ابزار برای تولید صندلی‌ها استفاده کرد، در هر کالا ۵ پول هزینه می‌شود

۲ پول = ۴ ÷ ۵ پول



برآورده هزینه‌ها
برای تولید یک صندلی در ۸ ساعت

۱ پول	نیروی یک روز کار	
۴ پول	مواد اولیه	
۵ پول	استهلاک ماشین‌ها	

هزینه برای تولید یک کالا

۱۰ پول

هووووم...
به نظر می رسه
در ۴ ساعت
واقعا ۱ صندلی
تولید بکنه



سرمایه‌ی متغییر: سرمایه‌ای است که برای خرید نیروی کار استفاده می‌شود و در دوره‌ی تولید، ارزش‌افزایی به وجود می‌آورد.


برآورد هزینه‌ها برای تولید ۲ صندلی در ۸ ساعت

۱ پول	}	۱ پول	نیروی یک روز کار 
۱۸ پول		۸ پول	مواد اولیه (پول ۲×۴) 
		۱۰ پول	استهلاک ماشین‌ها (پول ۲×۵) 

کالایی که اعدادش ۱۰ پول است، ۲ عددش باید معادل ۲۰ پول باشد

هزینه برای تولید ۲ کالا

۱۹ پول


از راه وادار کردن کارگر به تولید ۲ کالا در روز هزینه‌ی ۲۰ پول به ۱۹ پول کاهش می‌یابد و ۱ پول باقی می‌ماند

به این پول "ارزش‌افزایی" گفته می‌شود

سرمایه‌ی ثابت: بخشی از سرمایه مانند ماشین‌ها، تأسیسات و مواد اولیه که ارزش‌افزایی تولید نمی‌کنند و ارزش آن تغییر نمی‌کند.





این که سرمایه دار از نیروی کار چه اندازه سود کسب کند به استعداد او نیز بستگی دارد



ارزش نیروی کار به گونه ای تعیین می شود

که احتیاجات روزانه ی کارگر و خانواده اش تامین شود و همچنین پرورش کارگران آینده تضمین شود



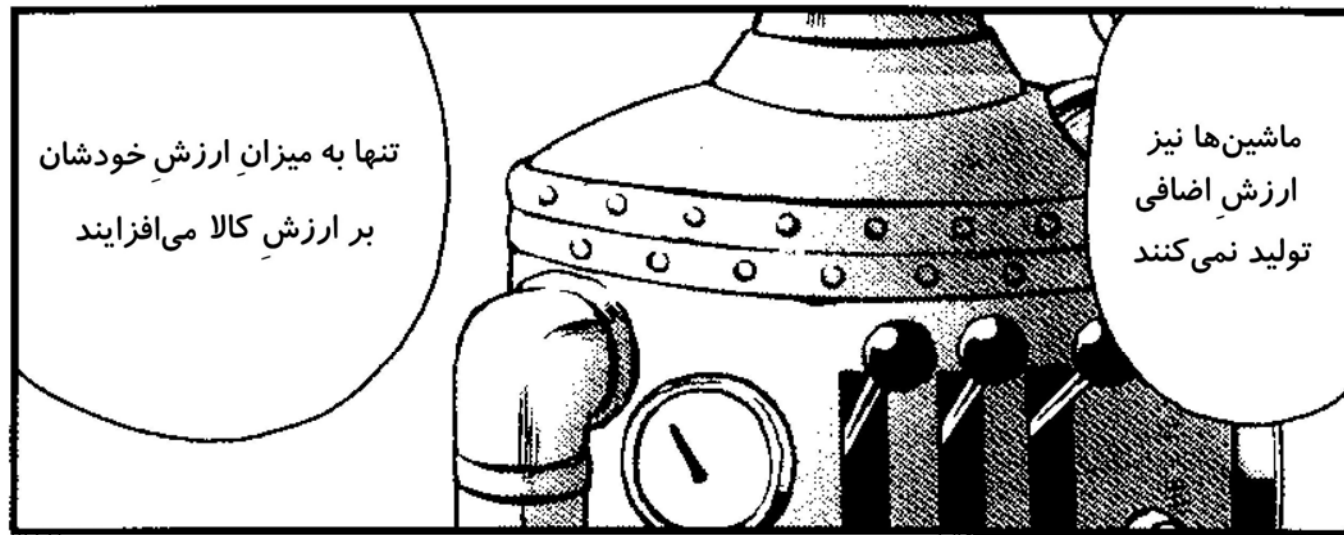
اما "محصولات کار" و "نیروی کار" دو مقوله ی متفاوت هستند

وضعیت پیچیده ای است ...



اما حیوانات ارزش اضافی تولید نمی کنند حیواناتی که بار بیشتری حمل می کنند ارزش مبادله ای بیشتری دارند

حیواناتی که در روز به میزان مساوی غذا می خورند، هر کدام به اندازه ی نیروی کارشان کارایی متفاوتی دارند



باز تولید گسترده: استفاده‌ی سرمایه‌دار از تمام یا قسمتی از ارزش اضافی برای افزایش دادن ارزش تولید به جای مصرف کردن آن.



کارگرا به زندگی
خودشون ادامه
می‌دن مگه نه؟

خرید و فروش‌ها
طبق قوانین خودش
انجام می‌شود

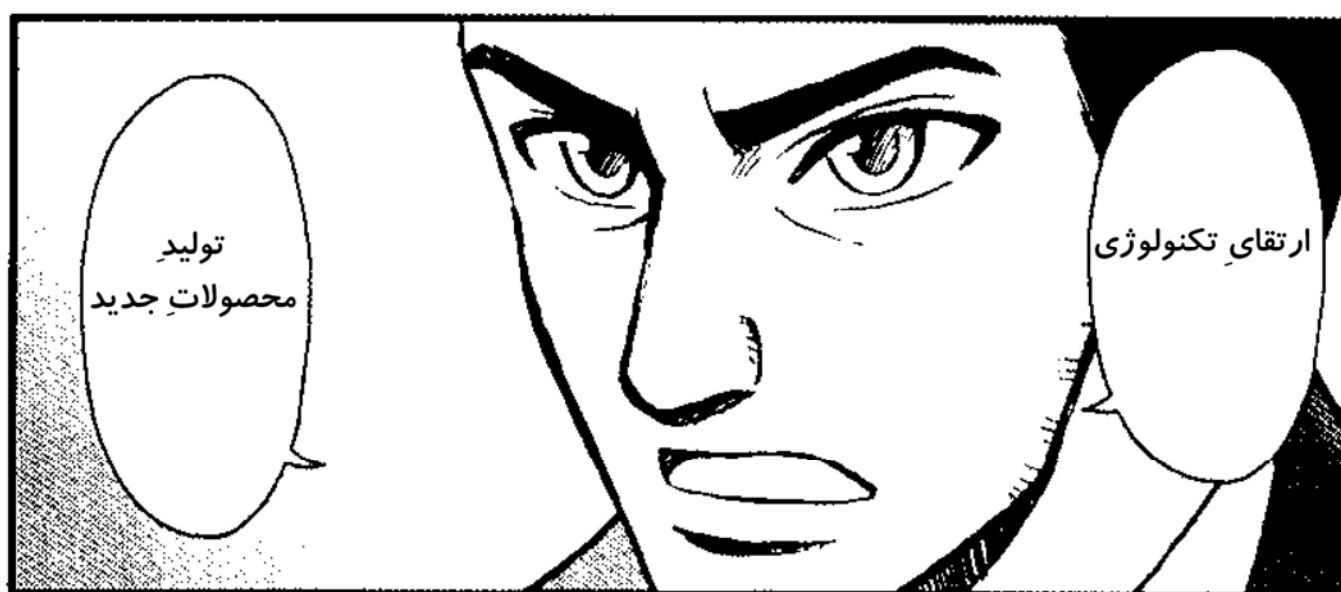


با استفاده از سود به
عنوان سرمایه می‌توانیم
کارخانه را بزرگ‌تر کنیم



ما هم باید برای
توسعه‌ی کار
سود کسب کنیم



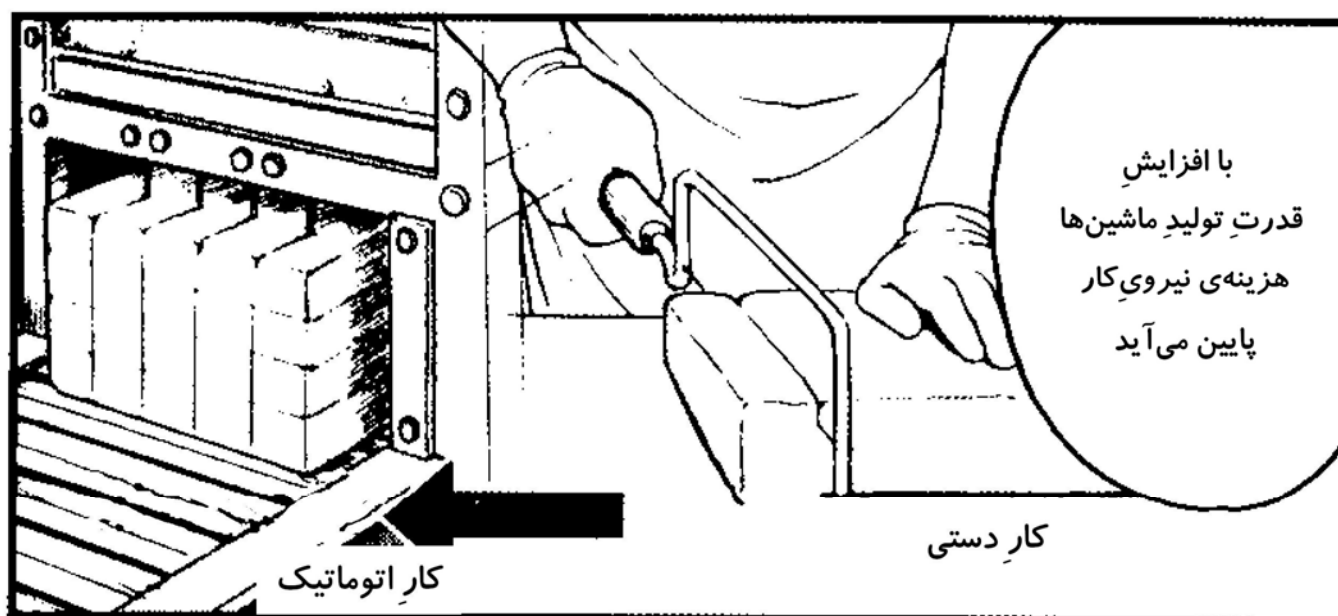
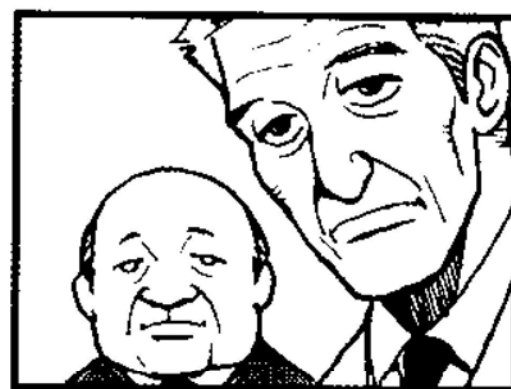


افزایش ارزش اضافی مطلق: افزایش ارزش اضافی ای که از راه مجبور کردن کارگران به کار در مدت زمان بیشتر ایجاد می شود.





اولین کاری که باید بکنیم
تعویض ماشین‌های قدیمی
با ماشین‌های جدیده

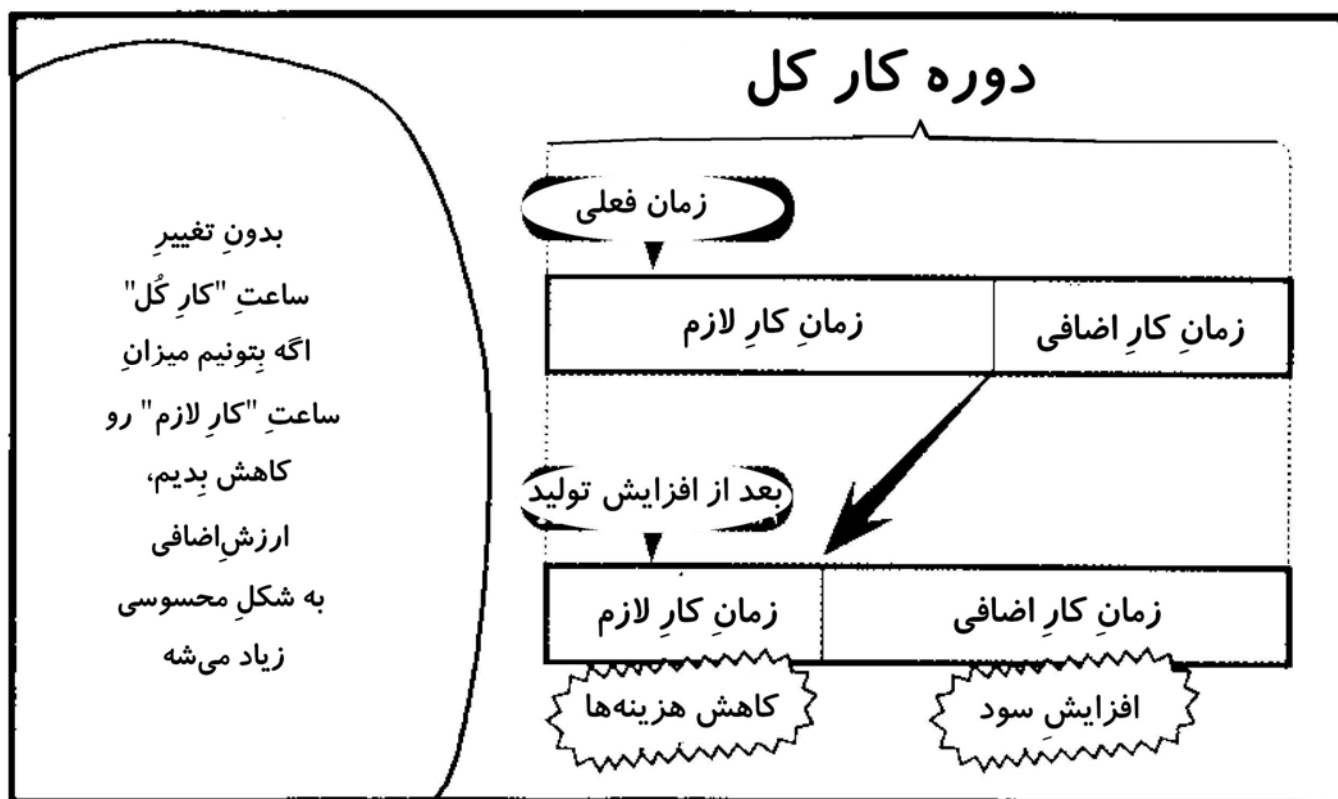


با افزایش
قدرت تولید ماشین‌ها
هزینه‌ی نیروی کار
پایین می‌آید

کار دستی

کار اتوماتیک

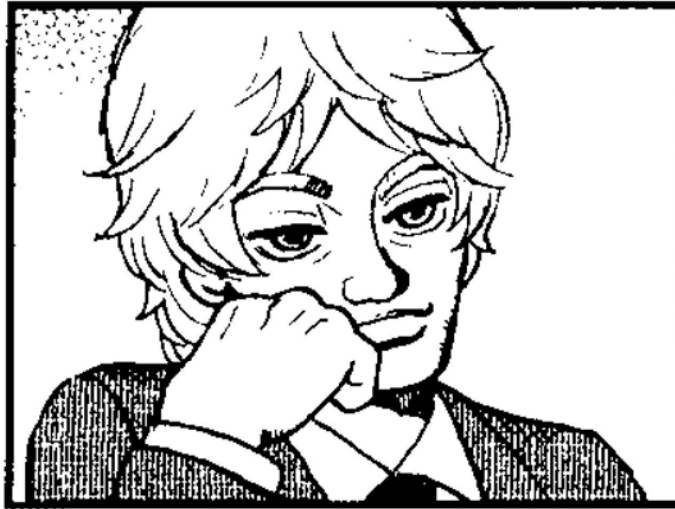
افزایش ارزش اضافی نسبی: ارزش اضافی نسبی از کاهش زمان کار لازم به دست می‌آید. افزایش ارزش اضافی ای است که به دنبال افزایش تولید و همچنین پایین آمدن ارزش مواد ضروری مورد نیاز کارگران برای ادامه‌ی حیات (که در نتیجه‌ی افزایش پدست می‌آید) و به دنبال آن پایین آمدن دستمزدهایی که در برابر نیروی کار پرداخت می‌شود به دست می‌آید.



بدون تغییر
ساعت "کار کل"
اگر بتوانیم میزان
ساعت "کار لازم" رو
کاهش بدیم،
ارزش اضافی
به شکل محسوسی
زیاد می‌شه

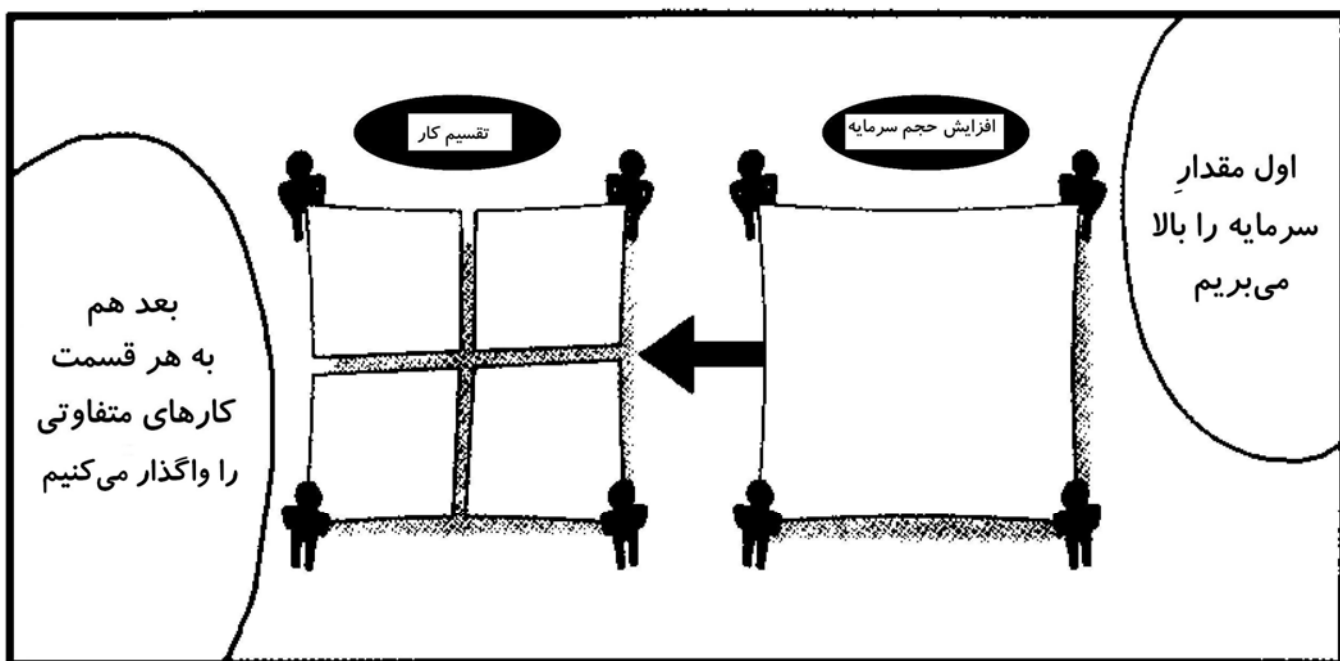
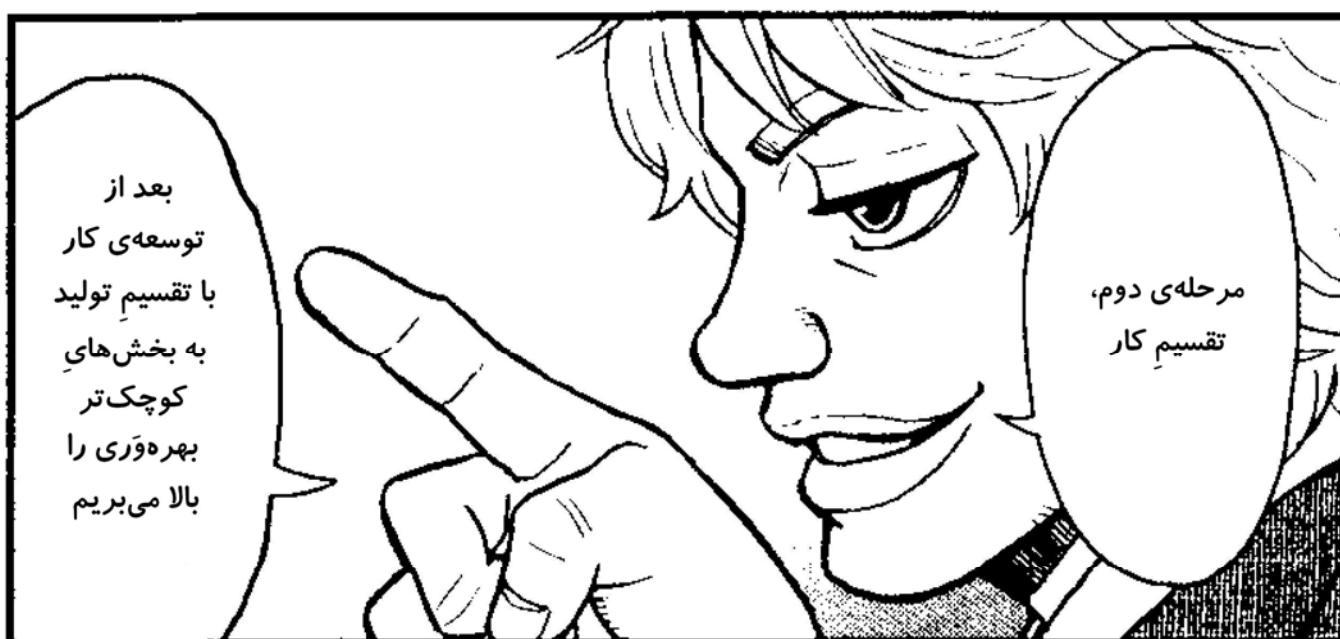
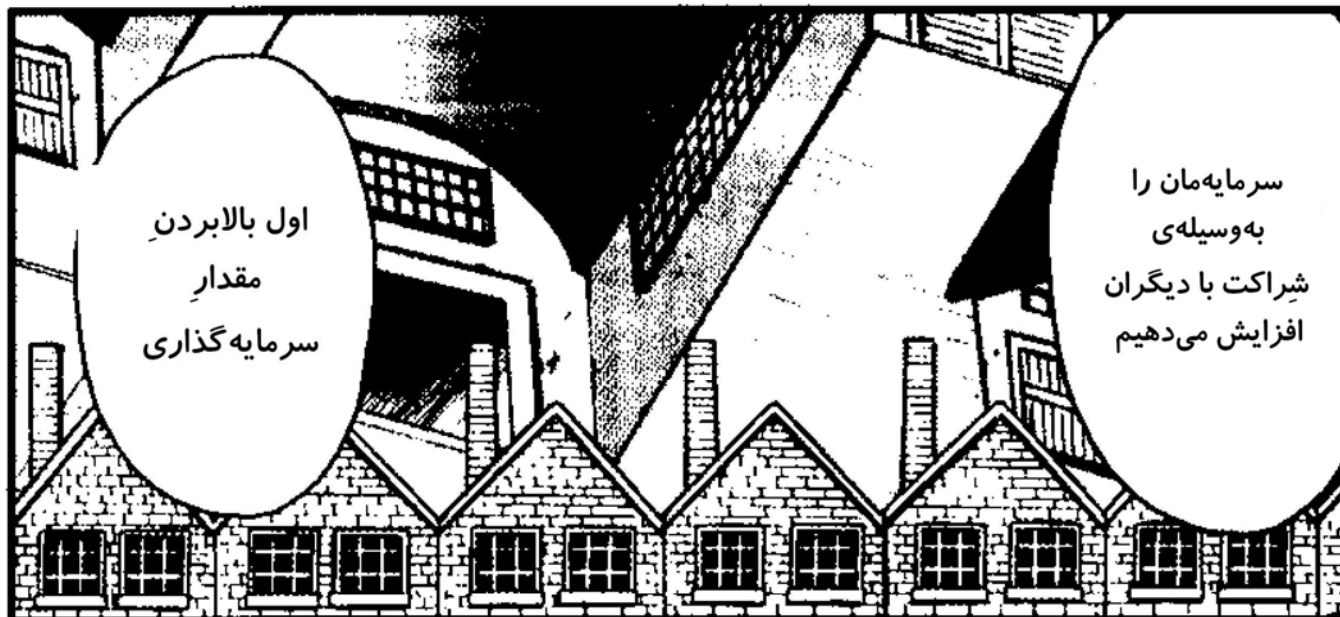


ارزش اضافی فوق العاده: ارزش اضافی ای که به واسطه‌ی استفاده از فن‌آوری‌های جدید(قبل از فراگیر شدن آن‌ها) به دست می‌آید.











می‌تونیم بدون این‌که
نیاز به آموزش
کارگرا داشته باشیم،
بی‌توجه به جنسیت و سن
تعداد زیادی کارگر رو
به کار بگیریم

با ساده کردن کار
آموزش آن نیز
راحت‌تر می‌شود



با تولید و
به‌کارگیری
ماشین‌آلات،
برای اهداف
تخصصی‌تر،
فن‌آوری را
رشد دهیم



همان‌طور که
هزینه‌های تولید
هر کالا را
به پایین‌ترین سطح
آوردیم...



به درد ما
هم می‌خوره



چرا که
پایین آمدن
هزینه‌های "نیروی کار"
به معنی
بالا رفتن سود
سرمایه‌داران است

بله درسته
باید هم به کار
صاحبان سرمایه بیاد



این امر برای
صاحبان سرمایه
فرصت خوبی است



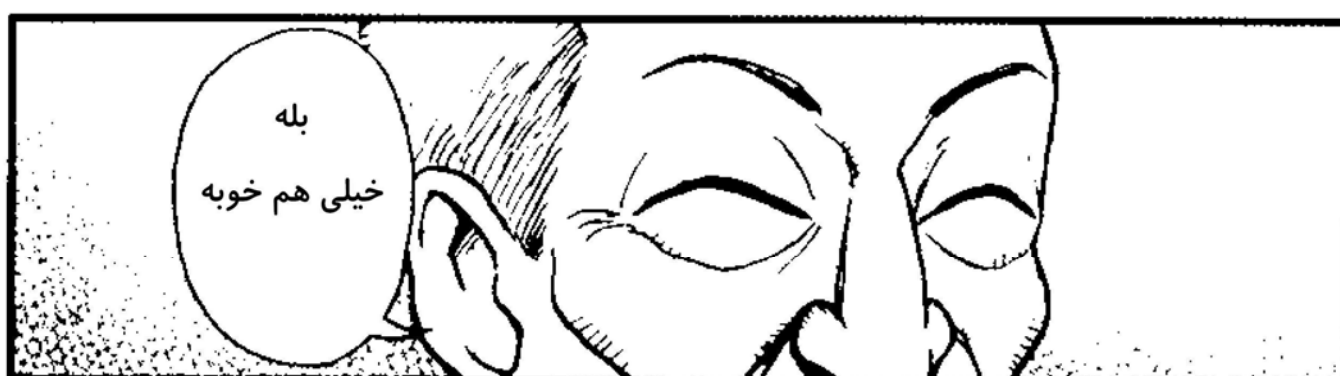
اهمیت ندادن به سن و
جنسیت و مهم نبودن
مسئله‌ی آموزش به این
معناست که صاحبان
سرمایه می‌توانند به راحتی
کارگران را با نیروی
کار جدید جایگزین
کنند



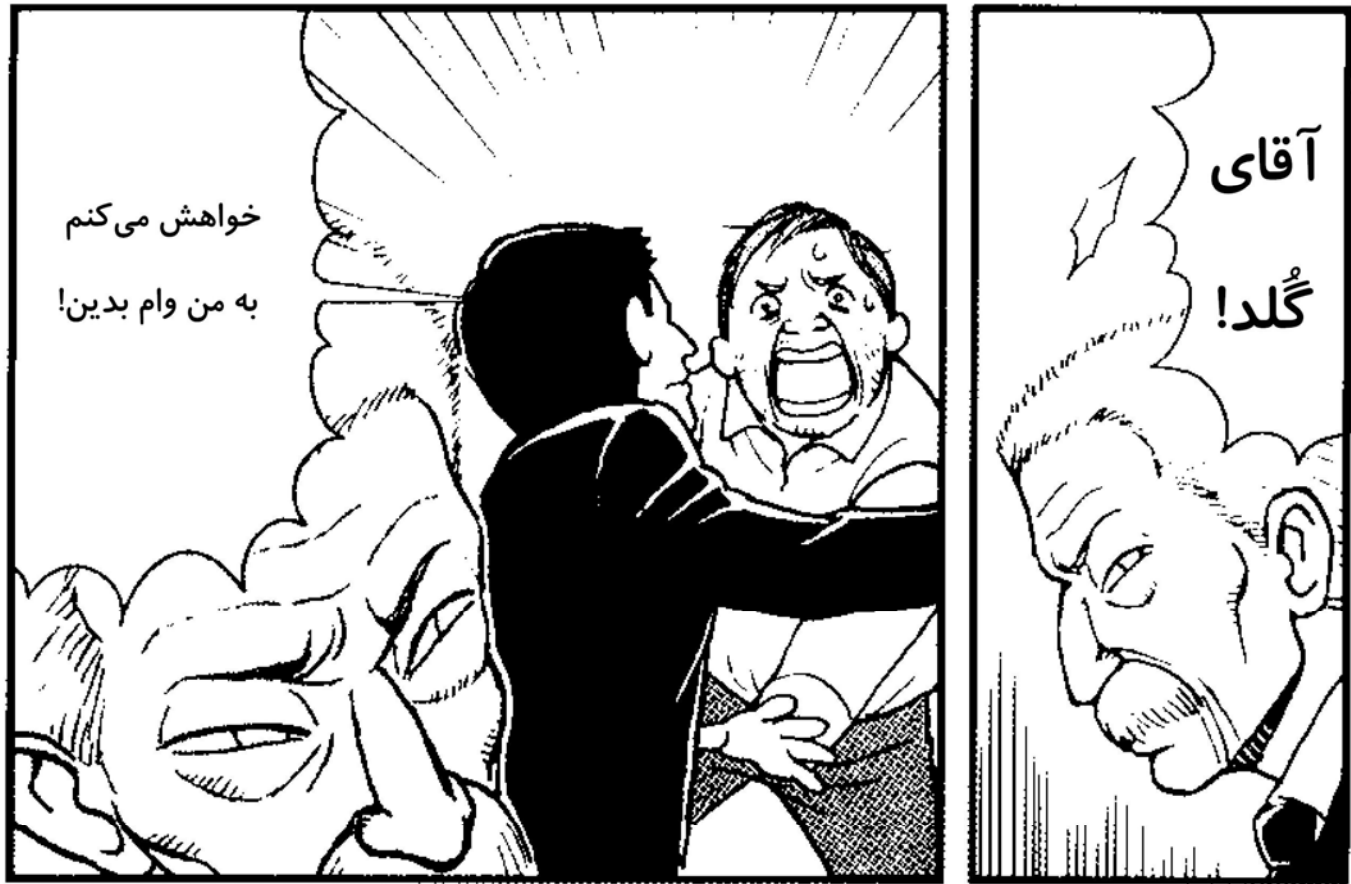
کارگران را
مجبور می‌کنند که
با دستمزدهای
پایین‌تر کار کنند

با وجود افرادی
که حاضرند
با پول کمتری
کار کنند

سنند: نوعی کاغذ ارزشمند اوراقی که تضمین کننده (نشان دهنده) بازگرداندن پدھی های تجاری است.









اگر این جور
عمل کنید
داروندارم رو
کارخونه های
بزرگ
بالا می کشن!



اولین قدم
برای کارخانه ی تو
تنظیم برنامه های
سودآور

بانک داری هم
یه شغله...
من هم نباید
ریسک کنم...



هی ی ی ی!
خواهش می کنم!

برای همین
من دارم ..
تلاش می کنم کاری
انجام بدهم...

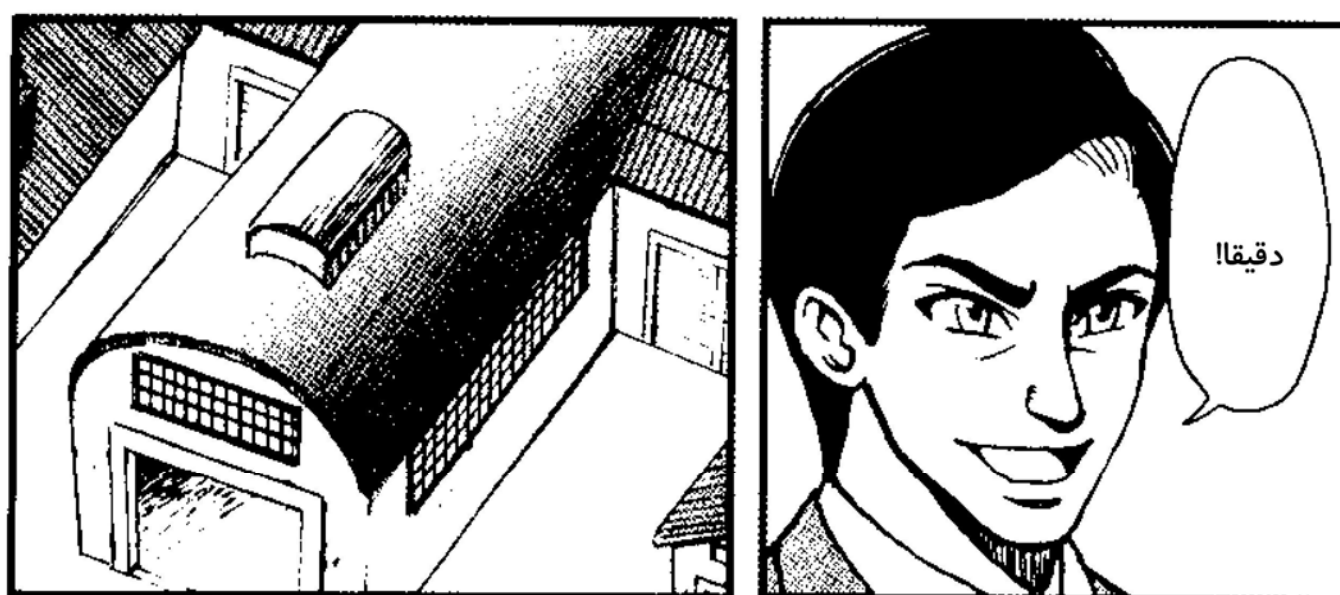


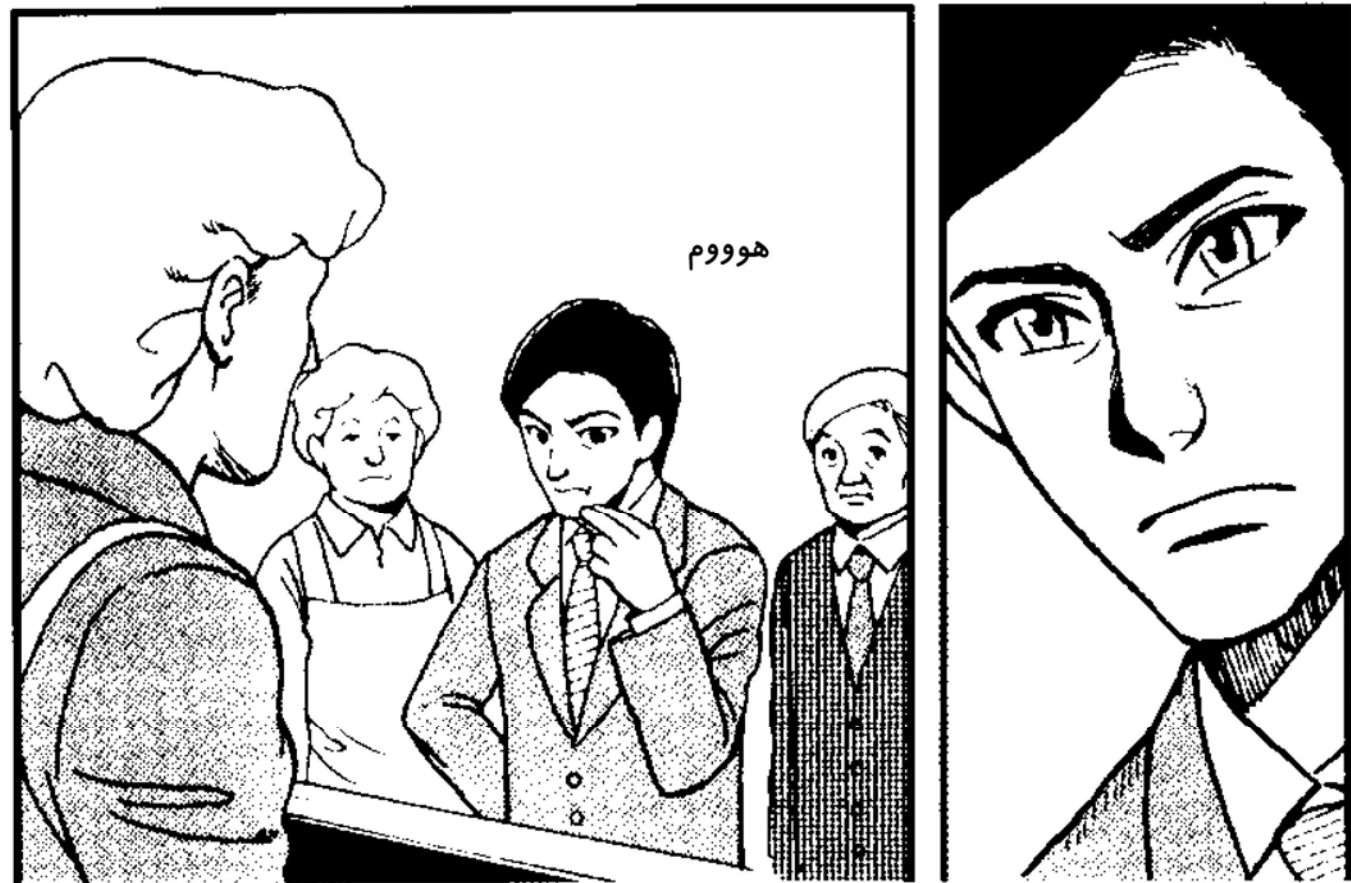
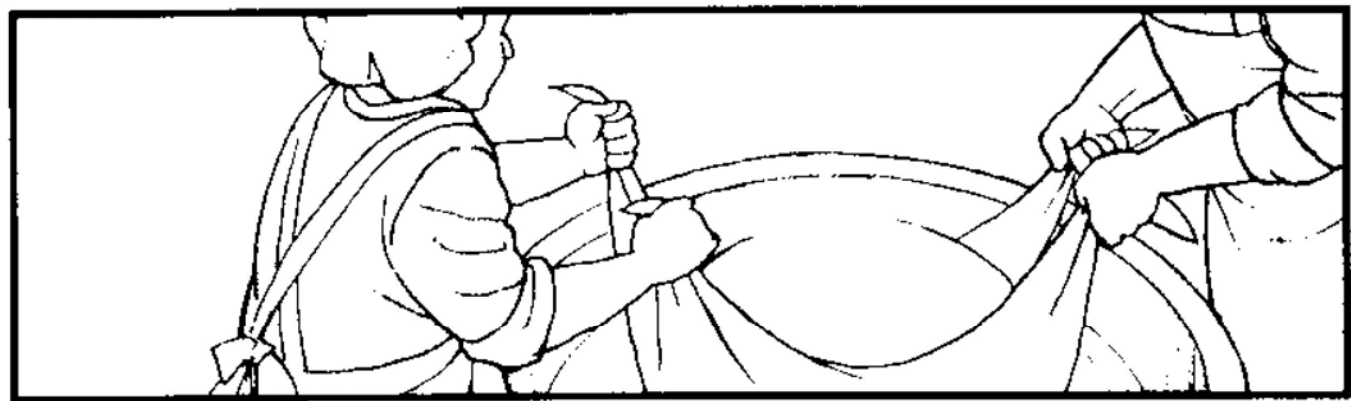
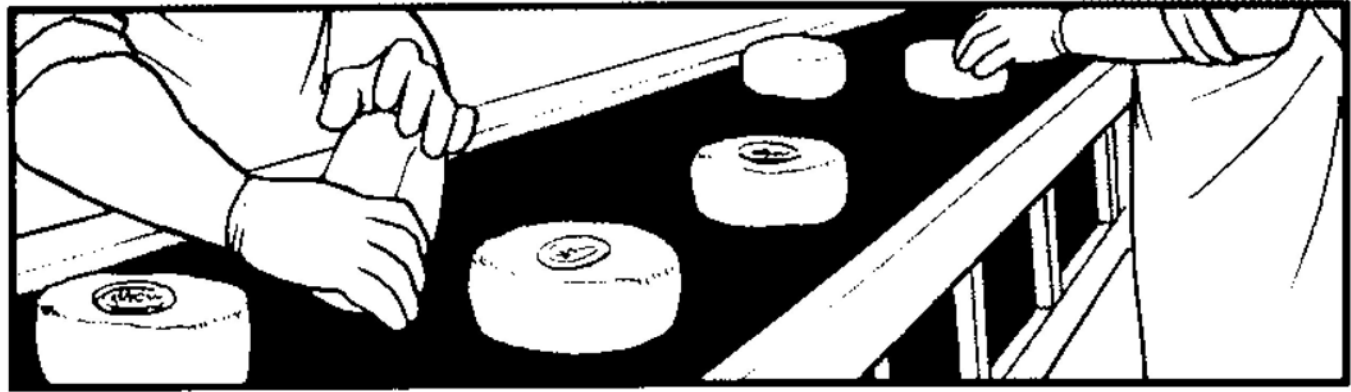
آقای دانیل،
برگردیم سر
کار شما

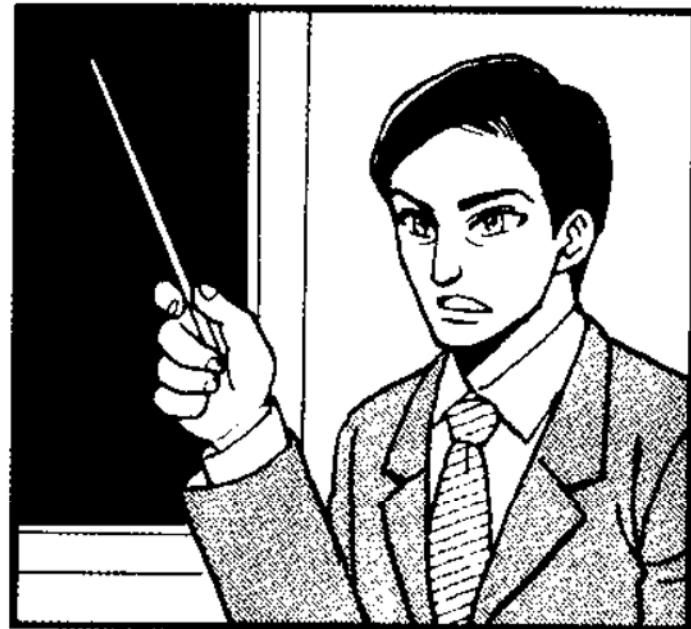
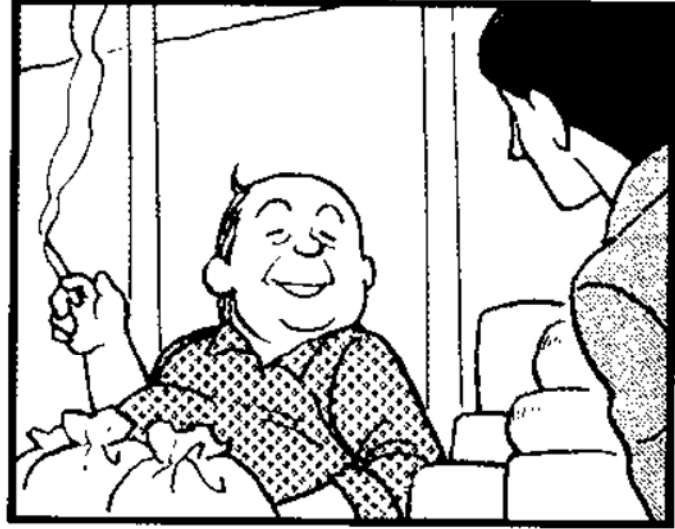
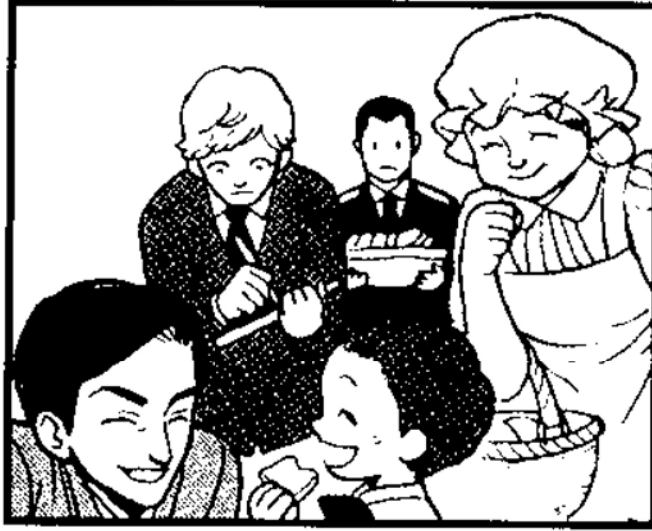


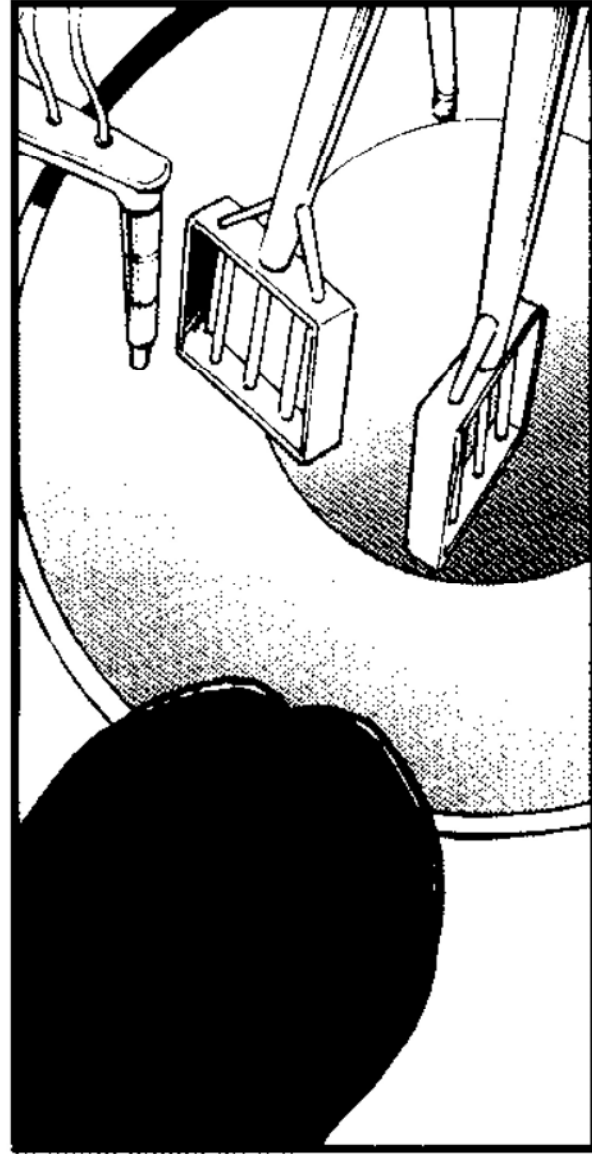
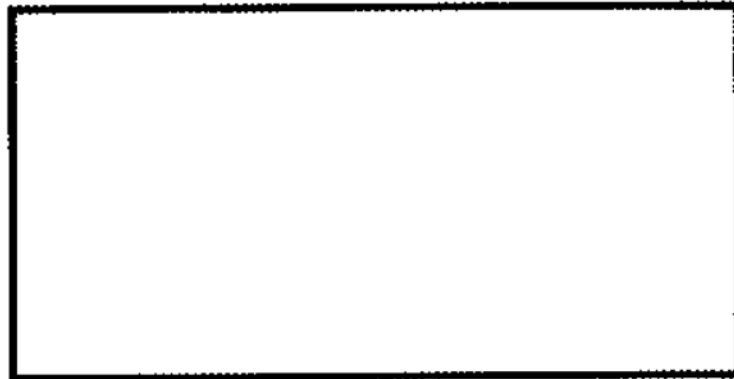
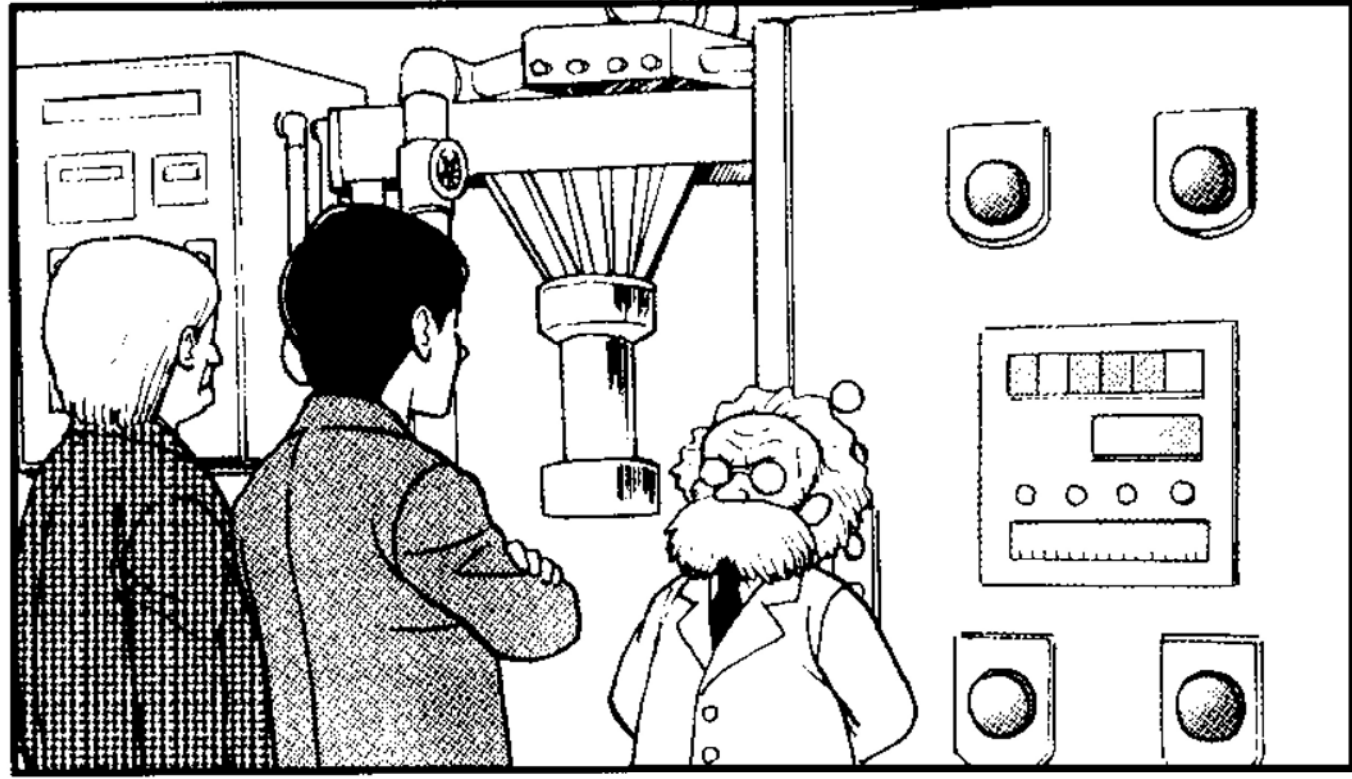
دیدن ورشکستگی
دیگران
ناراحت کننده س

معذرت
می خوام

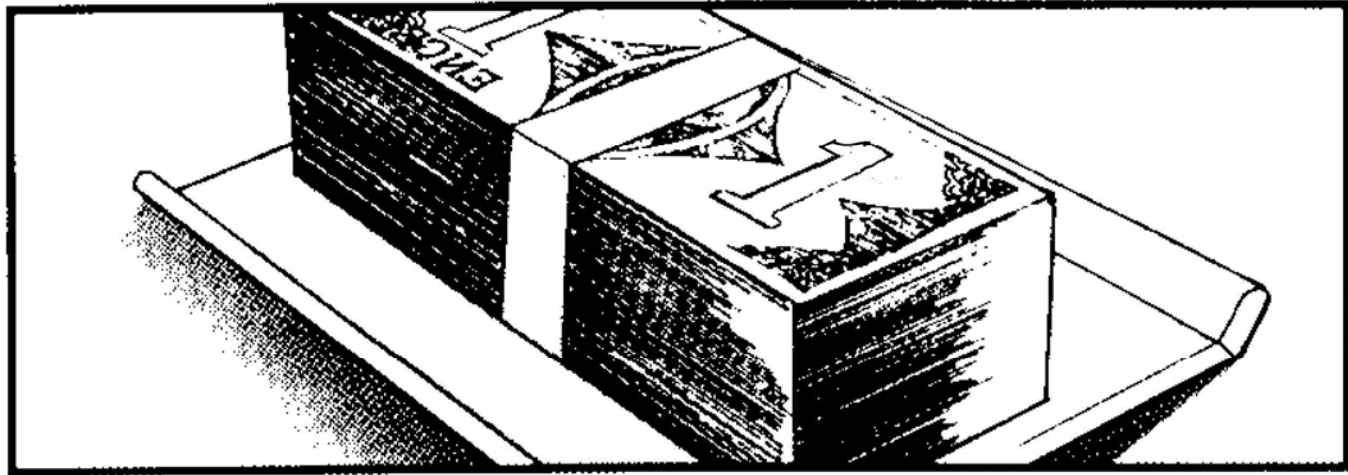












خوب
پس کار
مارو دیگه
راه می ندازید



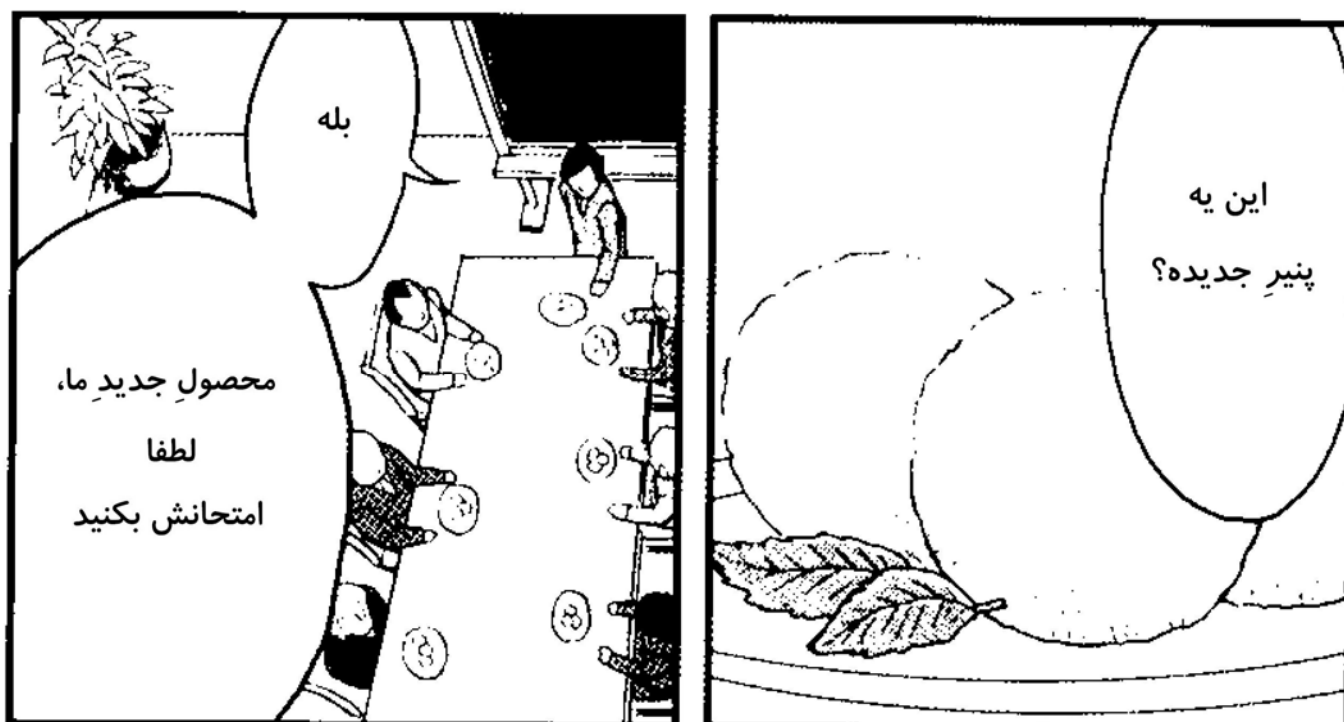
لطفا
بشمارید

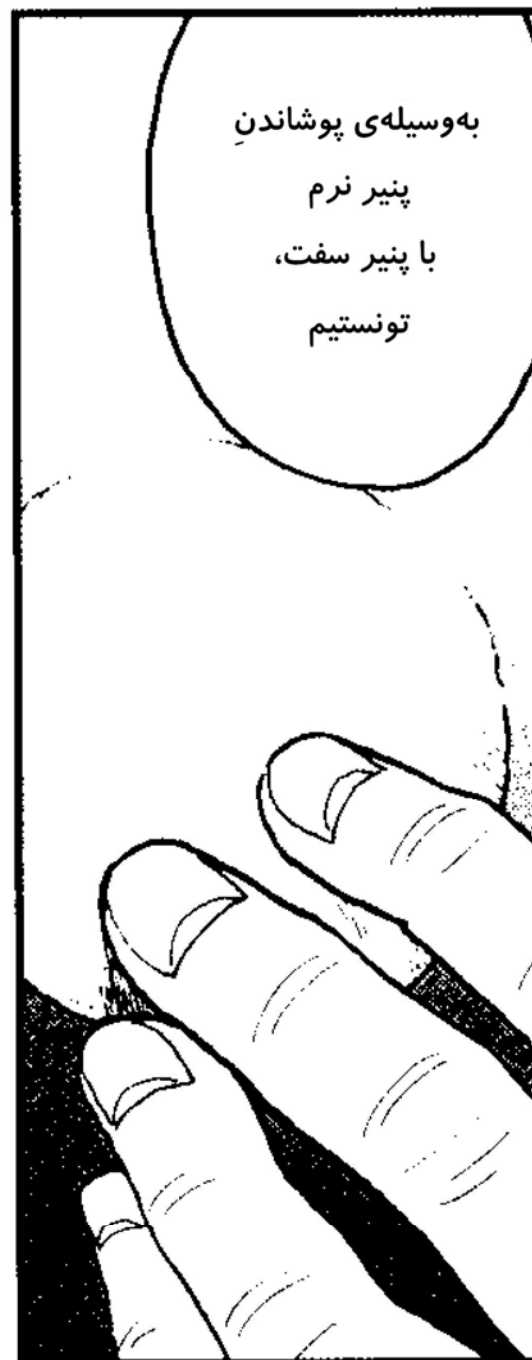
بله کار با گروه دانیل
یعنی همین...

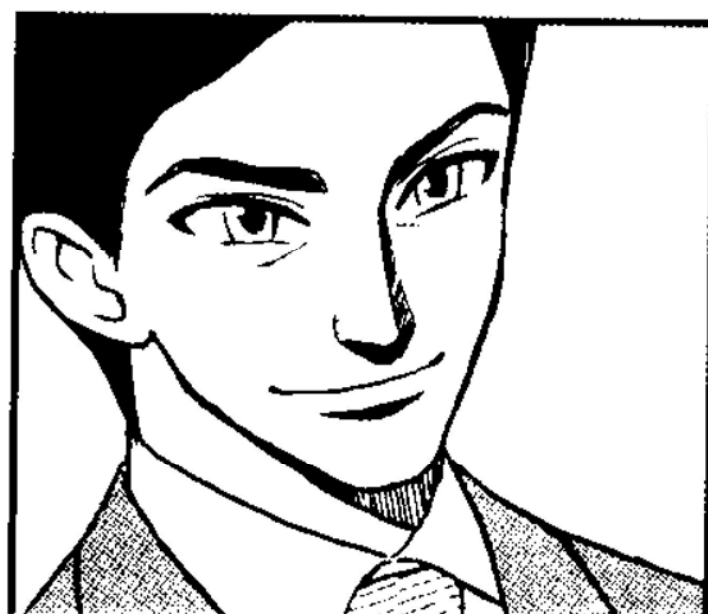


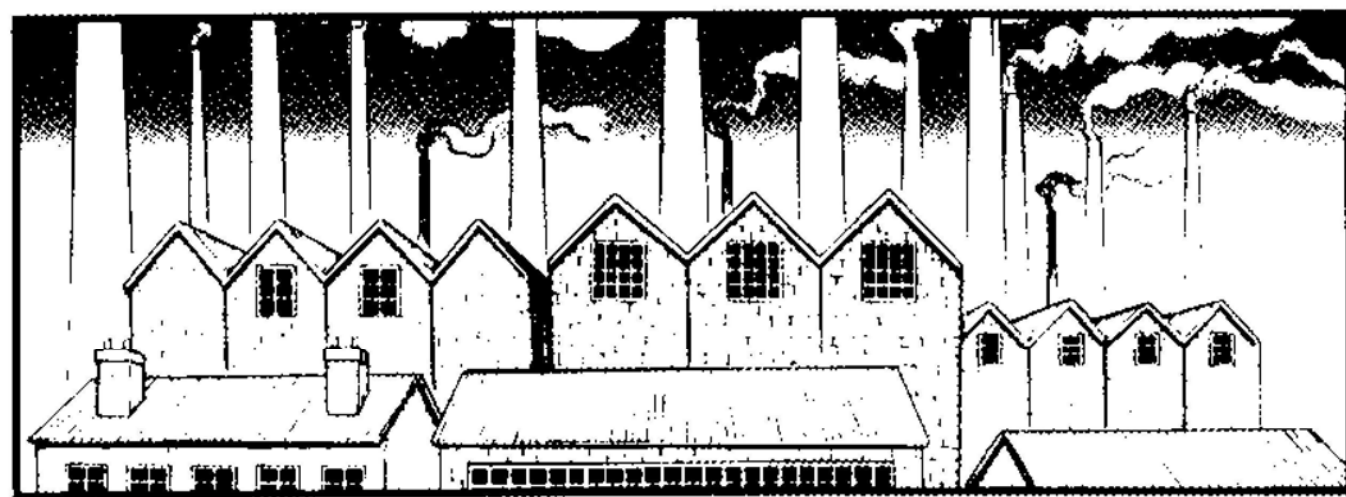
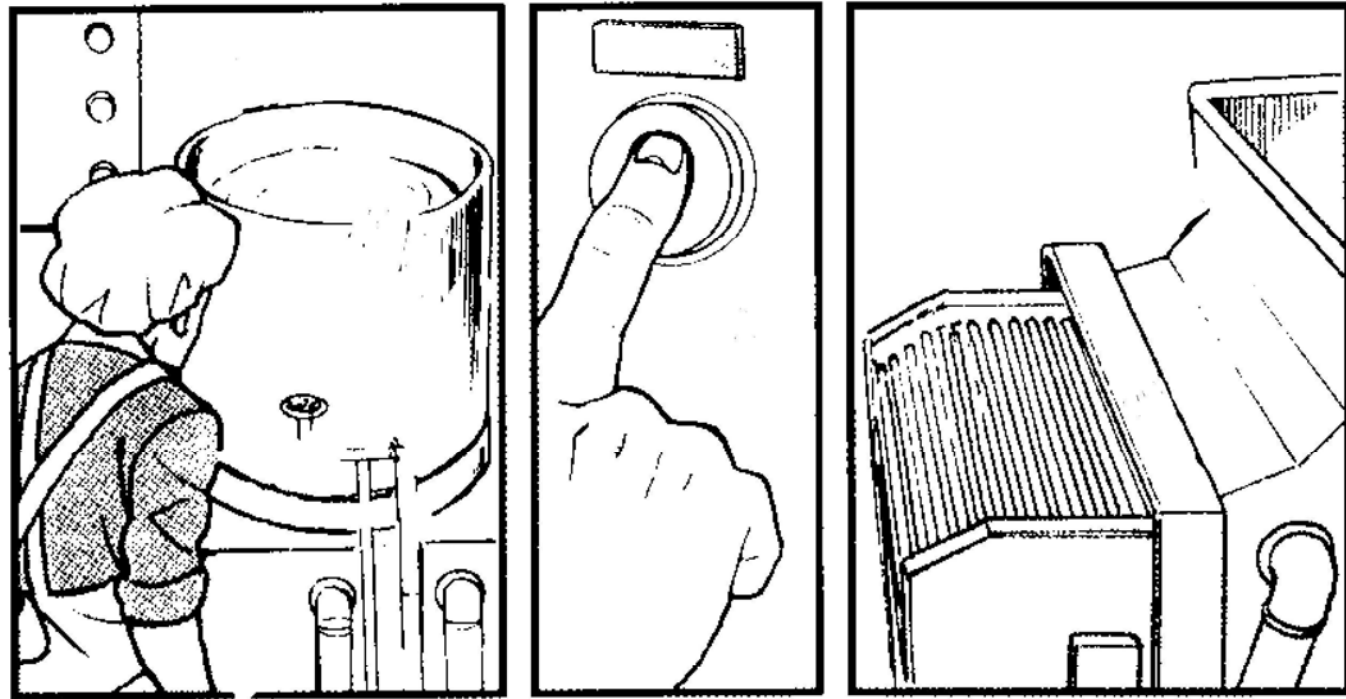
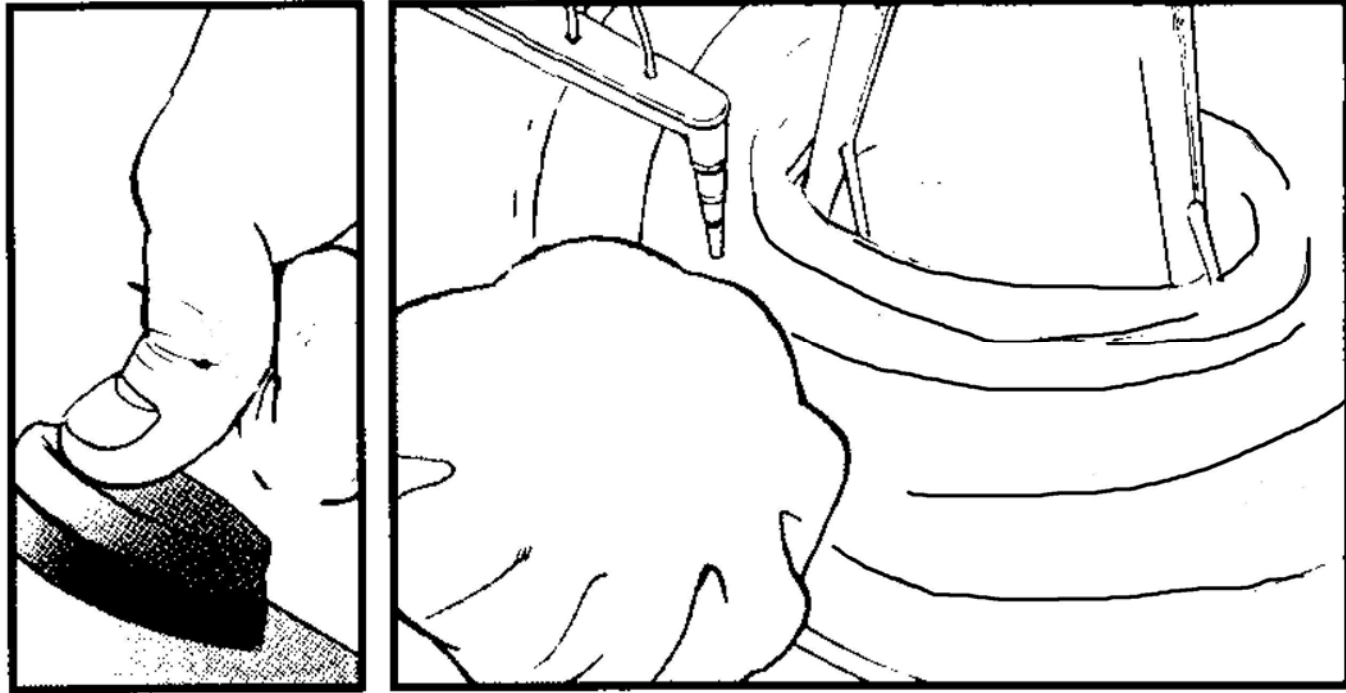
بقیه رو
به من واگذار کنید!
خلیش می کنم!

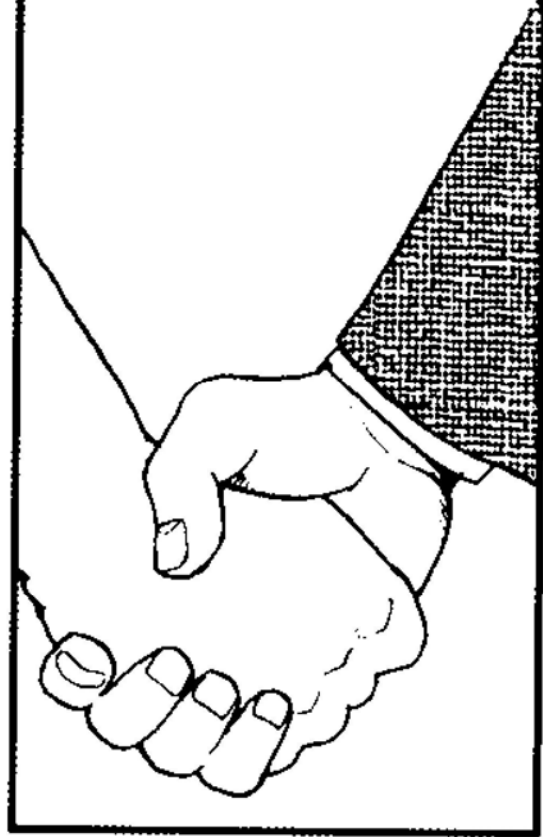
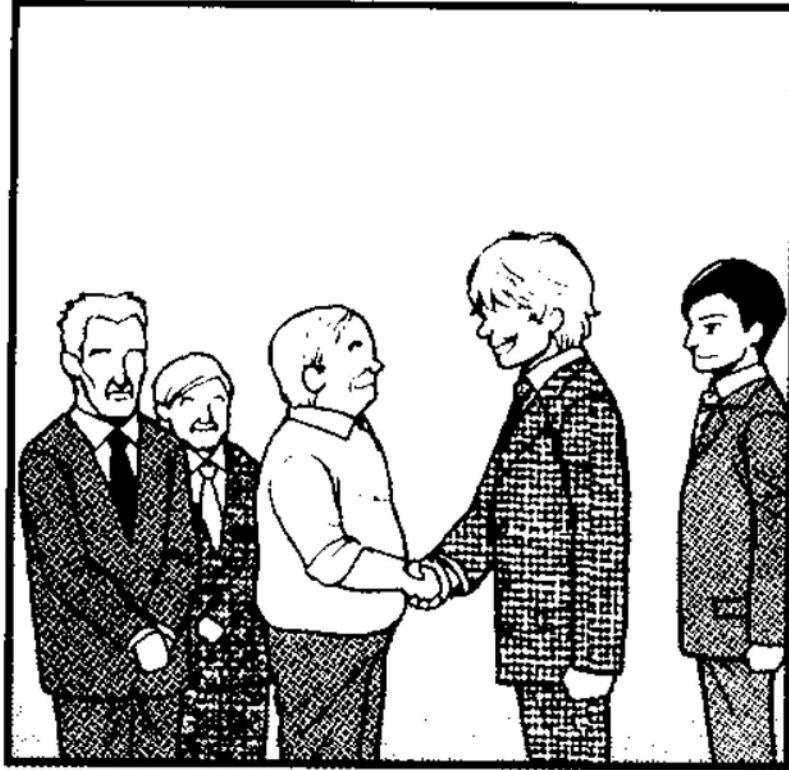
البته!
با این پول می تونم
برای ماشین آلات جدید
سرمایه گذاری بکنم!







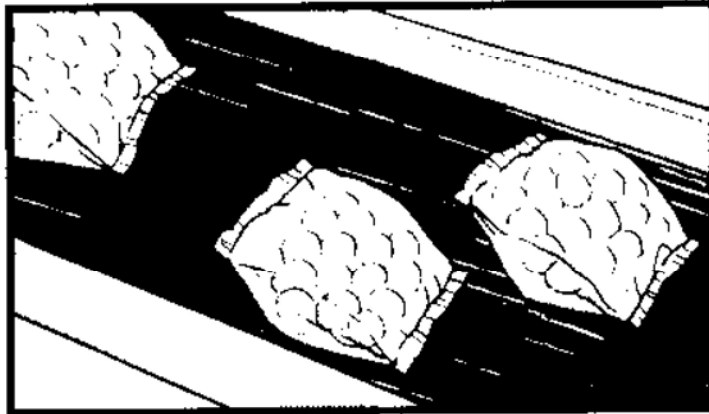
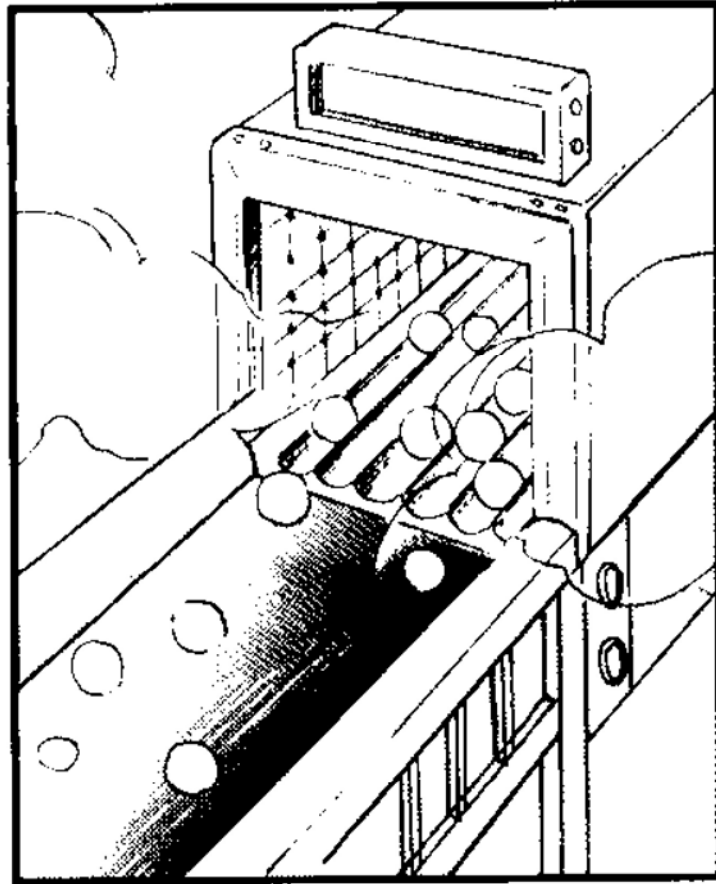




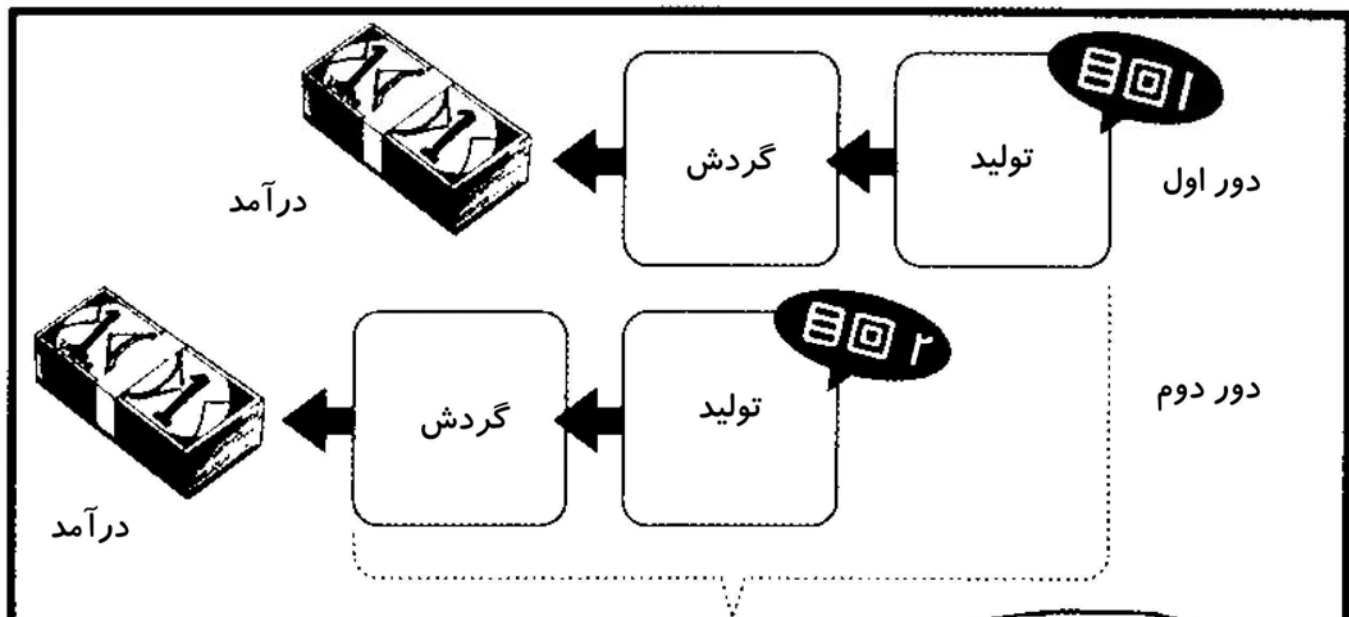
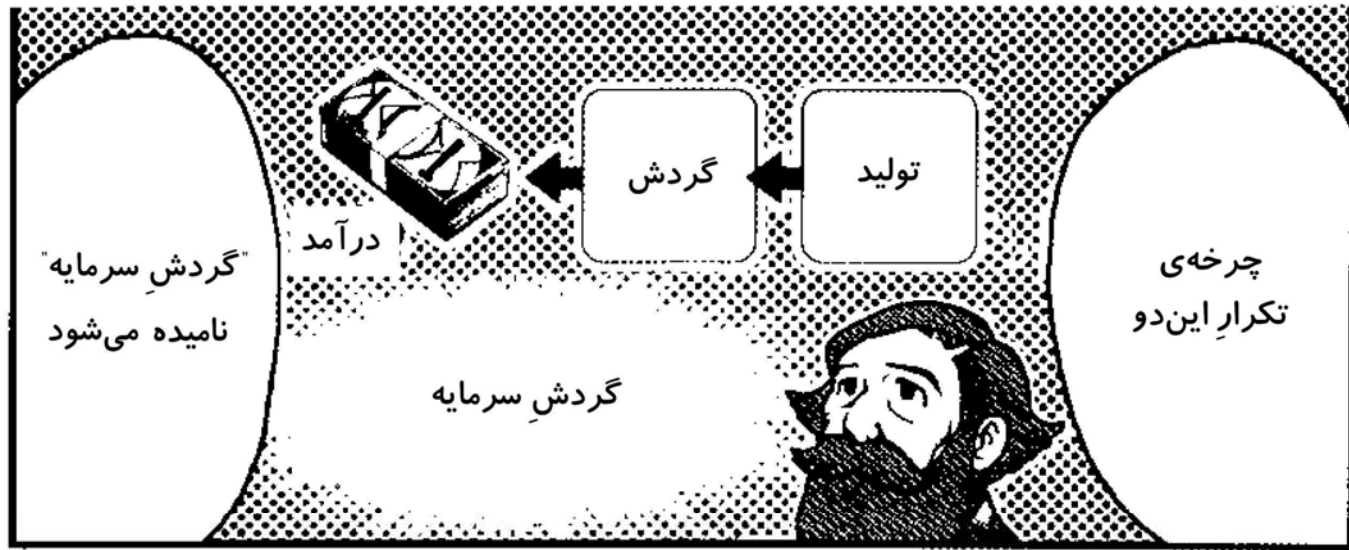
جامعه‌ی سرمایه‌داری
همواره در پی سود است
و بر پایه‌ی رقابت
بنا شده است



تولیدِ انبوه...
افزایش سود...
رشدِ سرمایه...
همواره
تکرار می‌شود

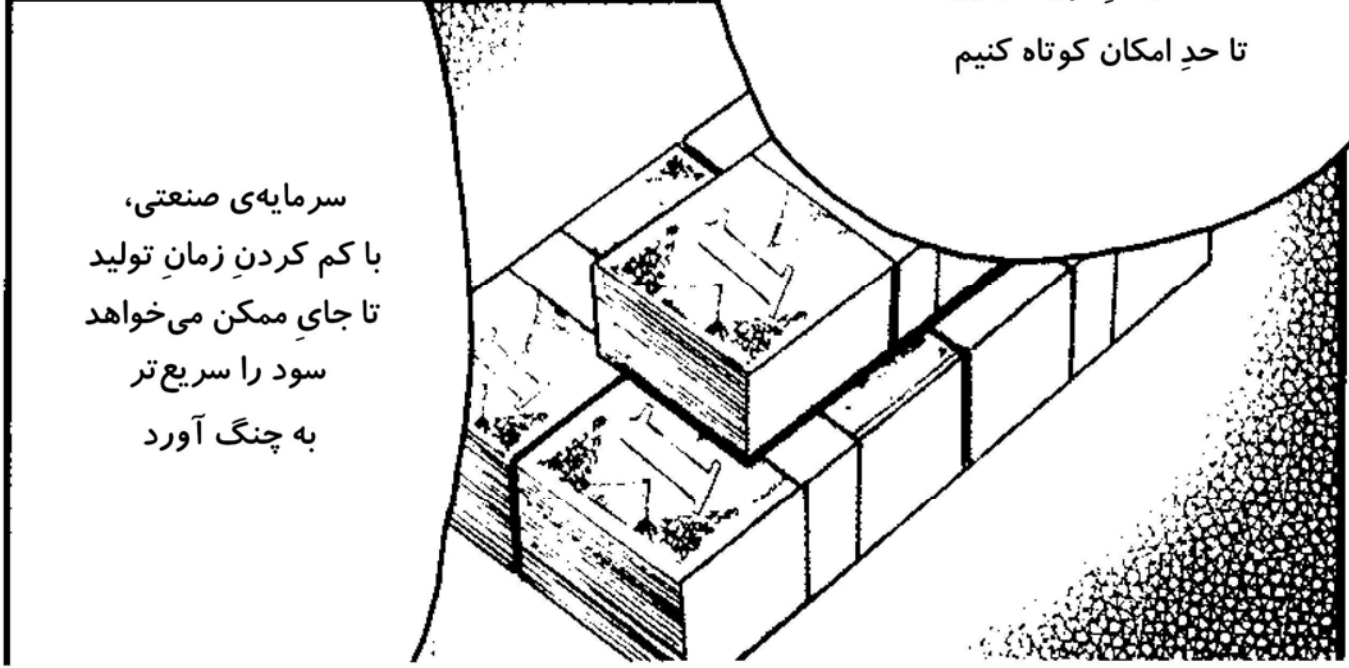






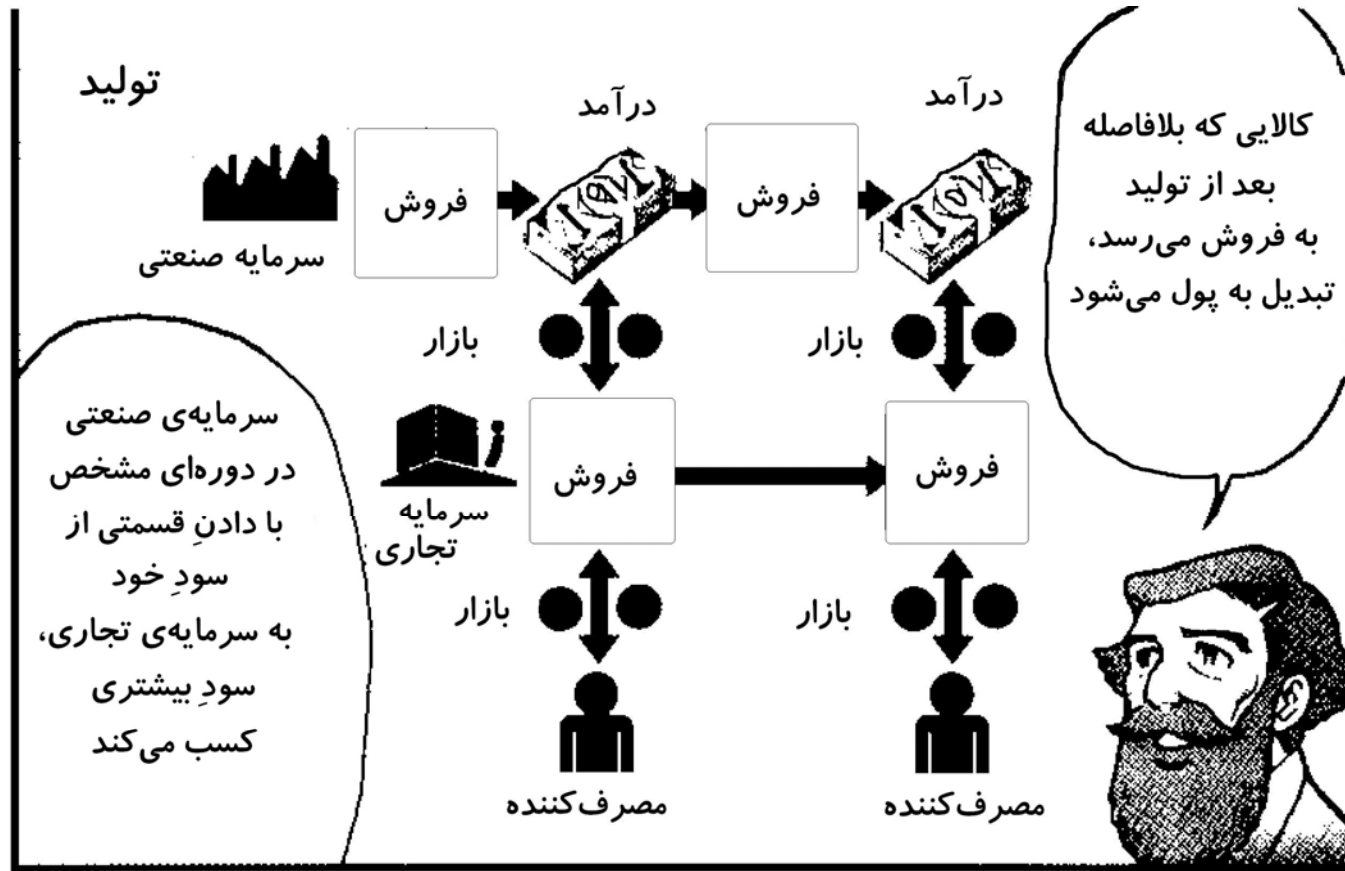
تأمر حله‌ی فروش کالا، جدای از هزینه‌ی تولید، هزینه‌های زیادی نیز در امر گردش کالا (ثبت، انبار، حمل و نقل) مورد نیاز است

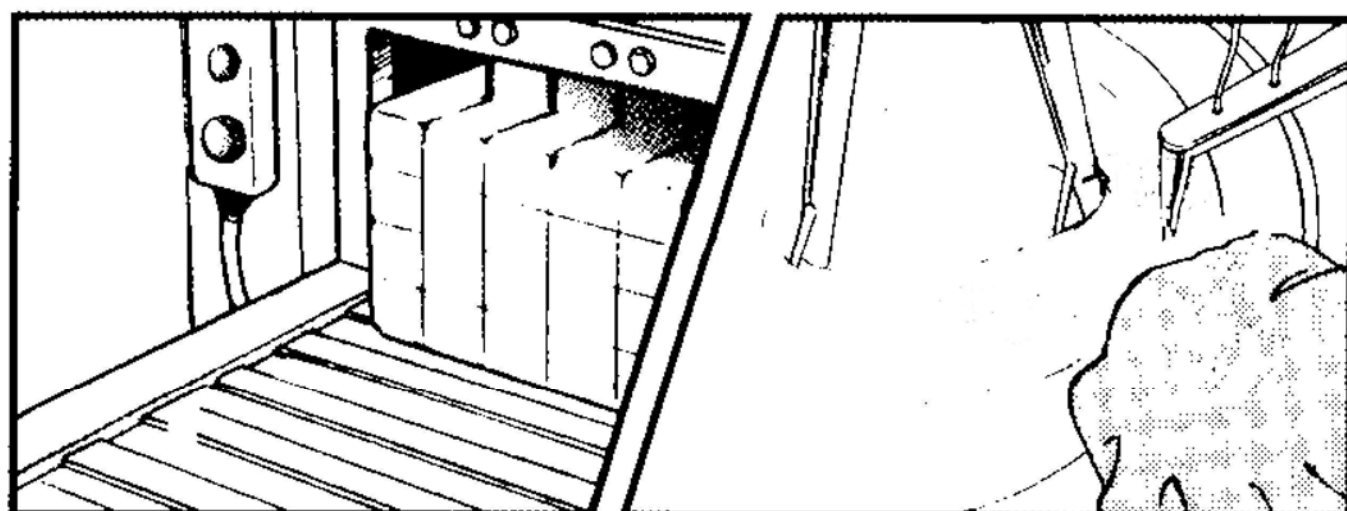
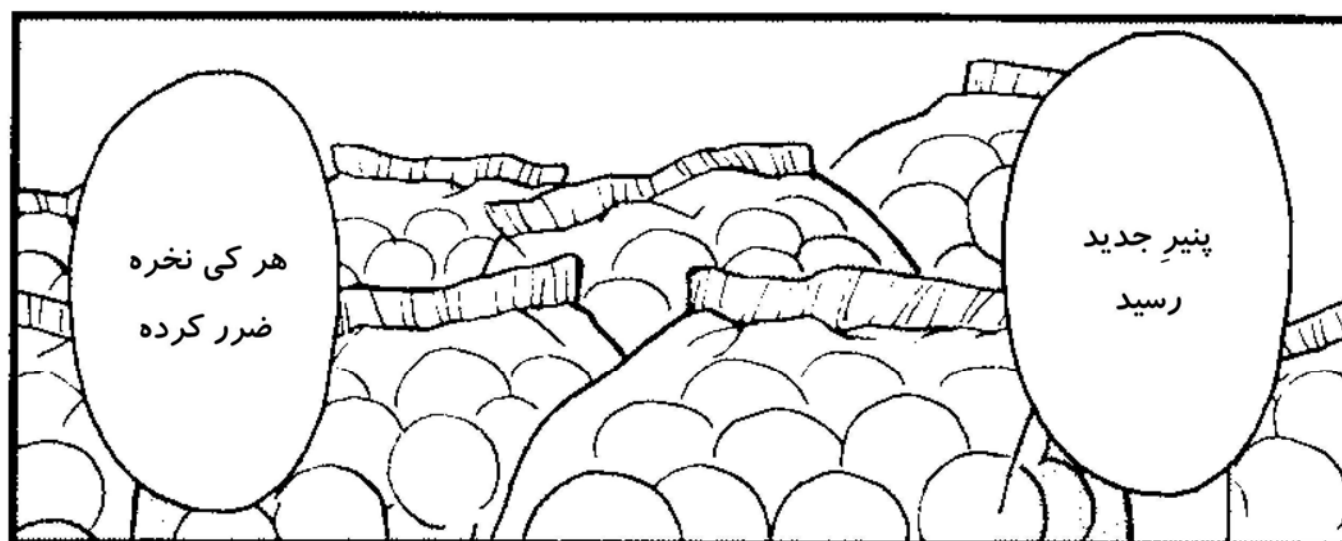
هر اندازه گردش سرمایه سرعت بیشتری داشته باشد، در مدت زمان معینی، میزان سودی که به دست می‌آوریم افزایش می‌یابد. مدت زمان تولید را باید تا حد امکان کوتاه کنیم

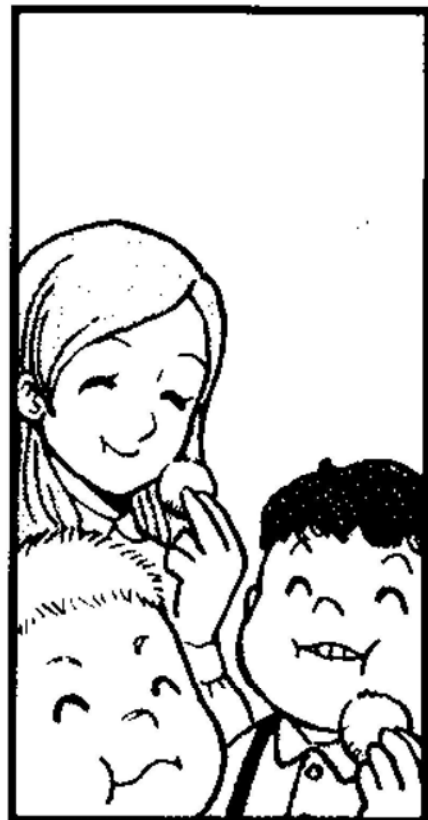


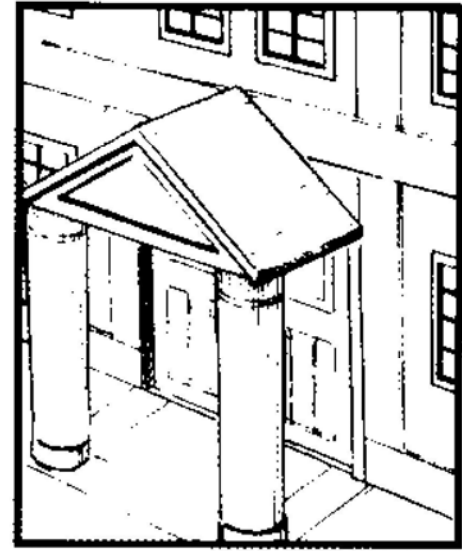


اعتبار تجاری: رابطه‌ی تجاری که بر اساس قدرت بازپرداخت از سوی خریدار و فروشنده تعریف می‌شود.
 سرمایه‌ی ریایی: سرمایه‌ای است که با هدف کسب‌بهره به دیگران به شکل پدیده‌ی پرداخت می‌شود.





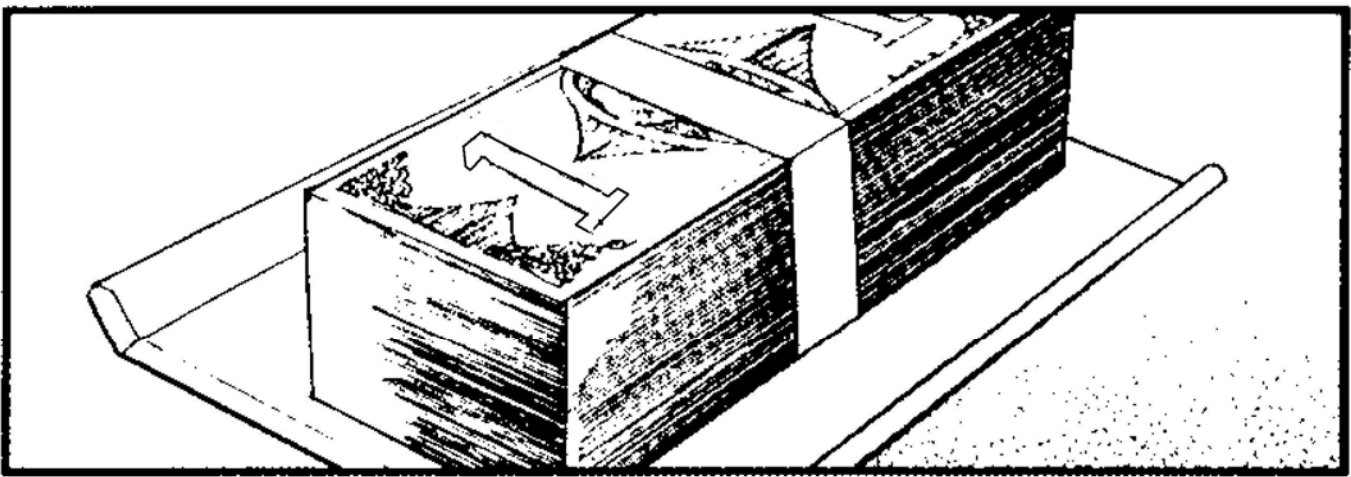
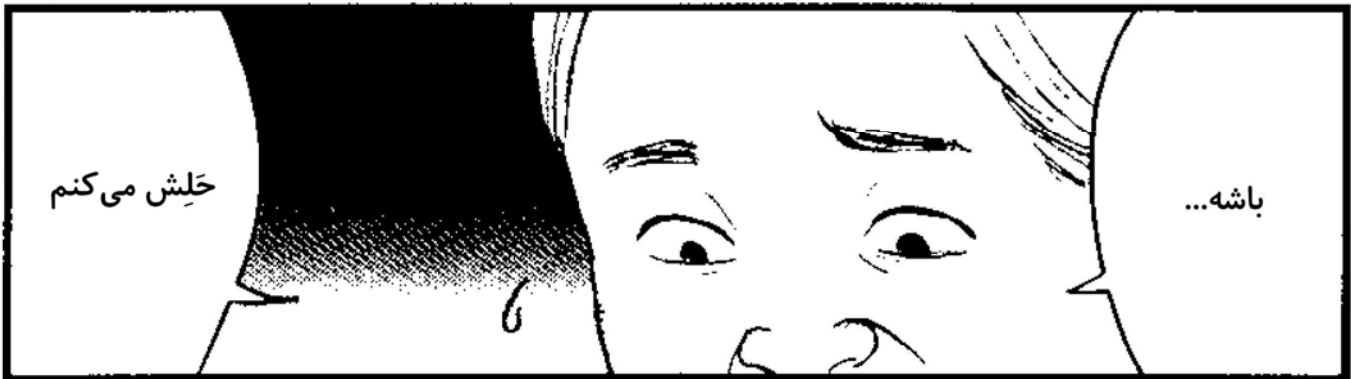
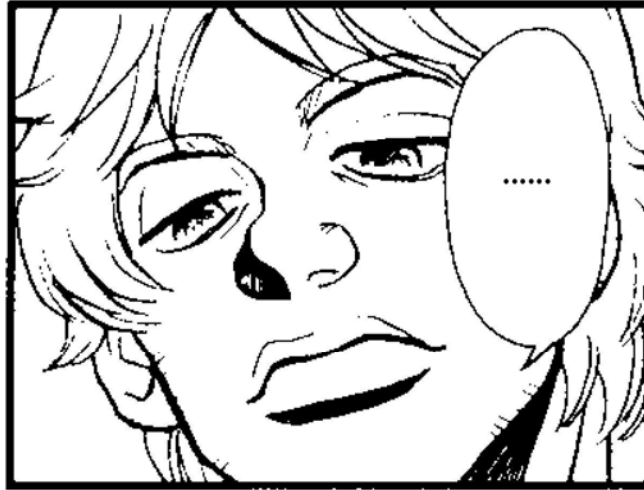


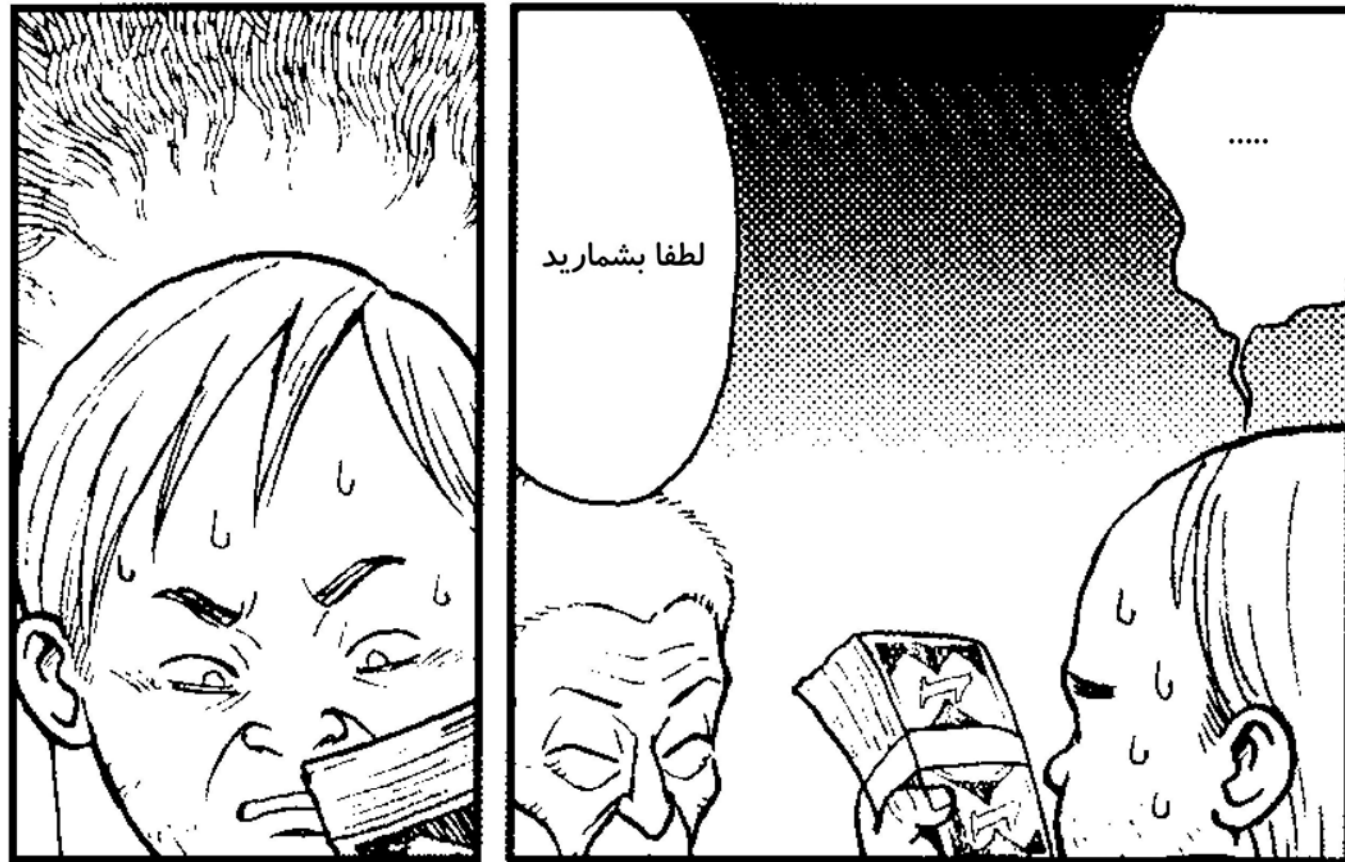


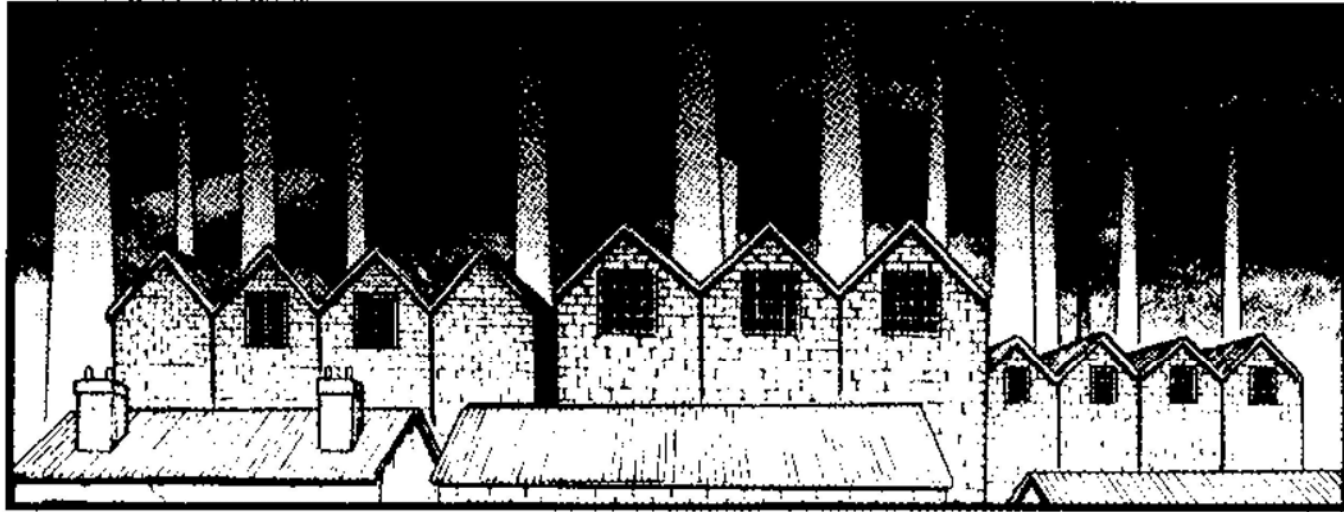






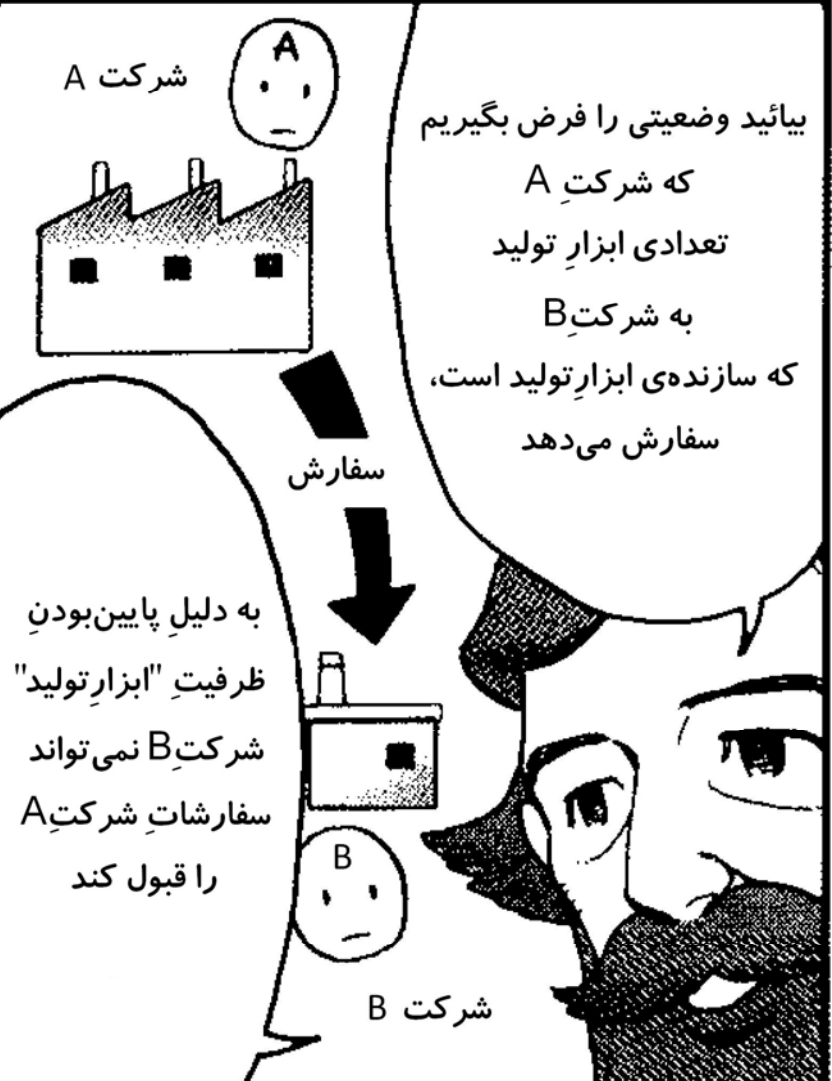






وقتی
واحدهای صنعتی یا اقتصادی
به دنبال کسب
سود بیشتر است

واحدهای دیگری که
با آن در ارتباط هستند
نیز تحت تأثیر
قرار می‌گیرند



شرکت A

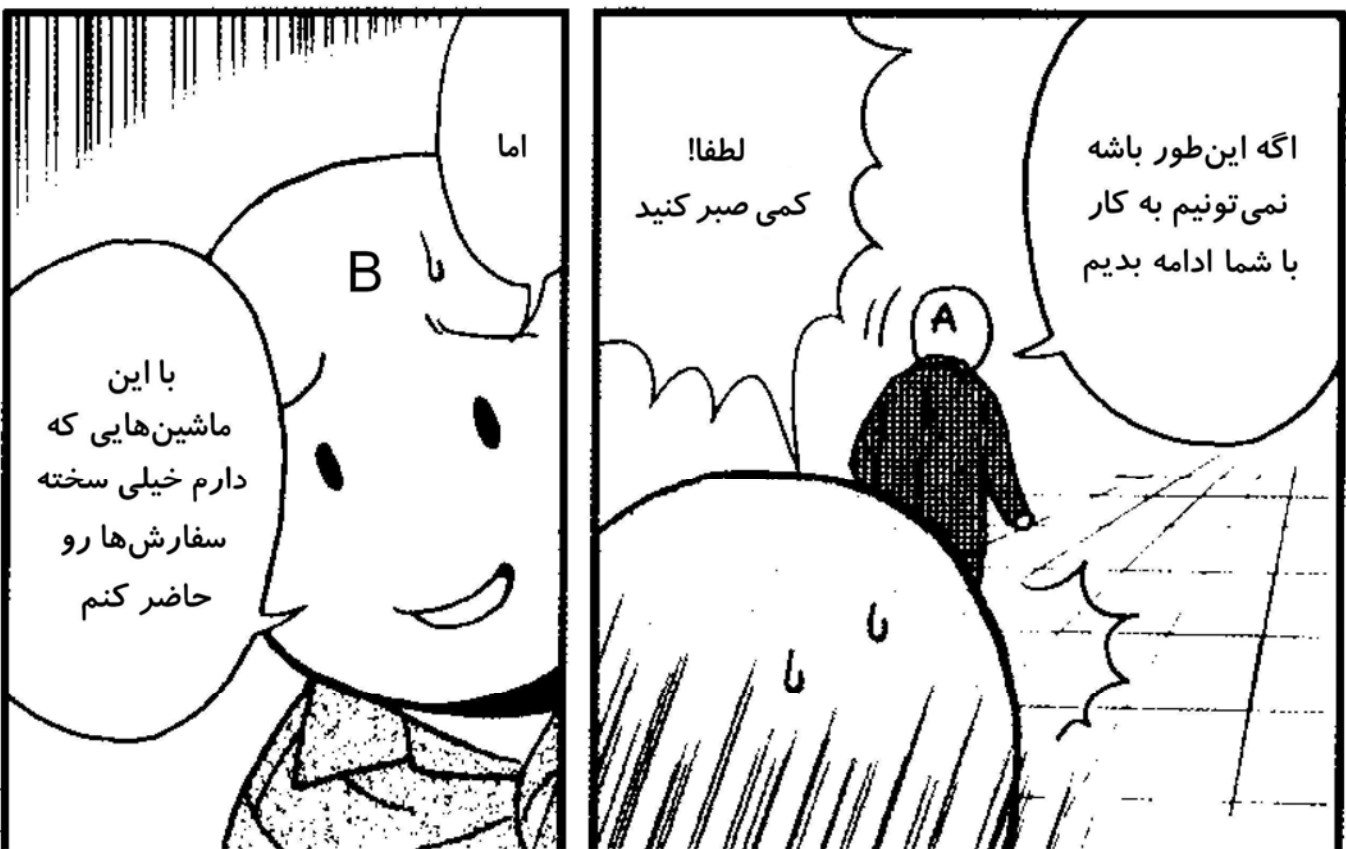
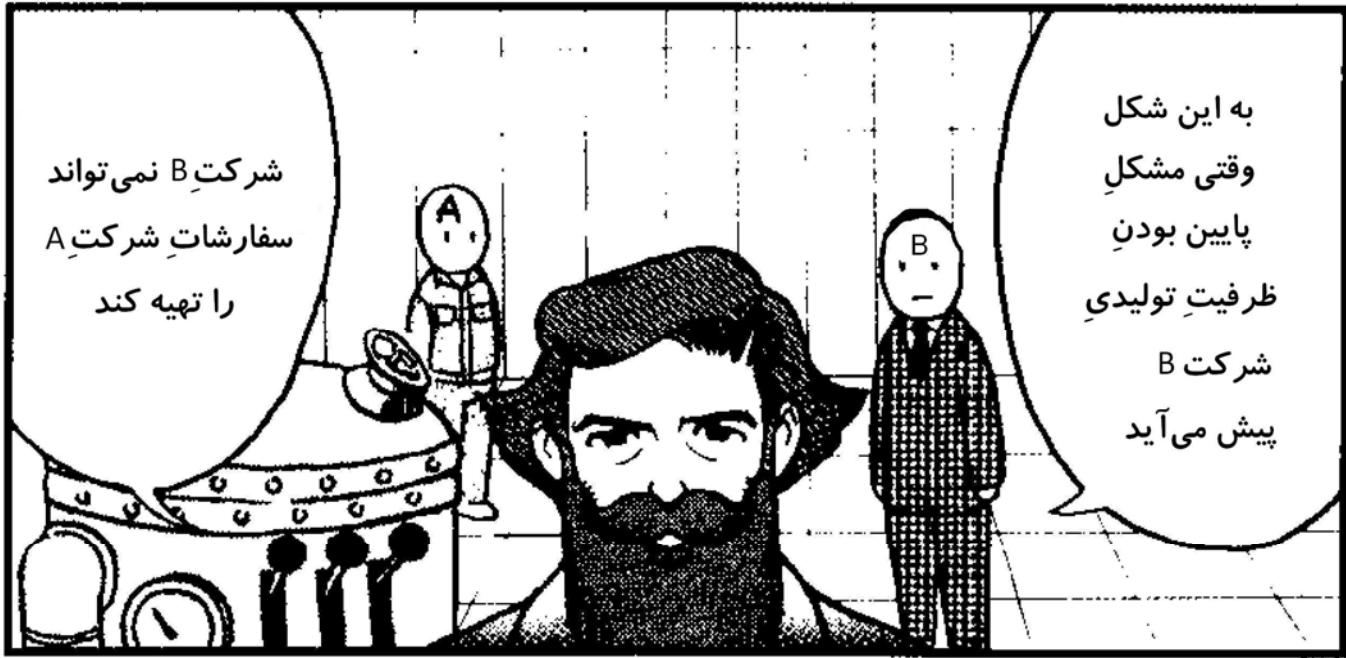
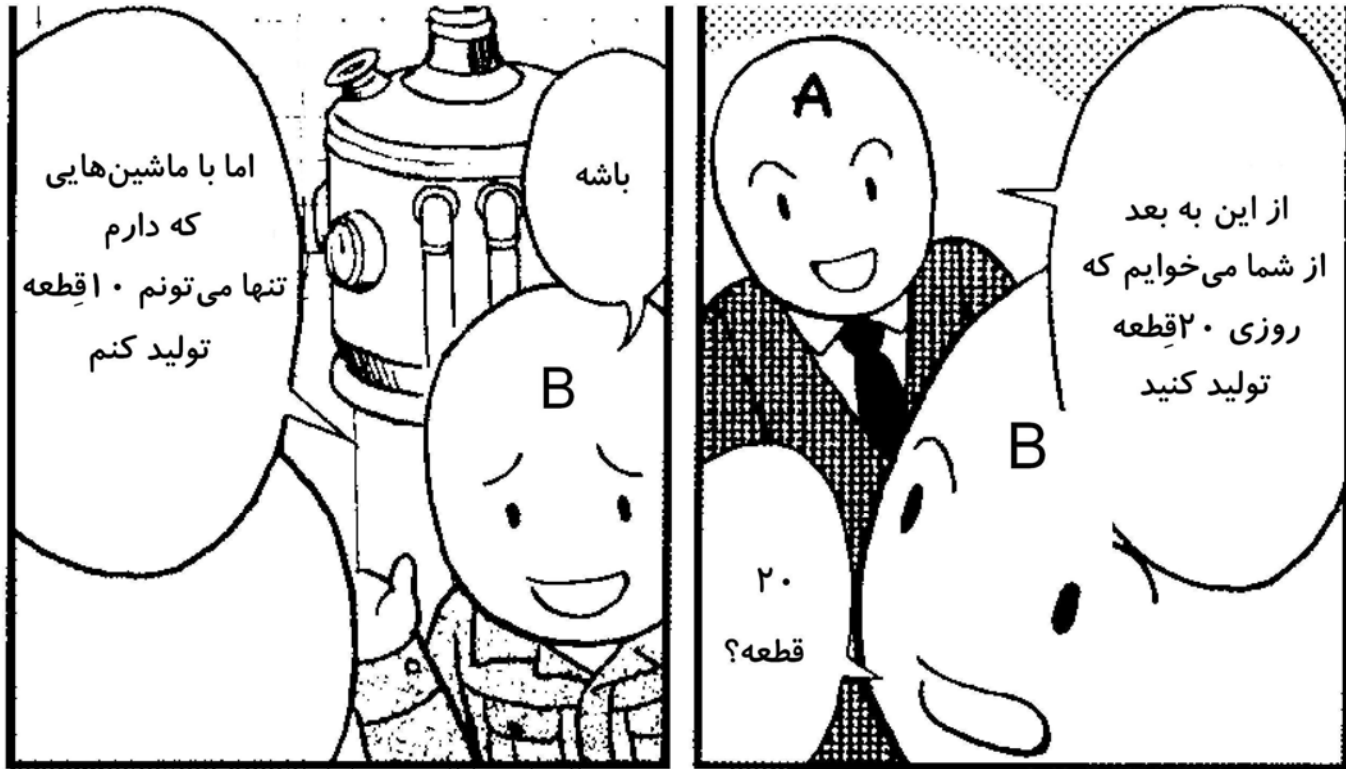
بیانید وضعیتی را فرض بگیریم
که شرکت A
تعدادی ابزار تولید
به شرکت B
که سازندهی ابزار تولید است،
سفارش می‌دهد

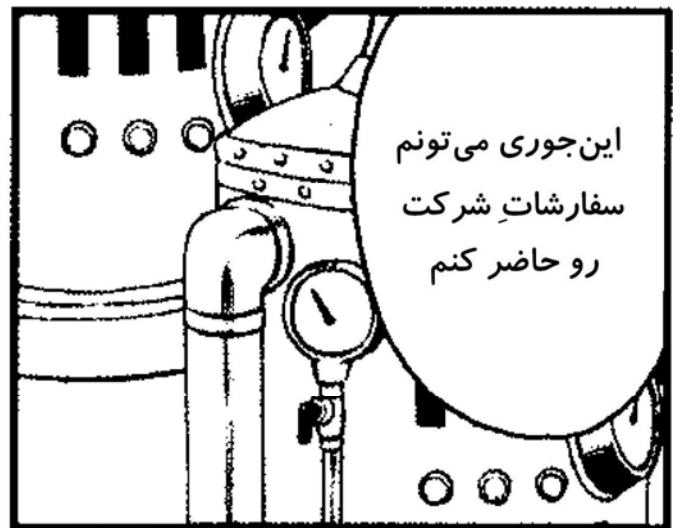
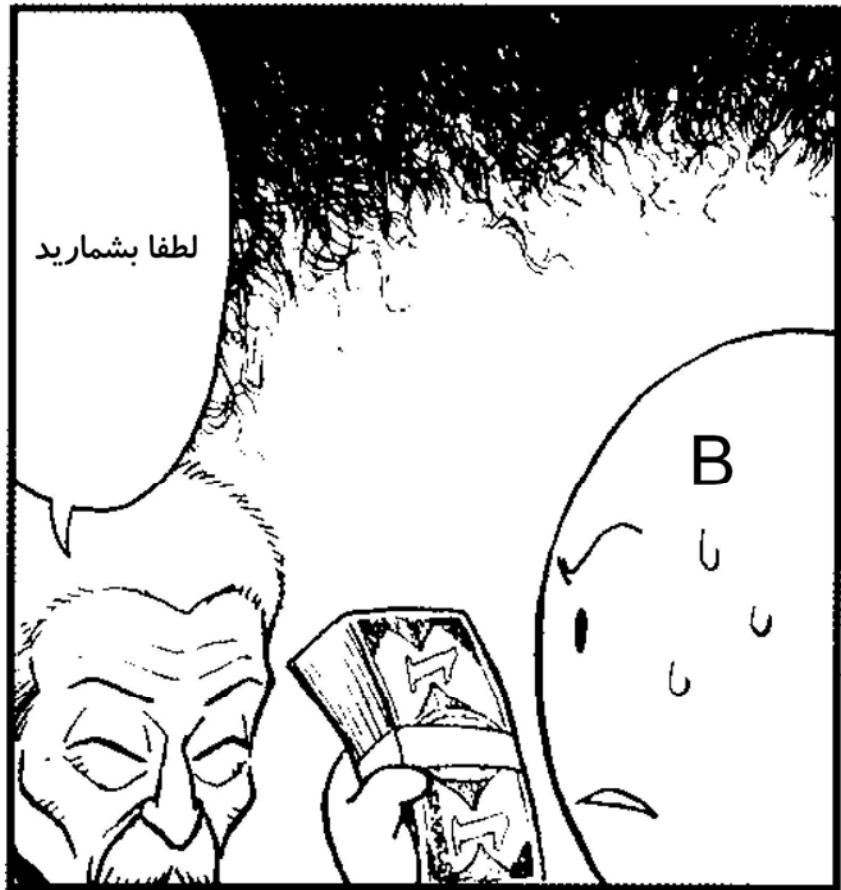
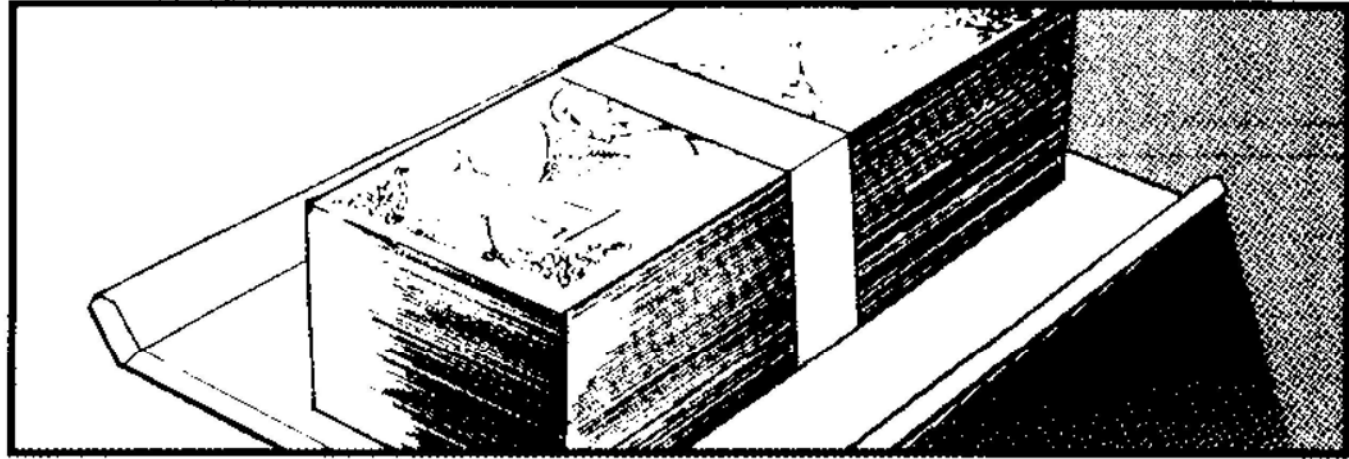
سفرش

به دلیل پایین بودن
ظرفیت "ابزار تولید"
شرکت B نمی‌تواند
سفارشات شرکت A
را قبول کند

شرکت B

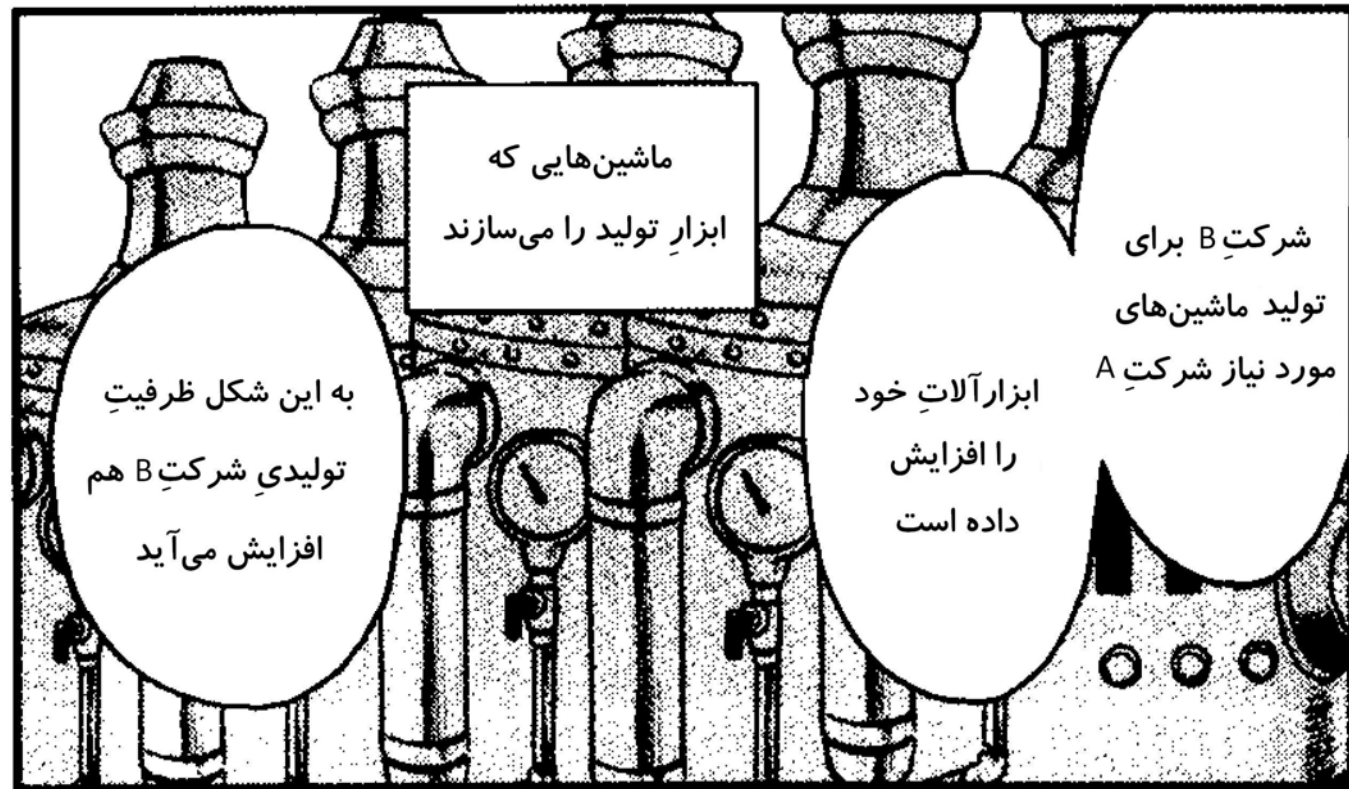
رابطه‌ی دانیل و روبین
با رئیس نمایشگاه
نمونه‌ی خوبی است

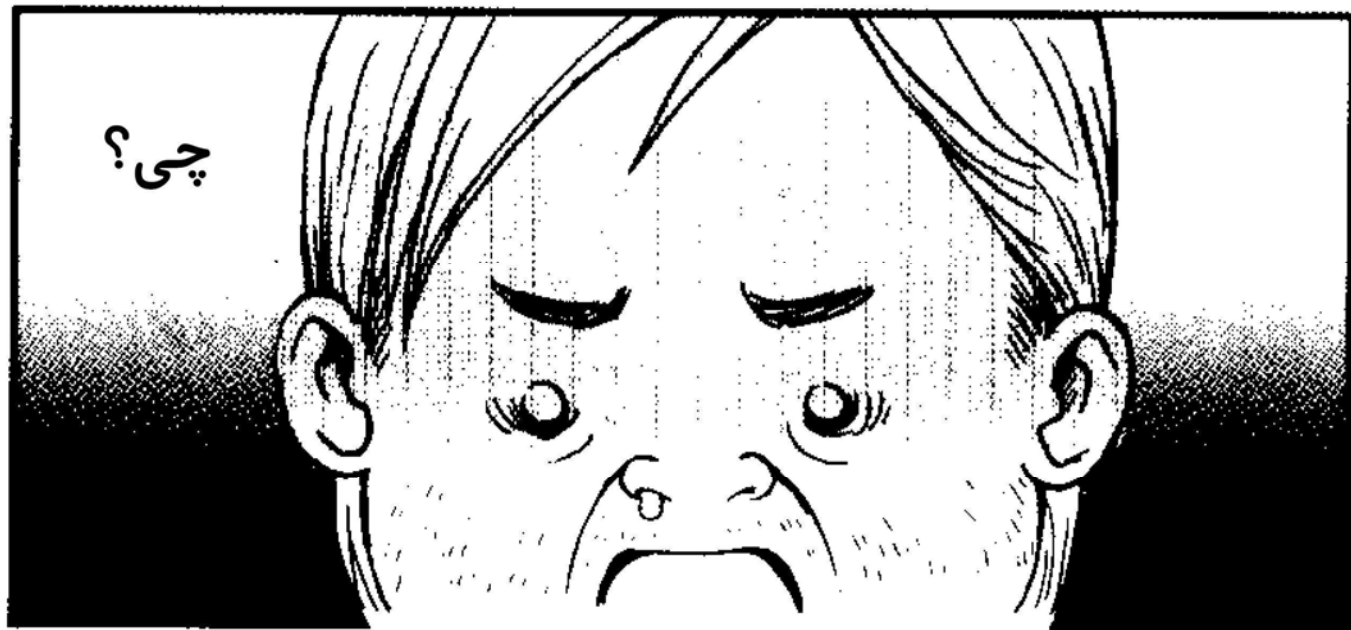














حجم کار
شرکت B
پایین می آید

ماشین های سازنده ای
ابزار تولید برای شرکت A
بی مصرف می شوند



با سقوط حجم کار
مزد کارگران هم
سقوط می کند

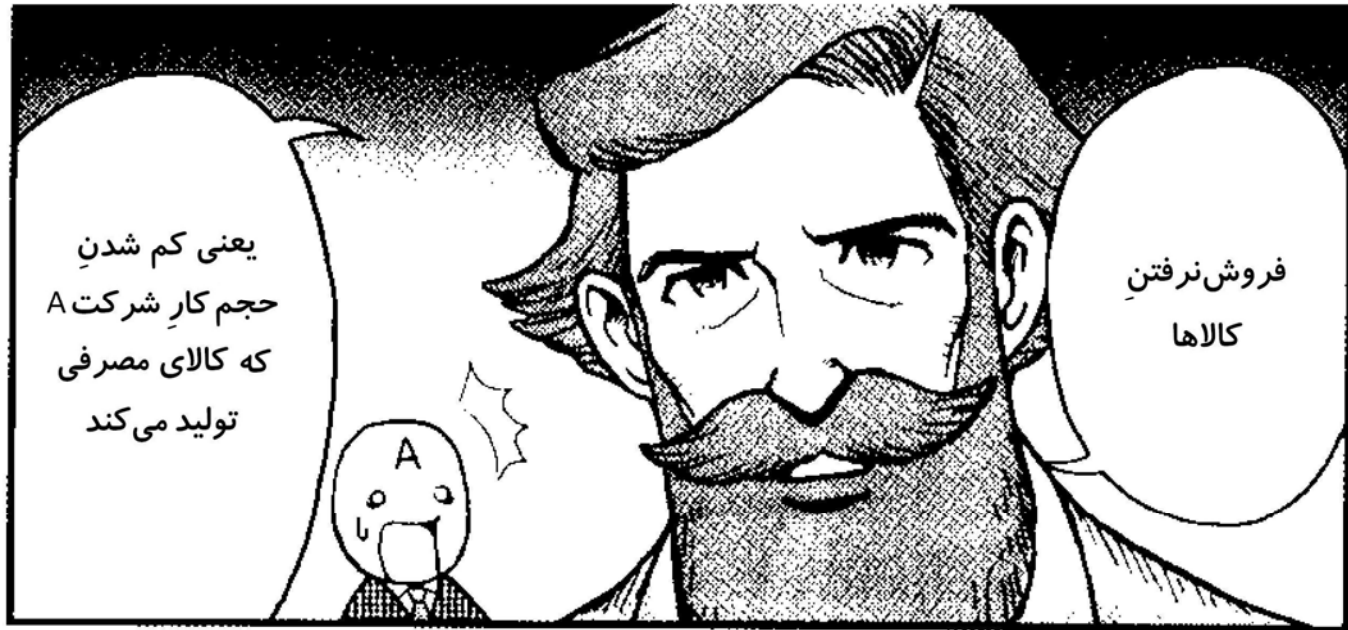


خیلی گرسنه ام ...
اما باید صبر کنم ...

کارگرانی که
مزدشان کم شده،
صرفه جویی را
آغاز می کنند

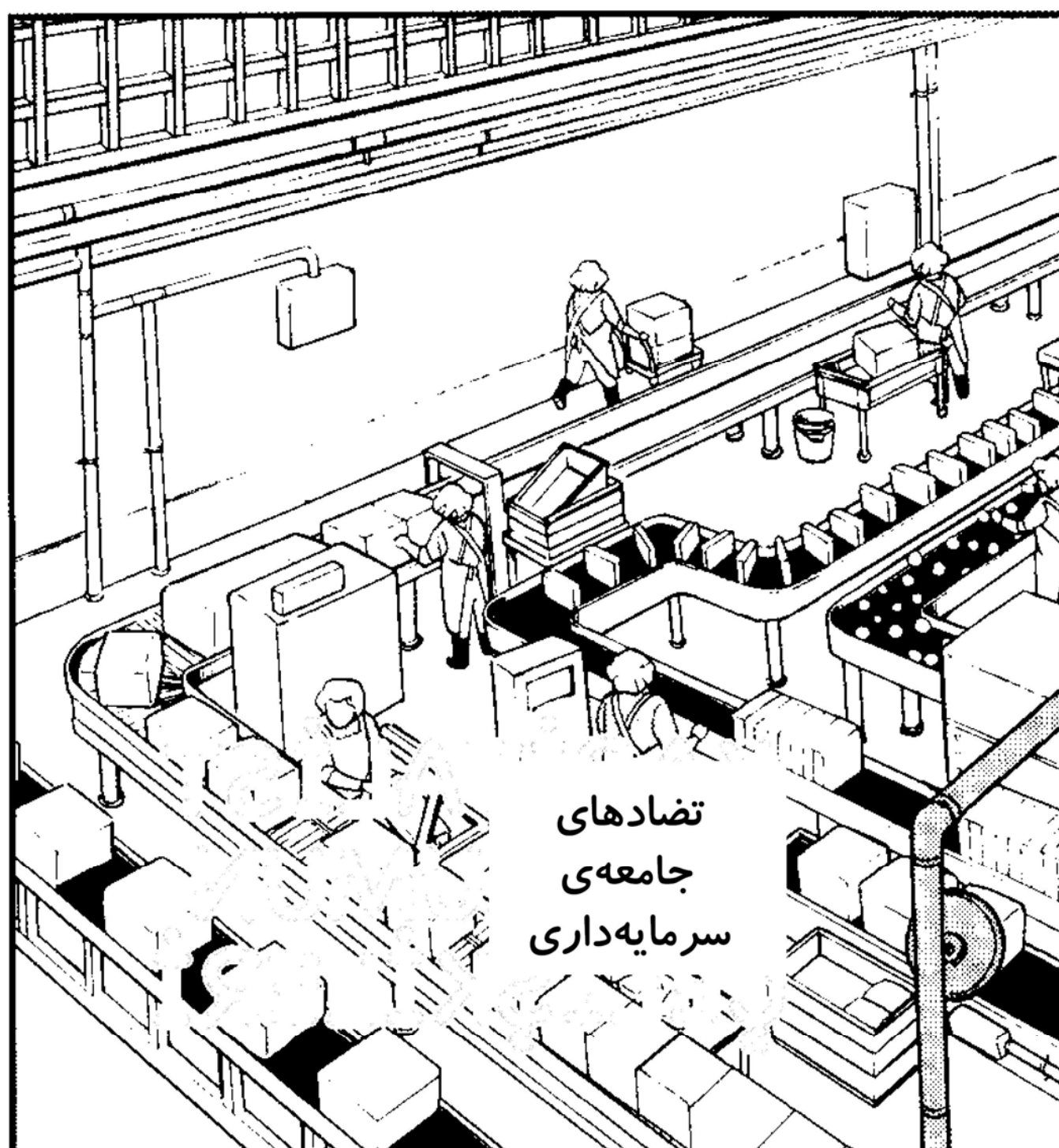
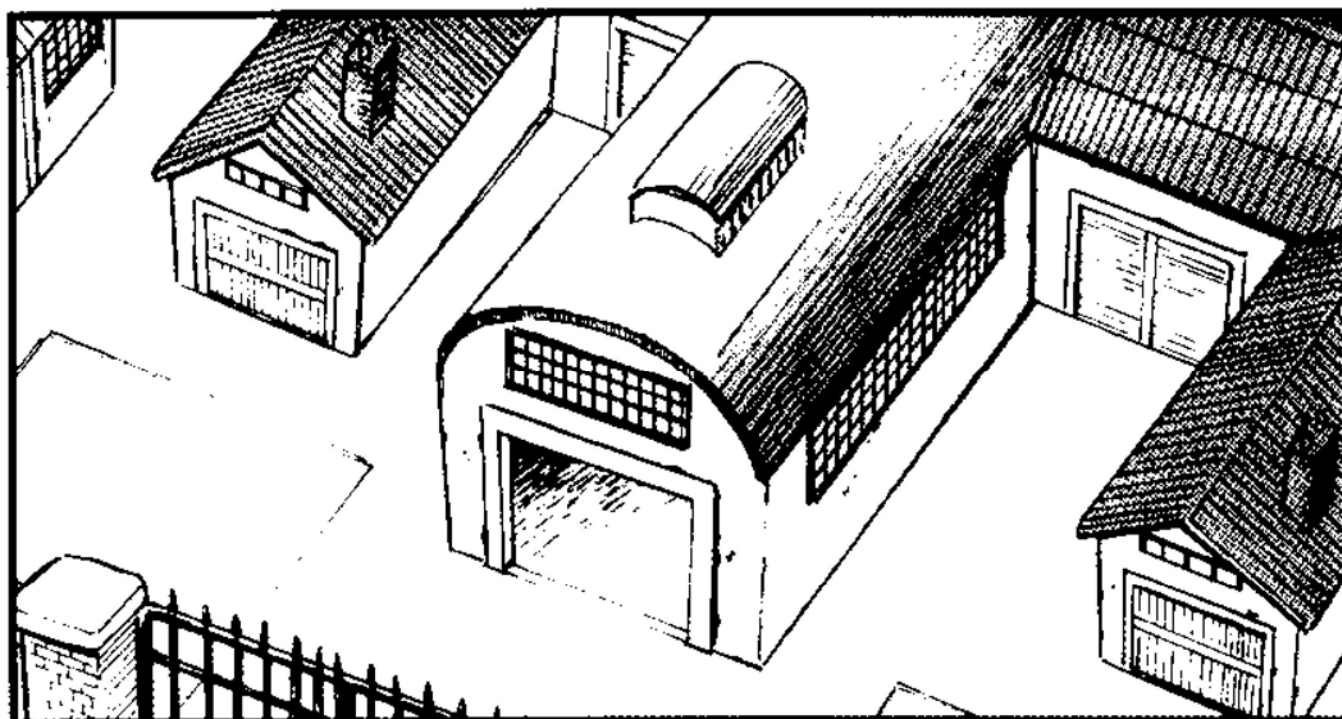


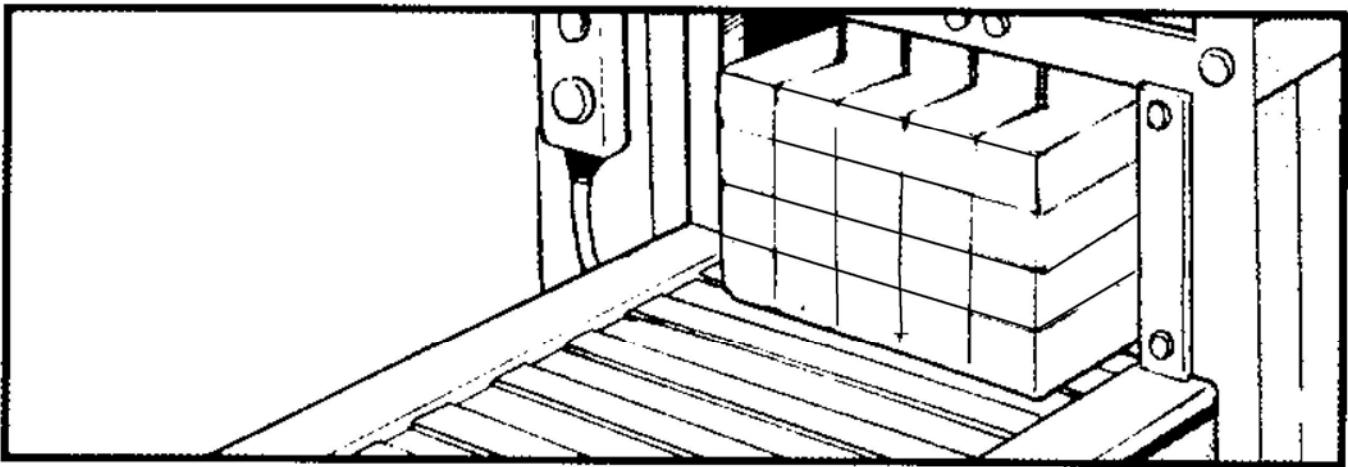
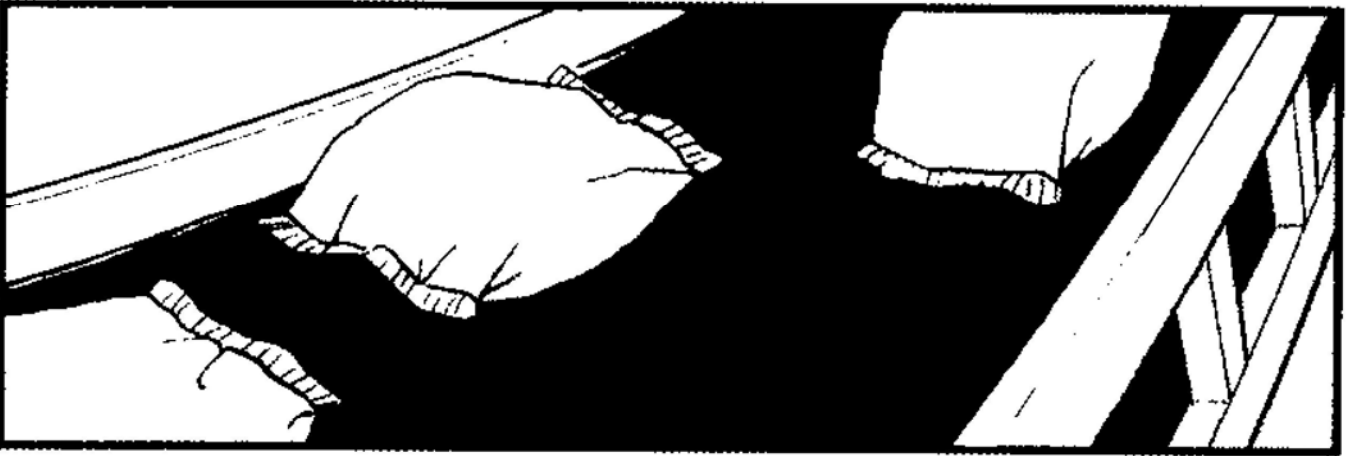
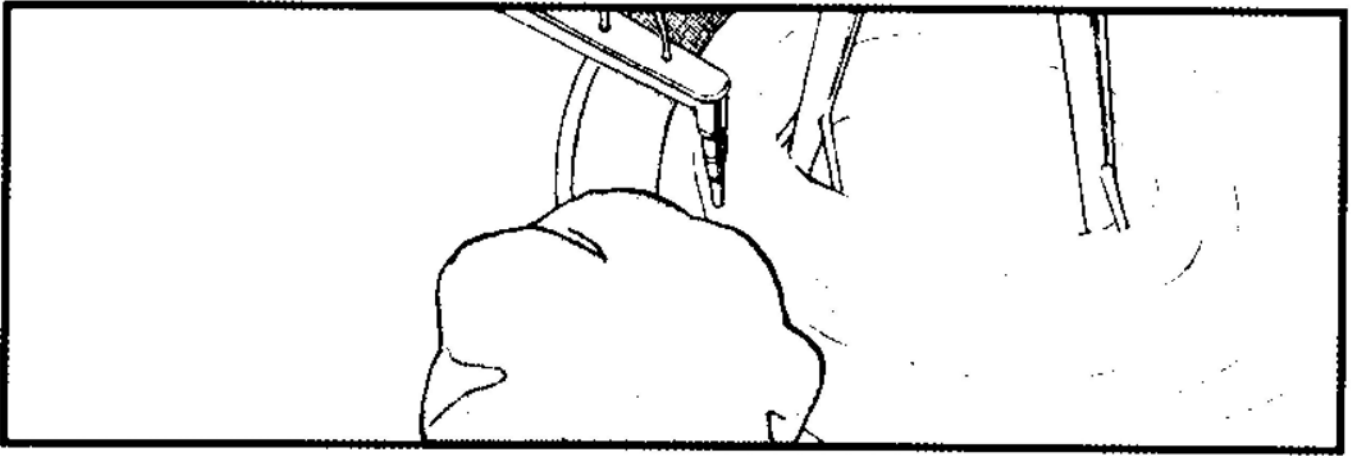
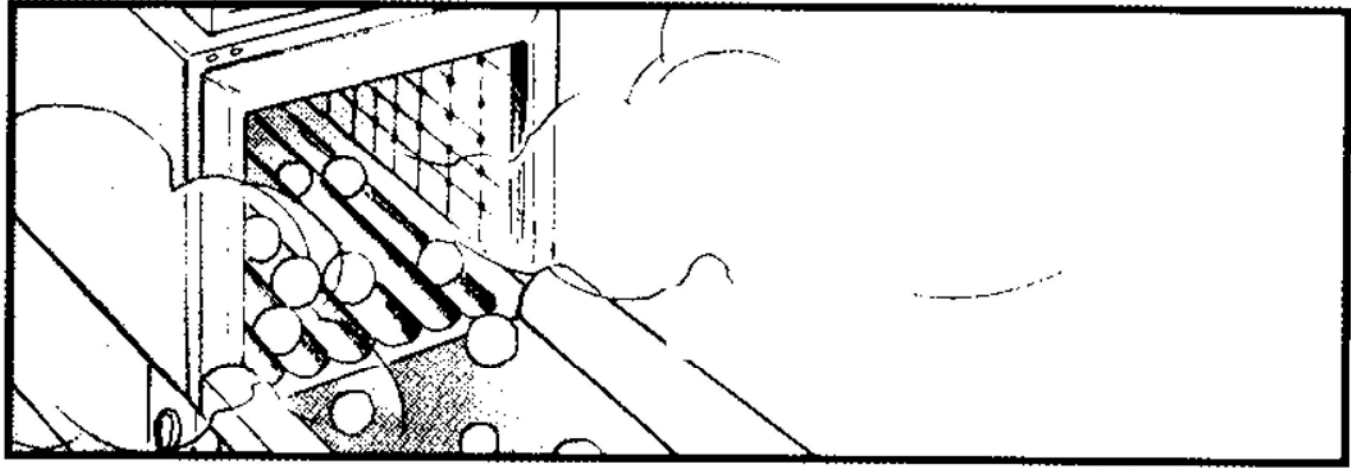
در چنین وضعی، فروش در فروشگاهها
و نمایشگاهها نیز پایین می آید

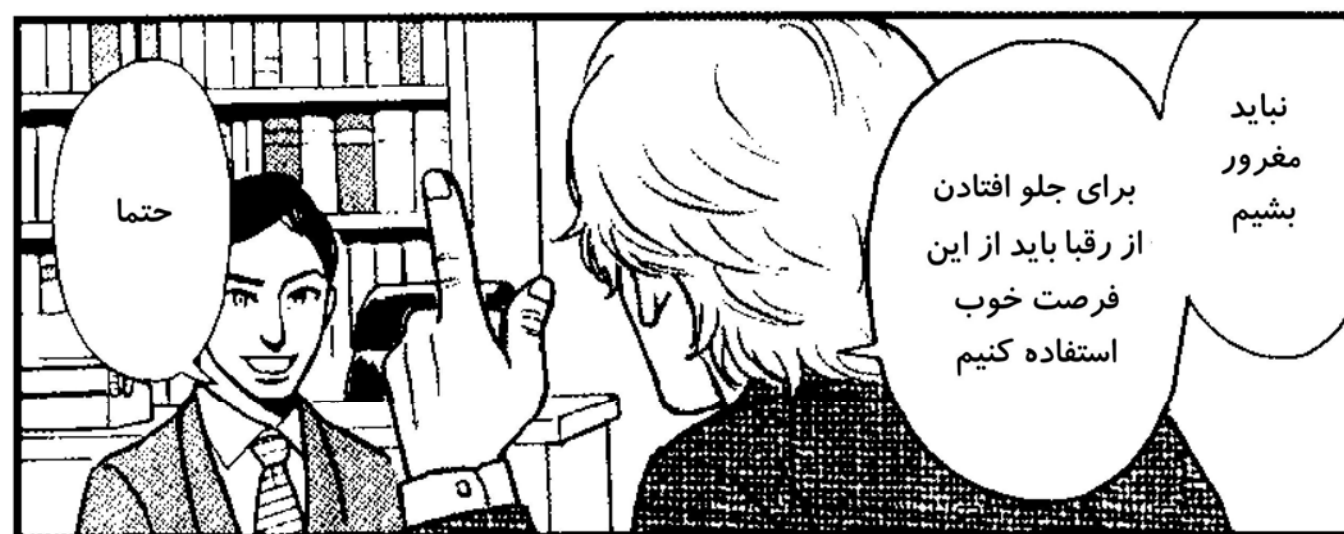


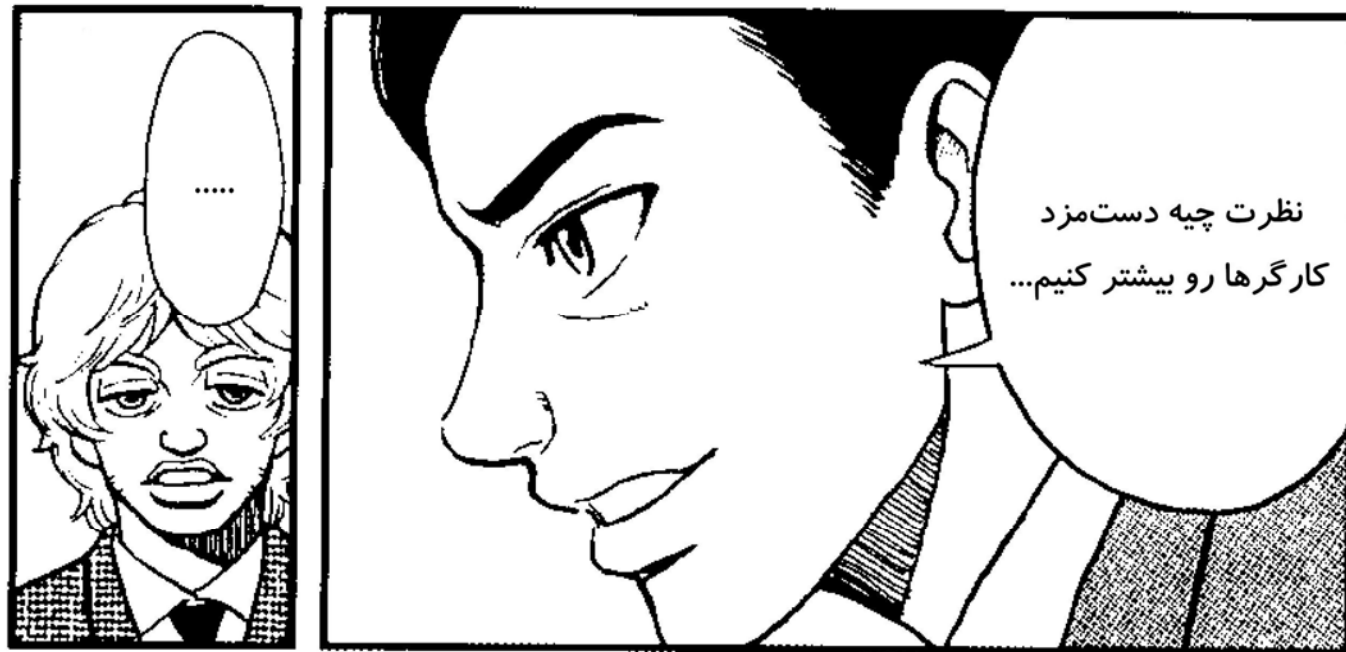


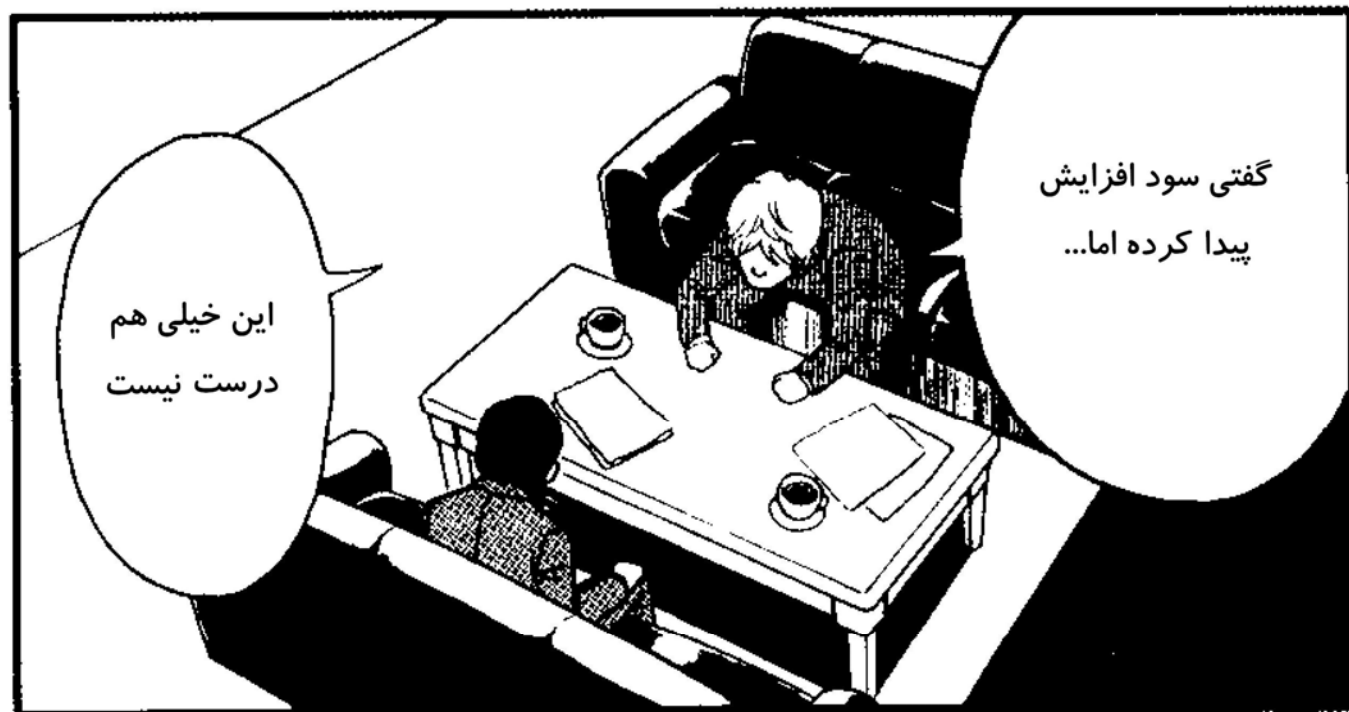


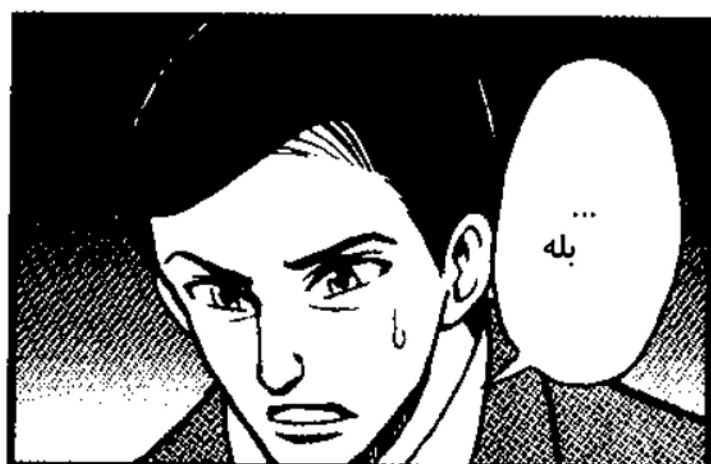




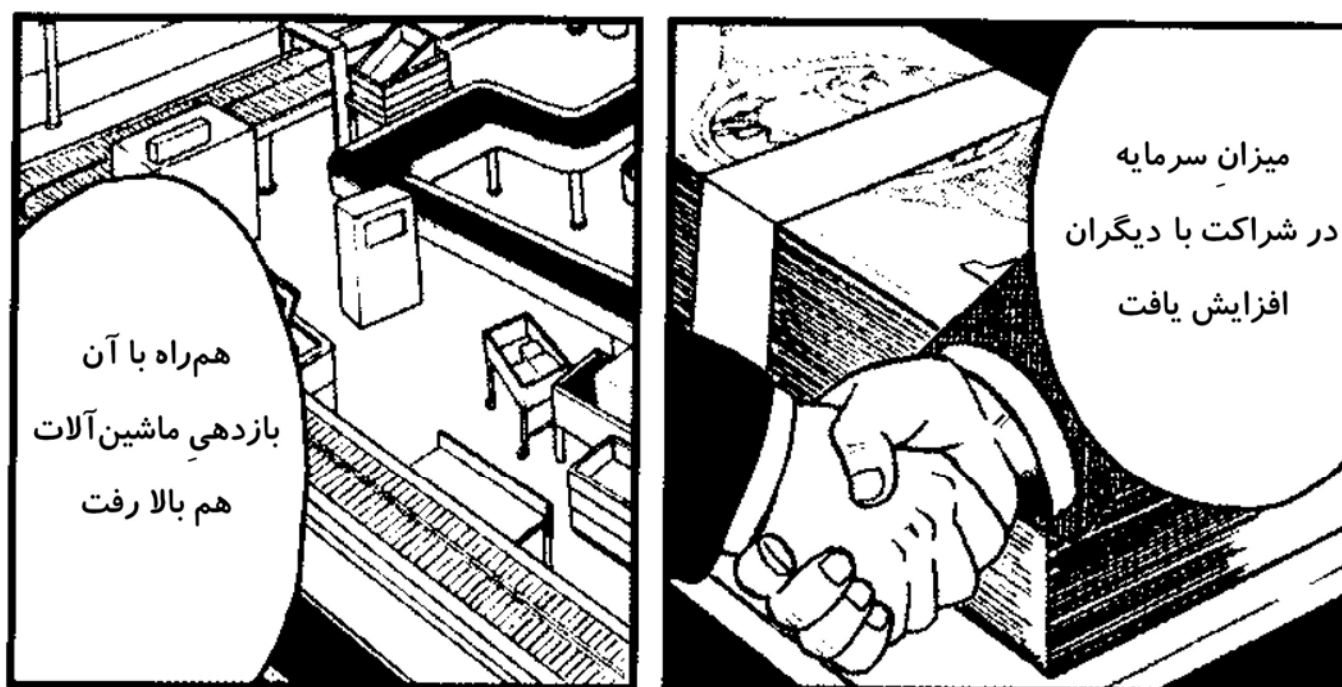




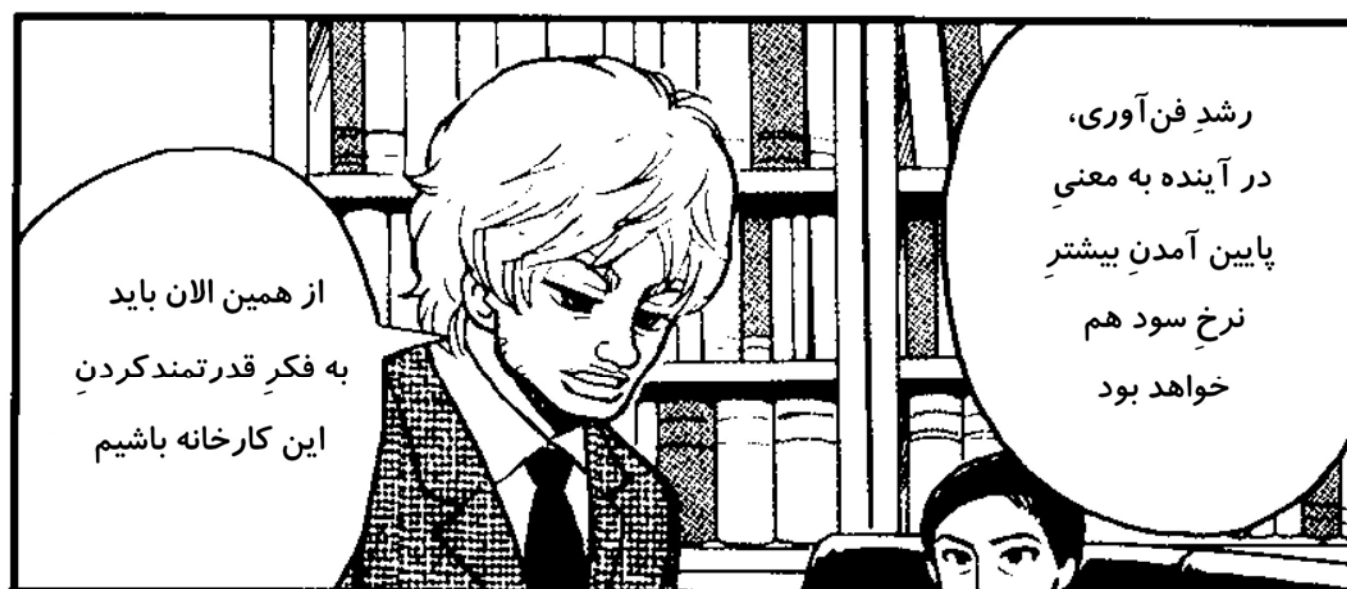


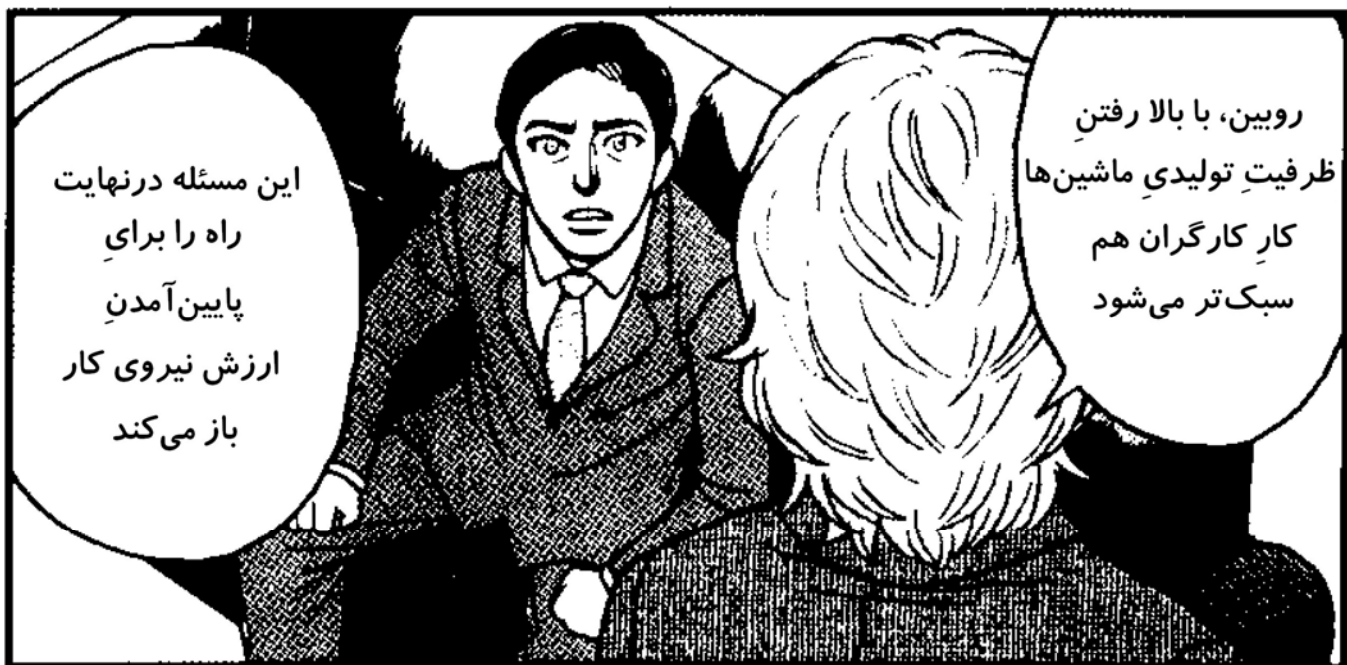






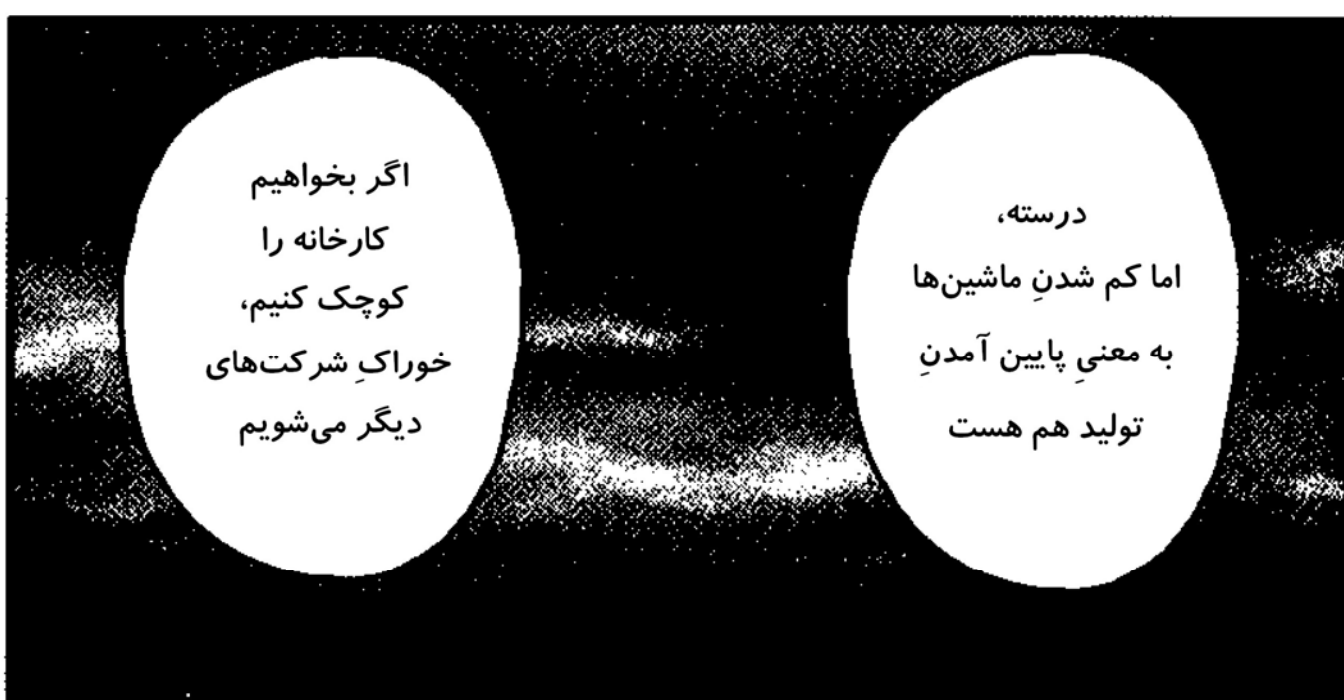








کمی
صبر کن





و این نیز
به نوبه‌ی خود
سرمایه‌ی مرحله‌ی
بعده‌ی تولید را
کاهش خواهد داد

این به معنی
پایین آمدن سود
خواهد بود



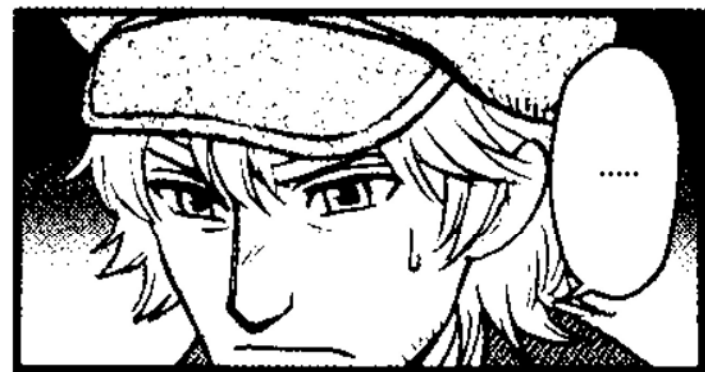
روبین
دیگه نمی‌تونیم
عقب‌نشینی بکنیم

ما مجبوریم همواره
با رشد نرخ سود
و افزایش
سرمایه‌ی اولیه
وارد مرحله‌ی بعدی
تولید بشویم



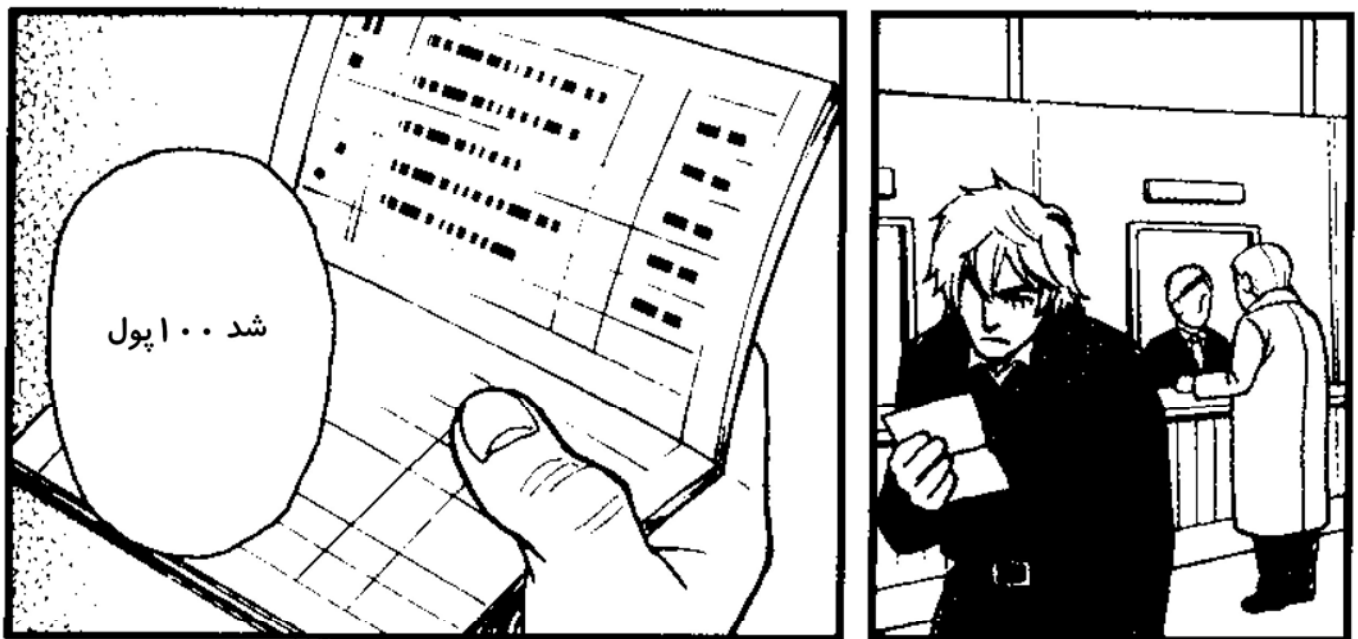
اگه به این شکل
پیش‌نریم،
امواج
سیستم سرمایه‌داری
ما را خواهد بلعید

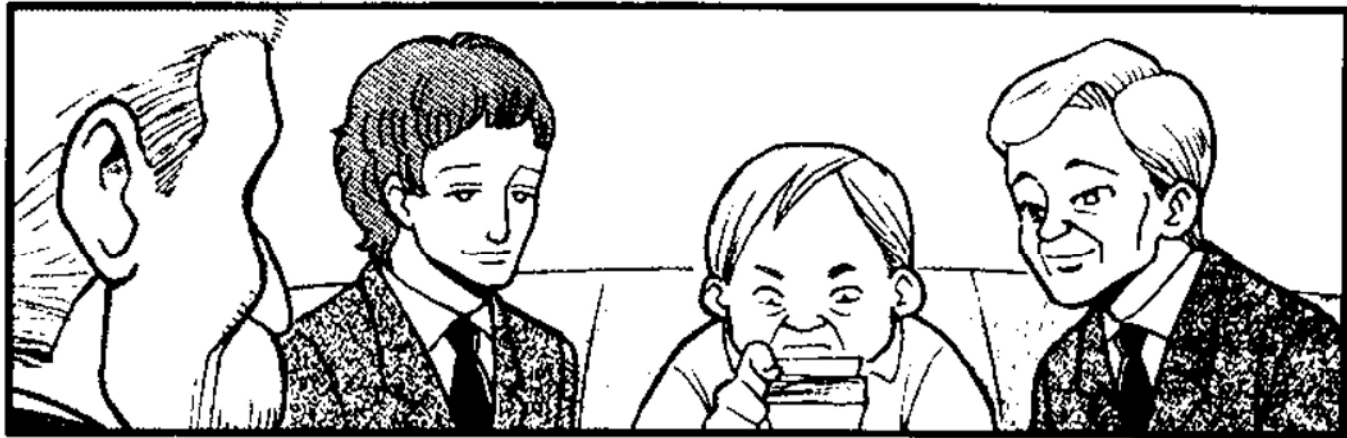


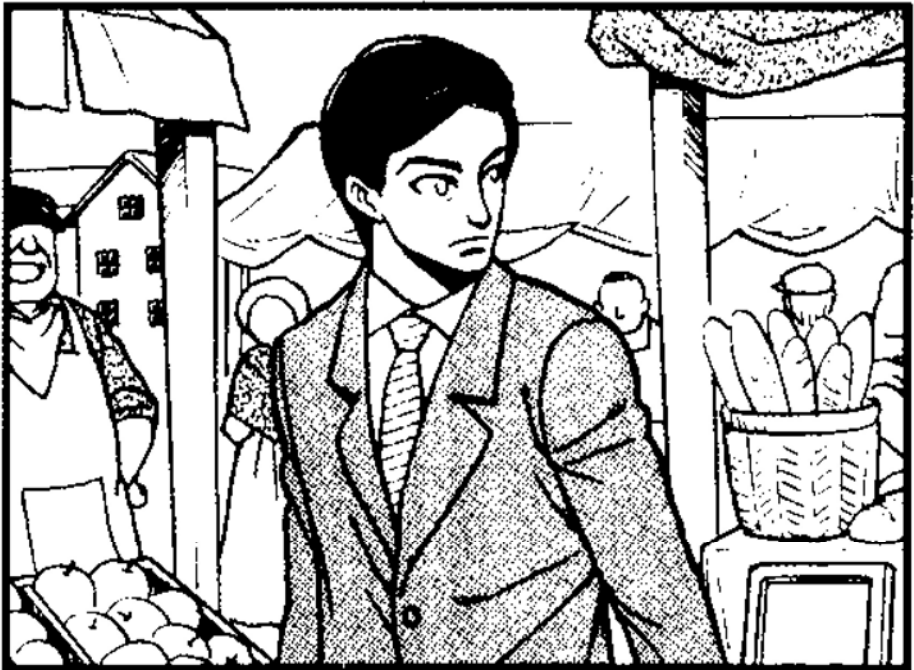
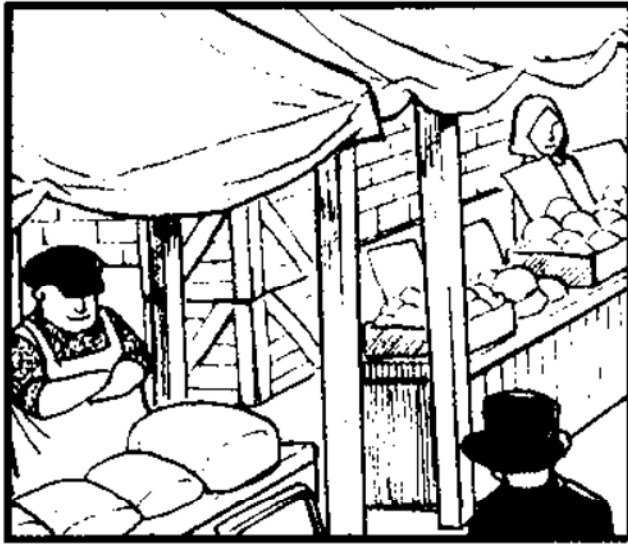


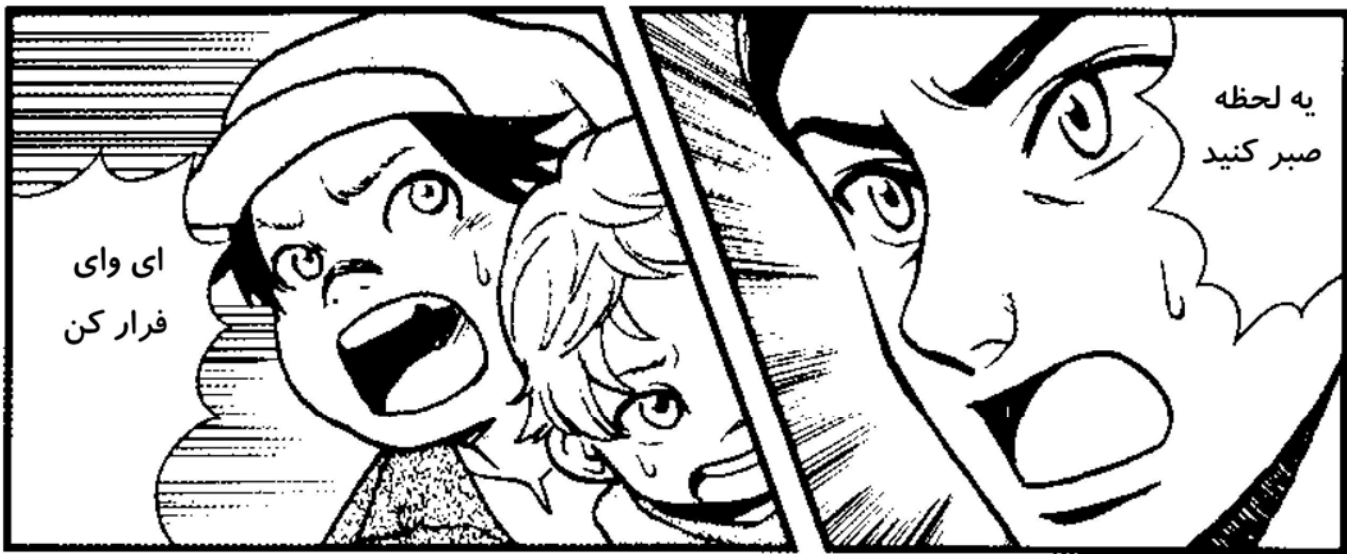
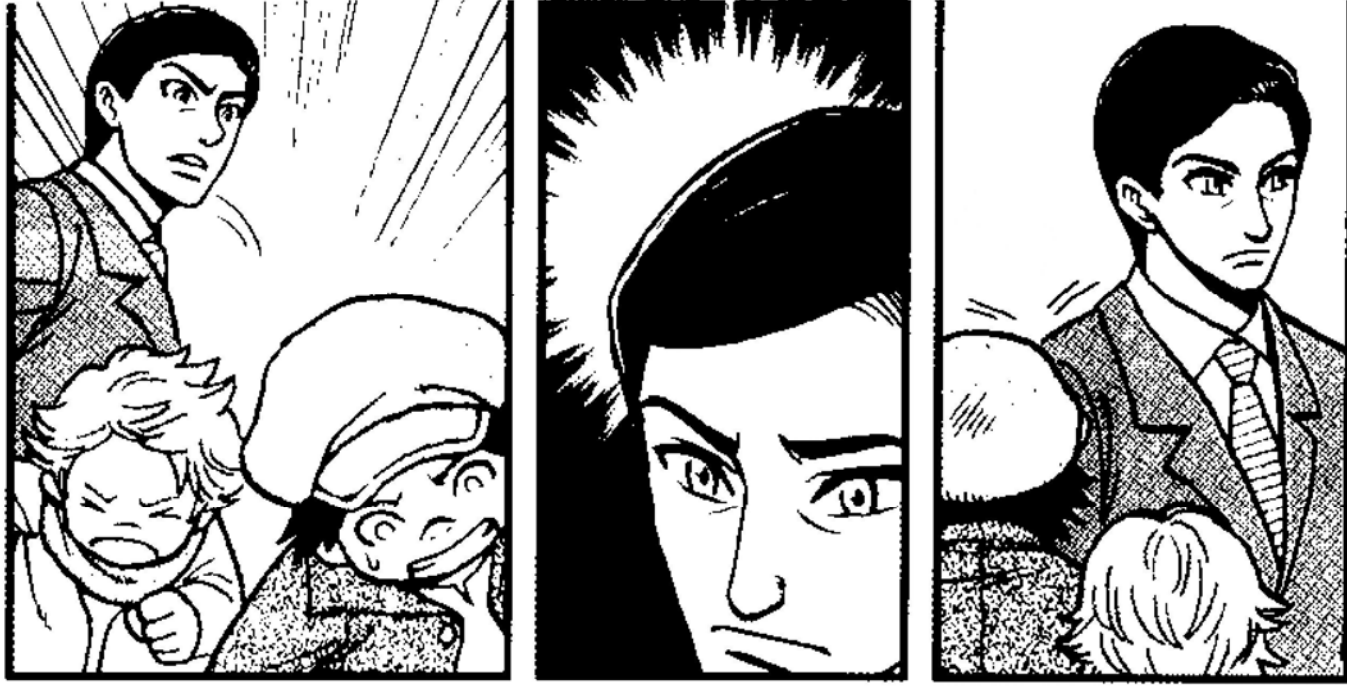














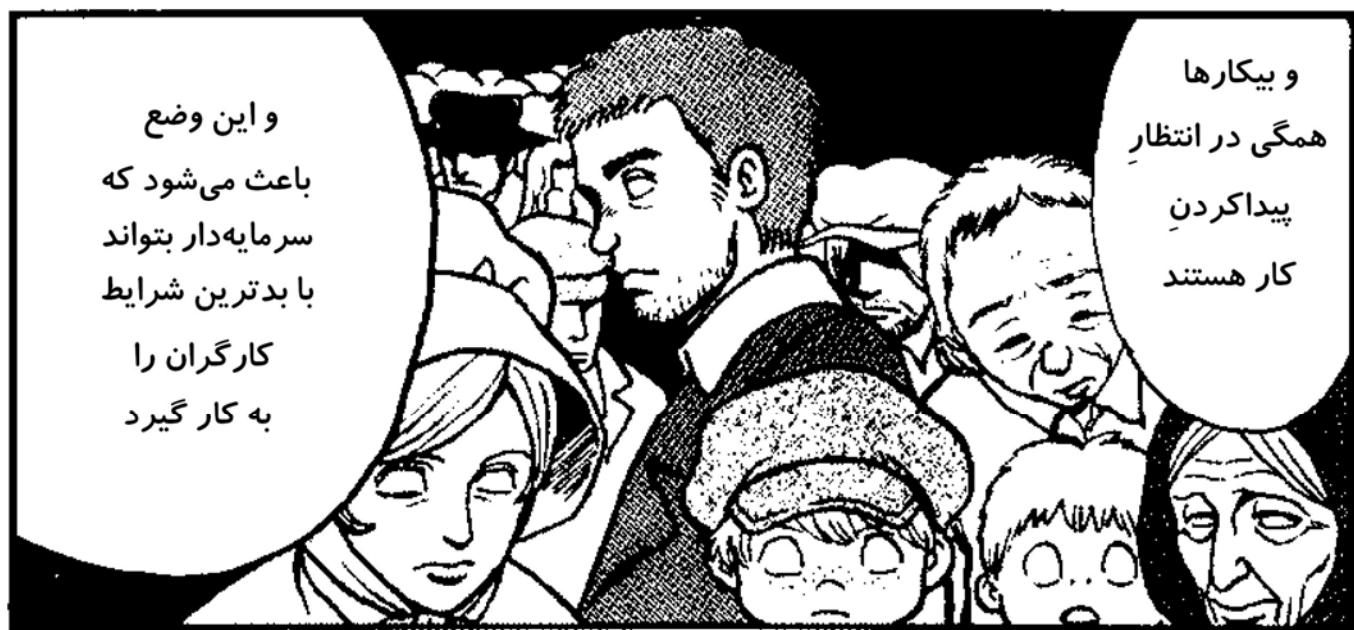






به معنی
زیاد شدن
بی کاران است

ماشینیزه شدن
و بالا رفتن حجم
کاری که ماشین‌ها
انجام می‌دهند



و این وضع
باعث می‌شود که
سرمایه‌دار بتواند
با بدترین شرایط
کارگران را
به کار گیرد

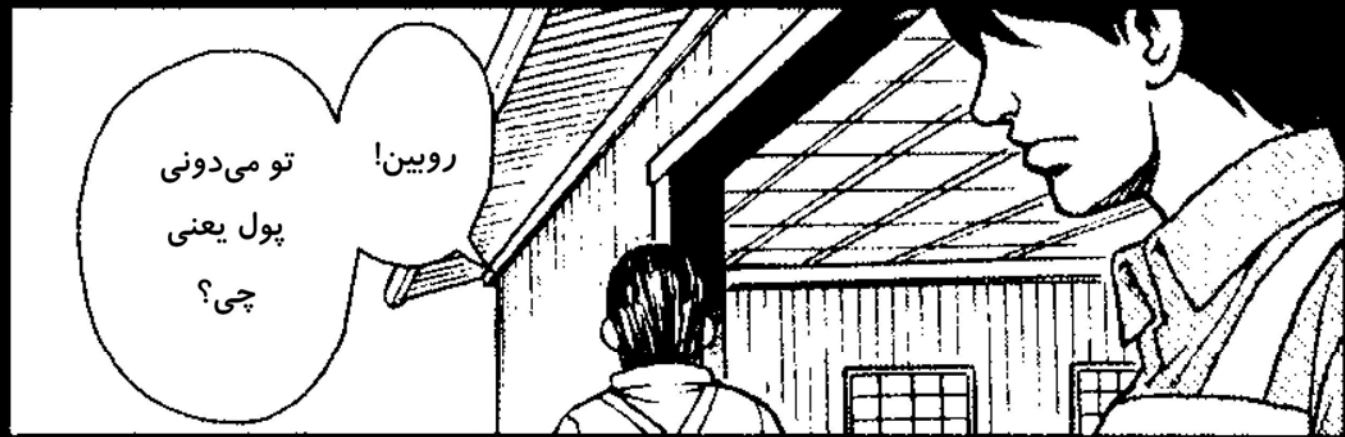
و بیکارها
همگی در انتظار
پیدا کردن
کار هستند

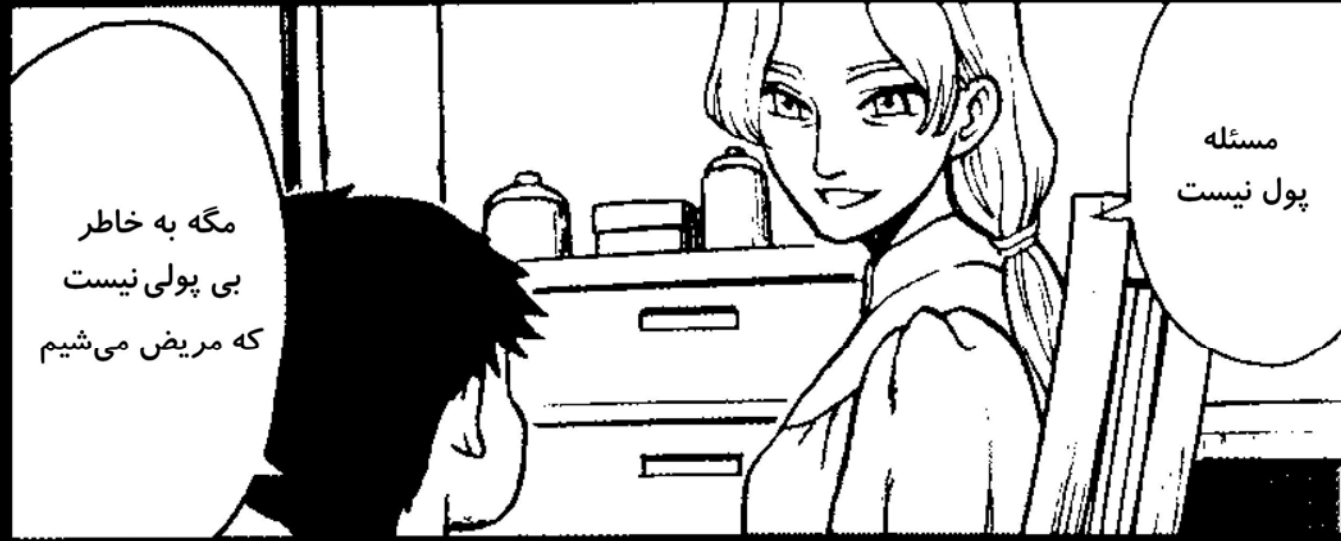


"اضافه جمعیت نسبی"
یا
"ارتش ذخیره‌ی کار"
می‌گویند

به جمعیت بیکارانی
که می‌توانند
به راحتی
جای نیروی کار موجود
را بگیرند

یعنی به
اضافه‌ی نیروی کار





مسئله
پول نیست

مگه به خاطر
بی پولی نیست
که مریض می شیم



پس برای
تو هم اتفاقی
نمی افته؟!

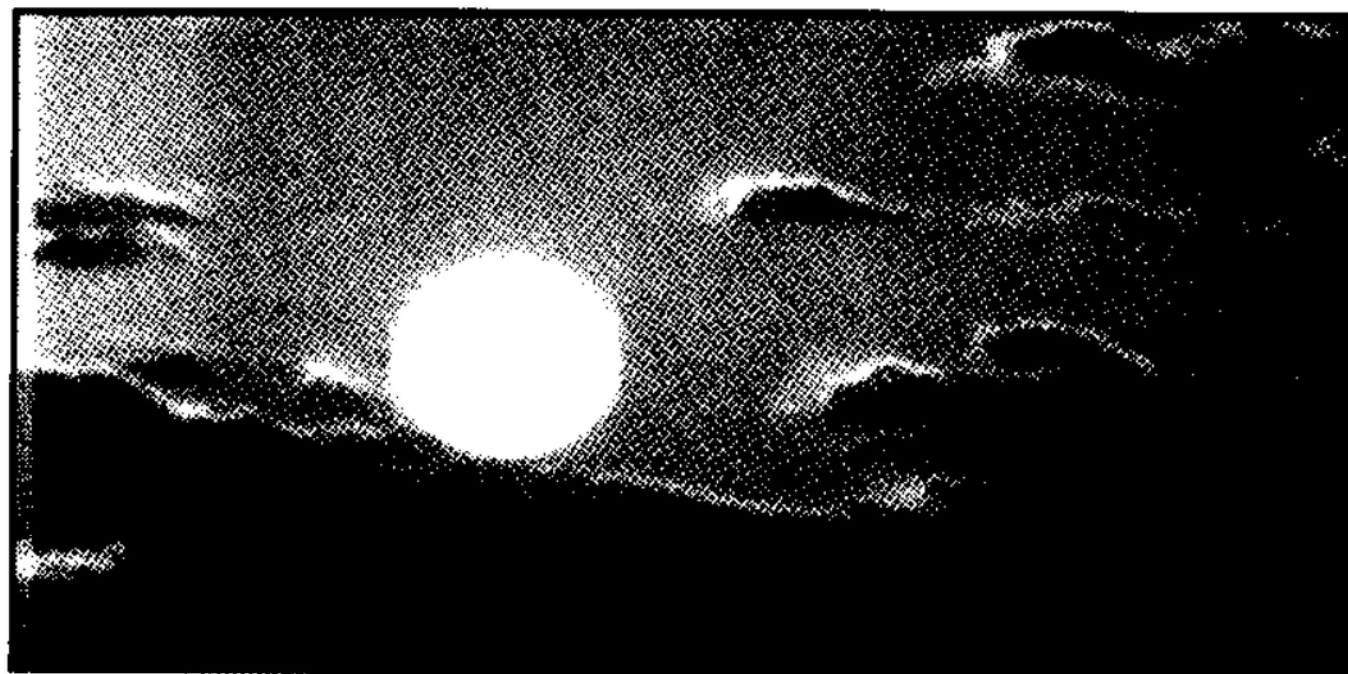


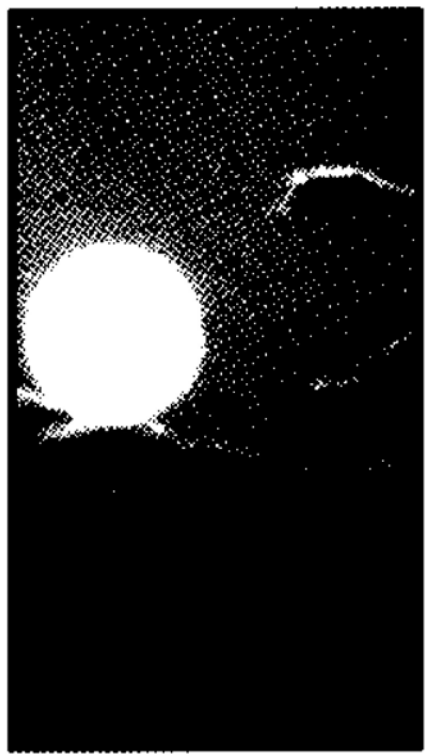
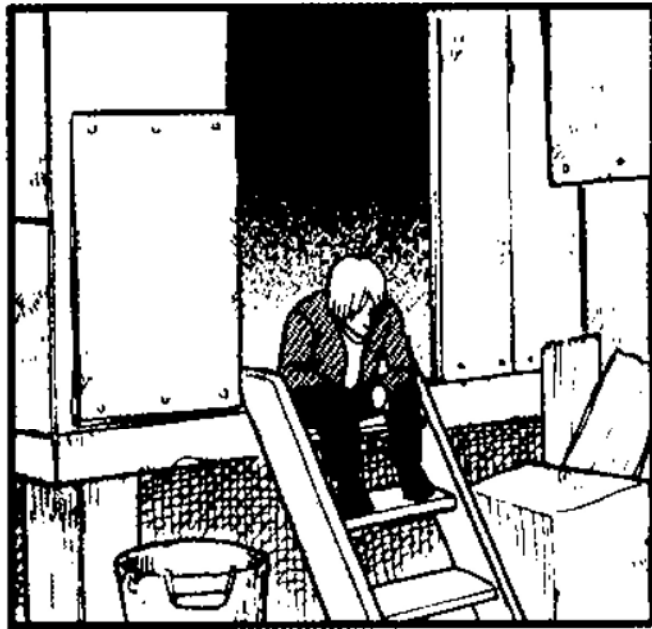
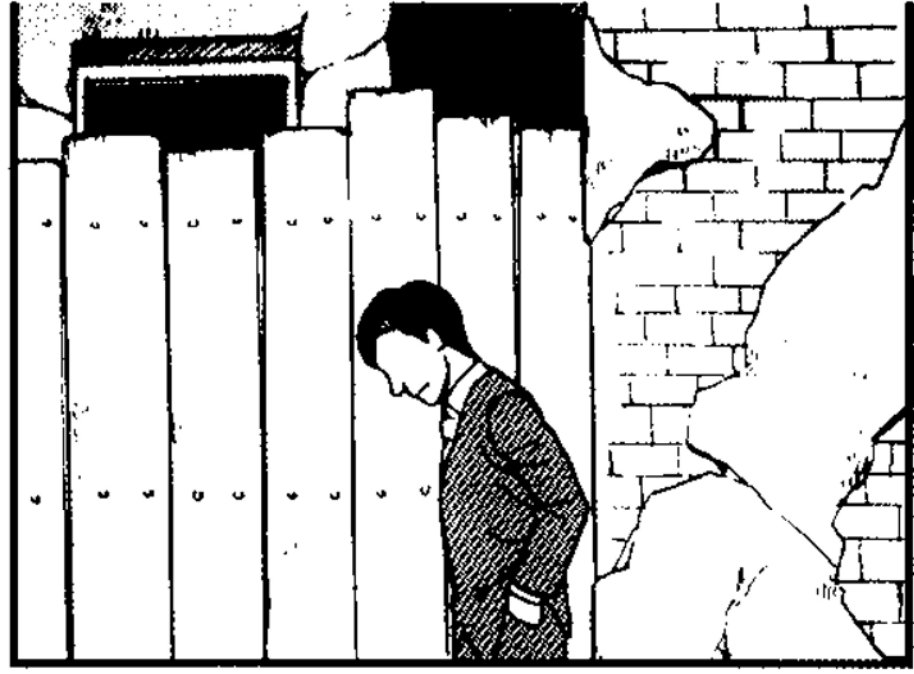
به پول
ربطی نداره

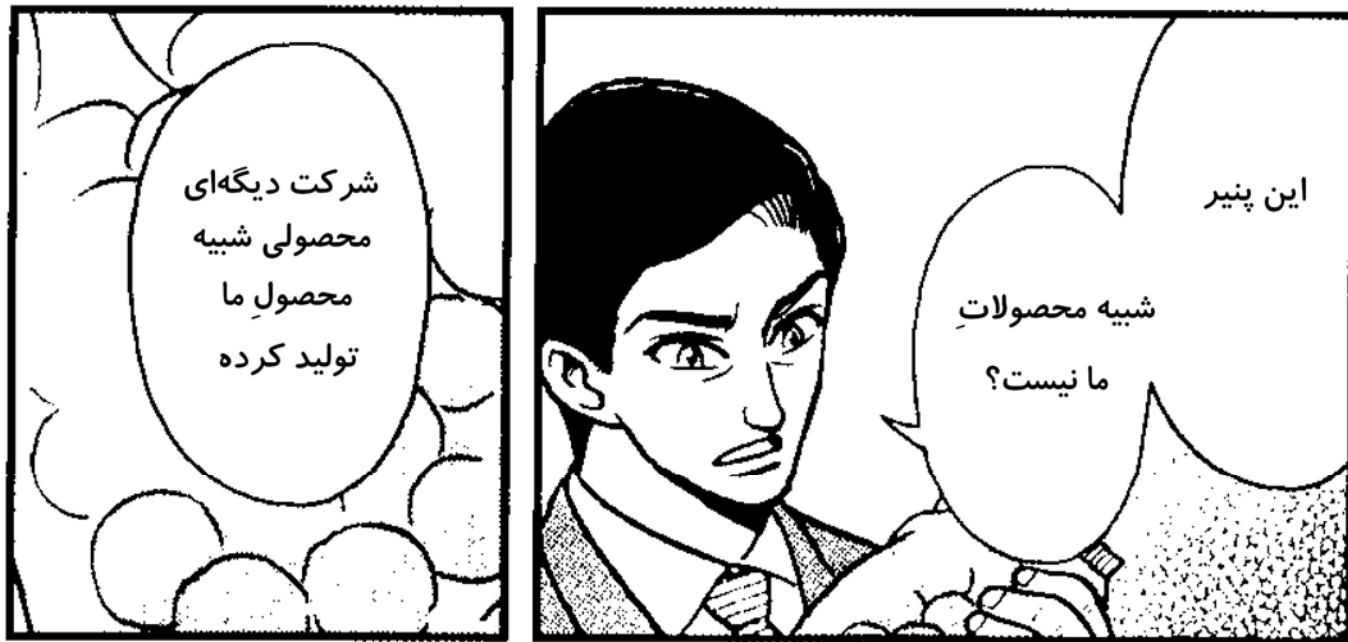
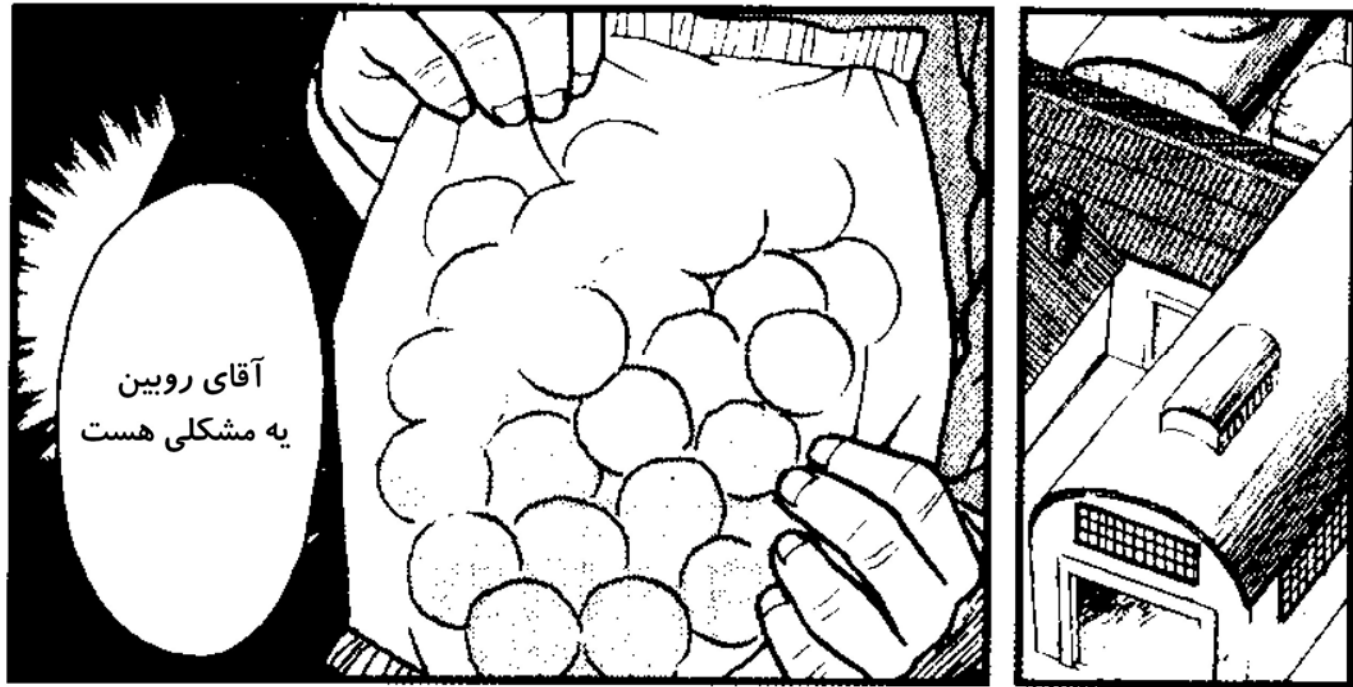


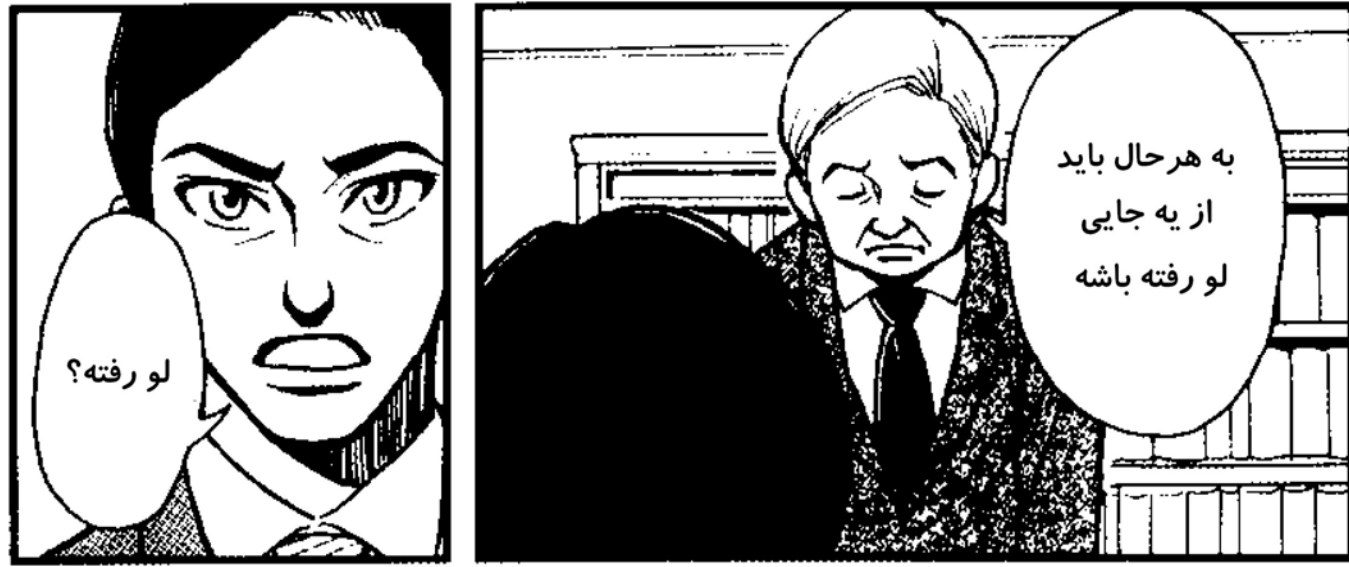
رویین، انسان‌ها با پول
نجات پیدا نمی کنن

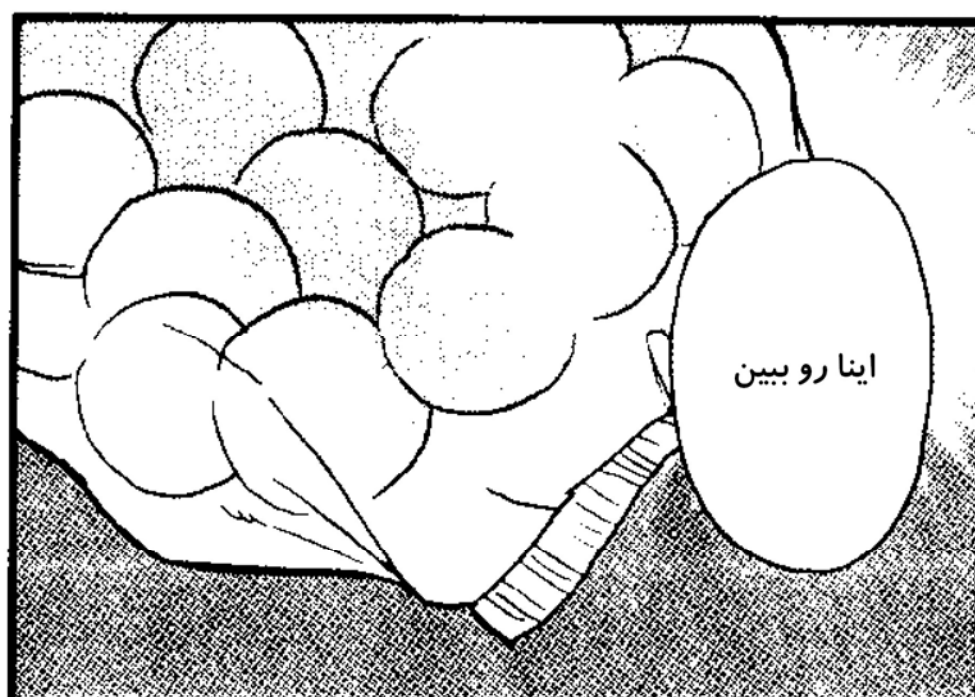
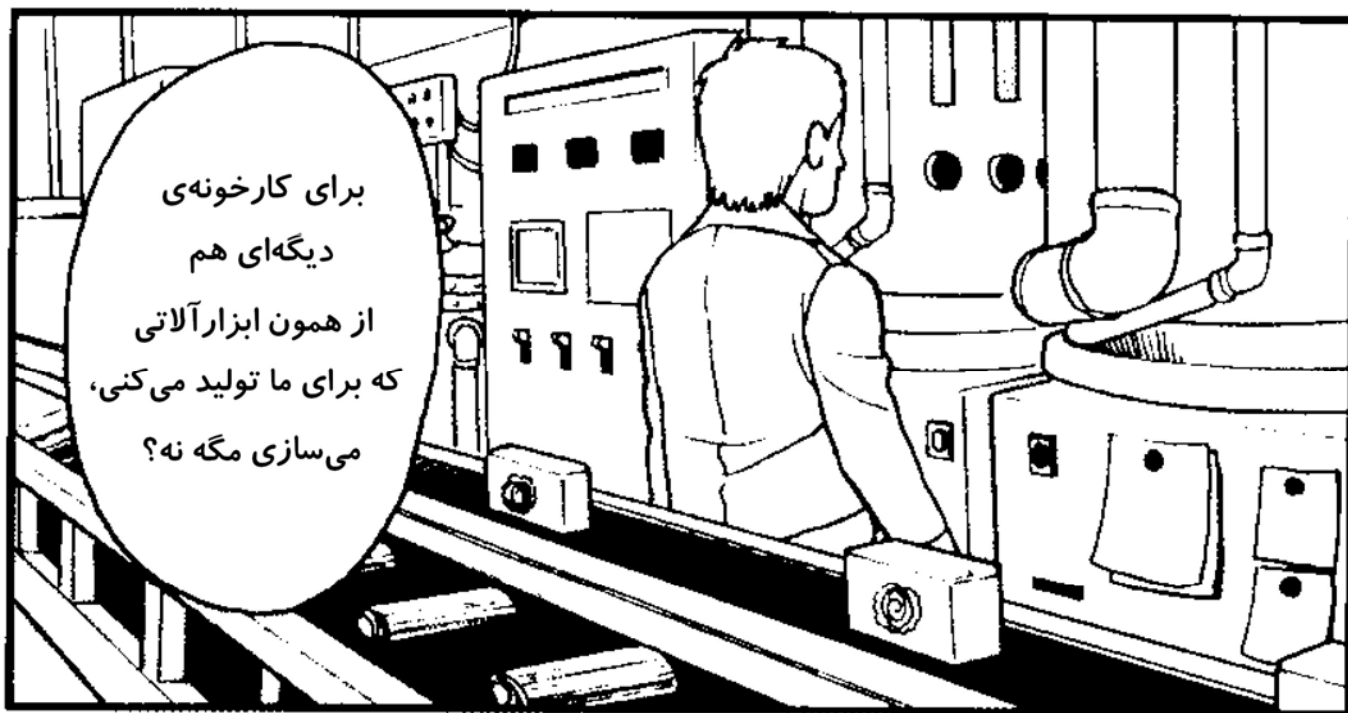
خداست که اون‌ها
رو حفظ می کنه!













با تکنولوژی ما
دارن
کار می کنن

محصول جدید
شرکت رقیب



به
دیگران؟

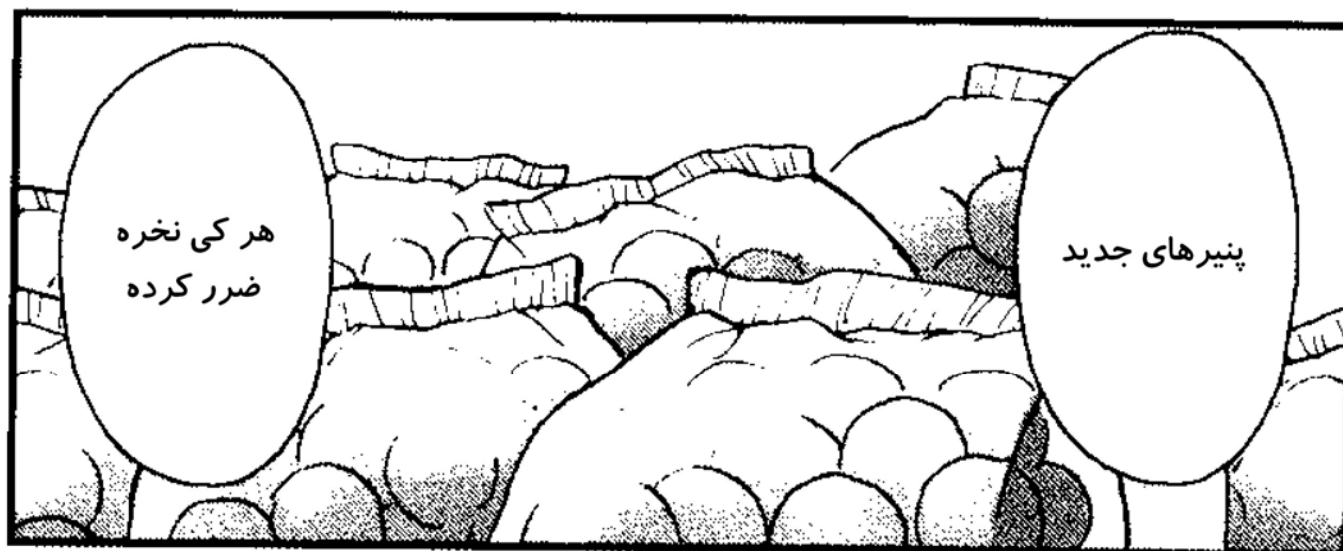
تولیدات خودم رو
می فروشم،
چه اشکالی داره؟



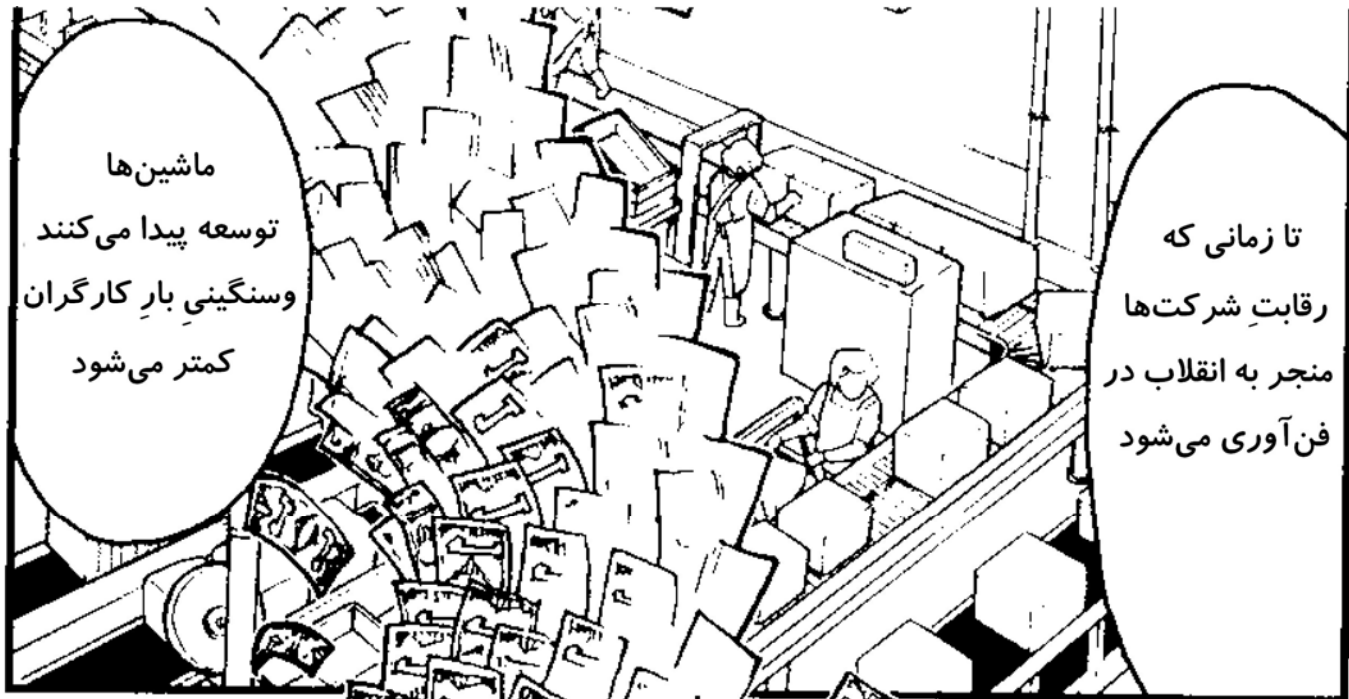
یعنی تو
اسرار فنی ما رو
به دیگران فروختی





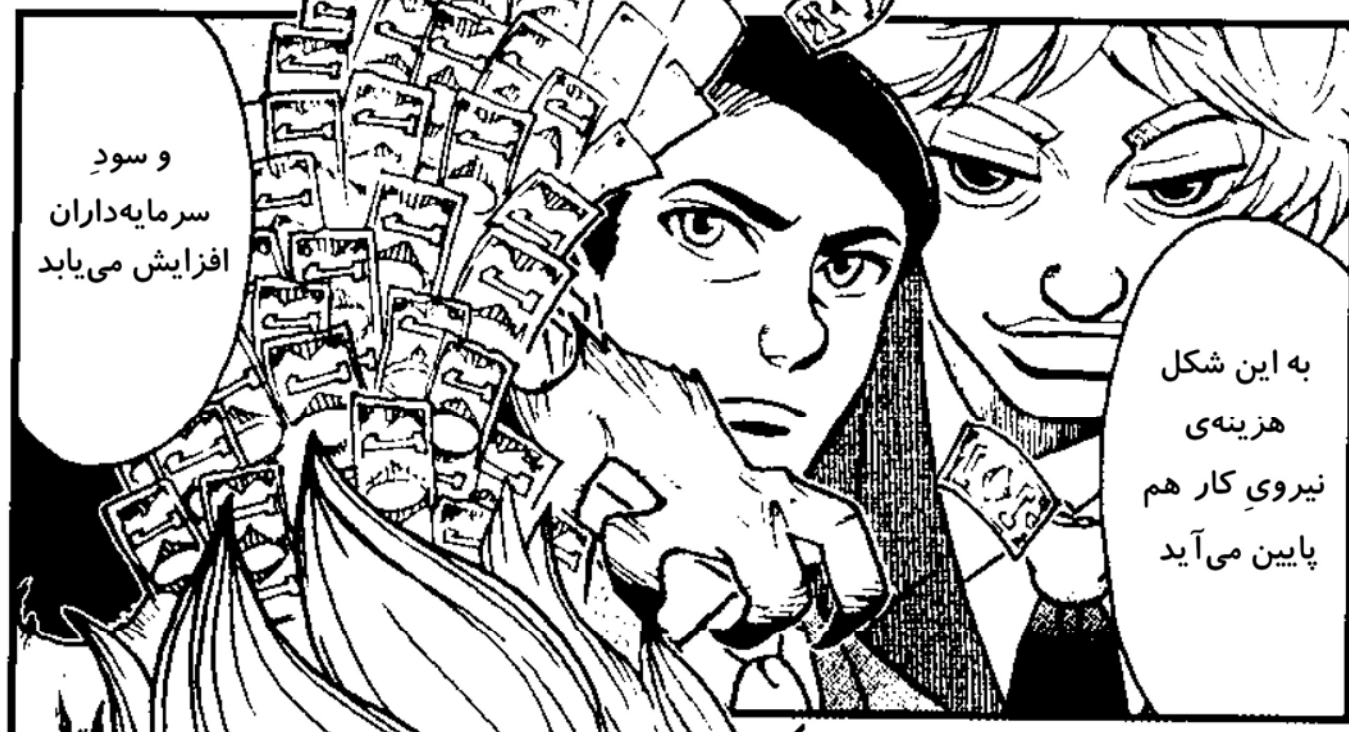






ماشین‌ها
توسعه پیدا می‌کنند
وسنگینی بارِ کارگران
کمتر می‌شود

تا زمانی که
رقابتِ شرکت‌ها
منجر به انقلاب در
فن‌آوری می‌شود



و سودِ
سرمایه‌داران
افزایش می‌یابد

به این شکل
هزینه‌ی
نیروی کار هم
پایین می‌آید



و این فرآیند
دائماً تکرار می‌شود

این سود برای
تولید در مراحل بعدی
و پیشرفت‌های جدید
در فن‌آوری
مورد استفاده
قرار می‌گیرد



به این شکل
نرخ سود هم
دائماً کاهش می‌یابد



شرکت‌ها
گمان می‌کنند
دارند رشد می‌کنند
اما

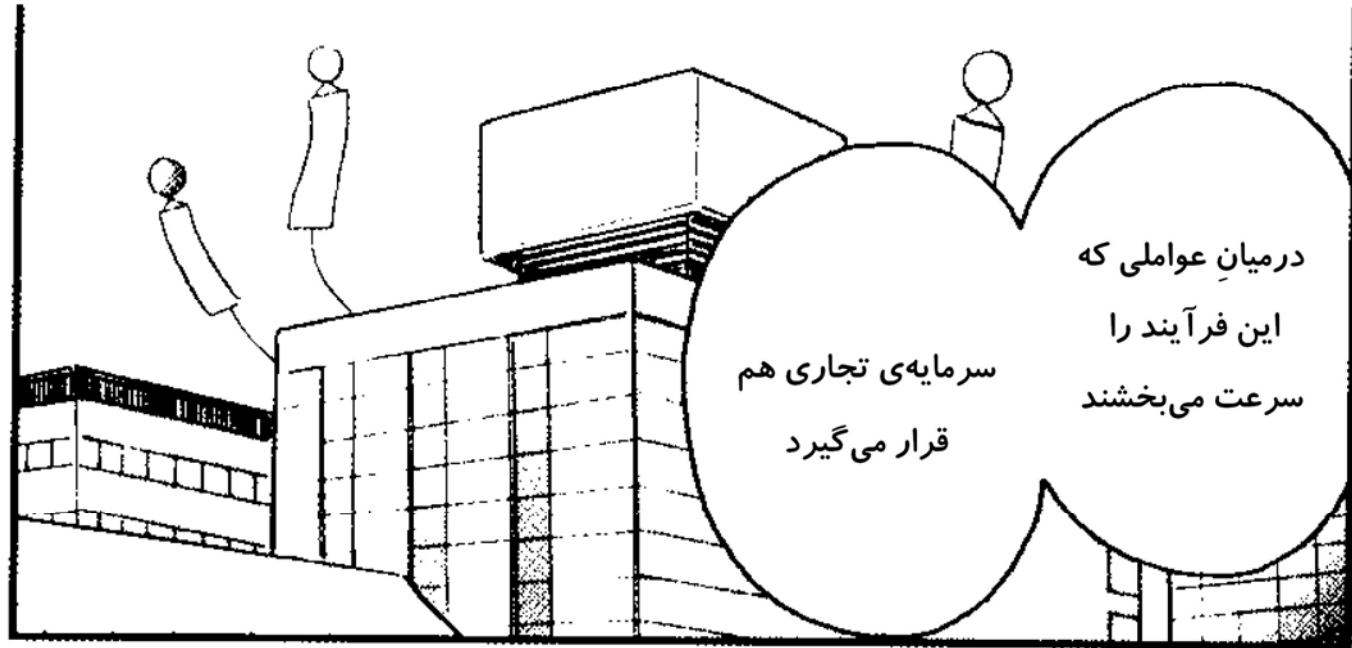
سهم "نیروی کار"
که سرچشمه‌ی
"ارزش‌افزایی" است
دائماً در سرمایه
کاهش می‌یابد

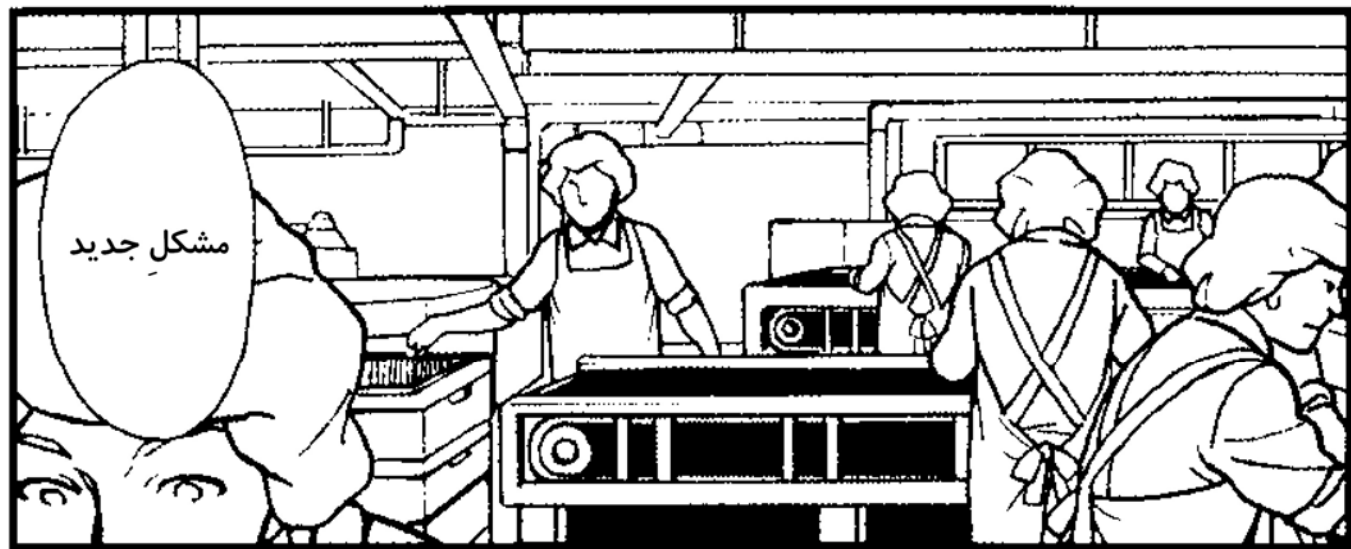
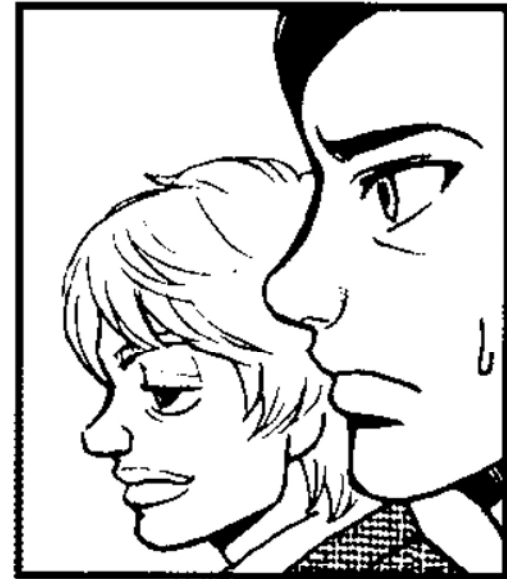


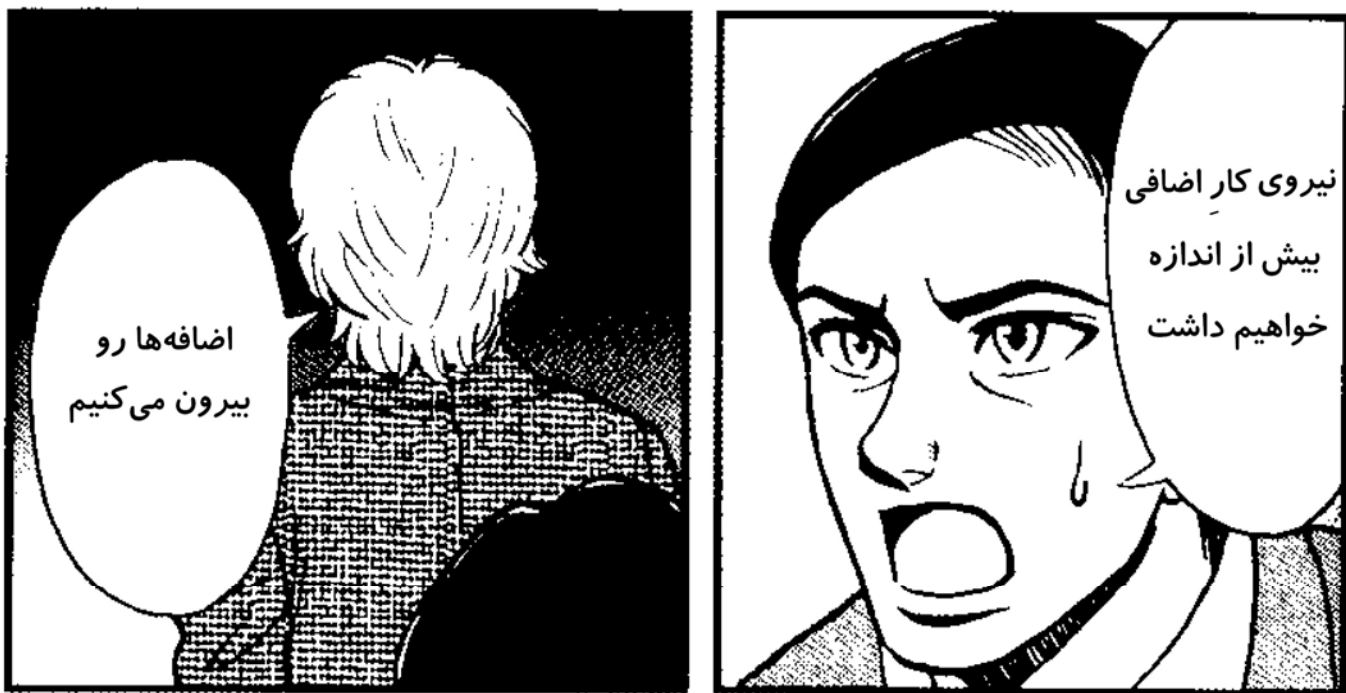
تضاد اجتناب‌ناپذیر
سیستمی است که
به دنبال سود است

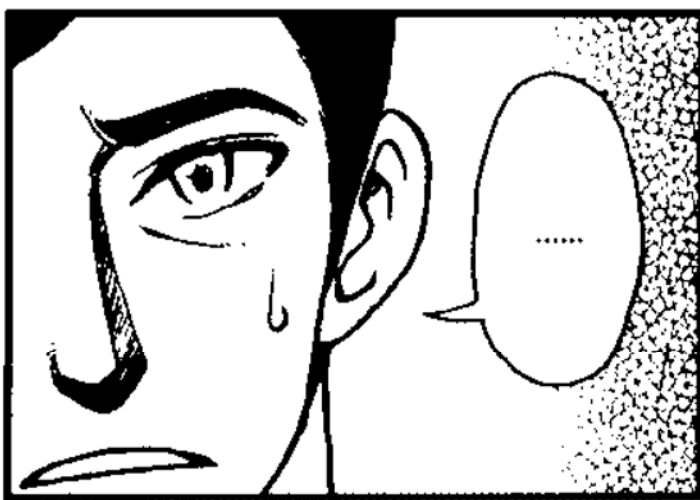
مشارکت‌هایی که
برای بالا بردن
نرخ سود
انجام می‌شود

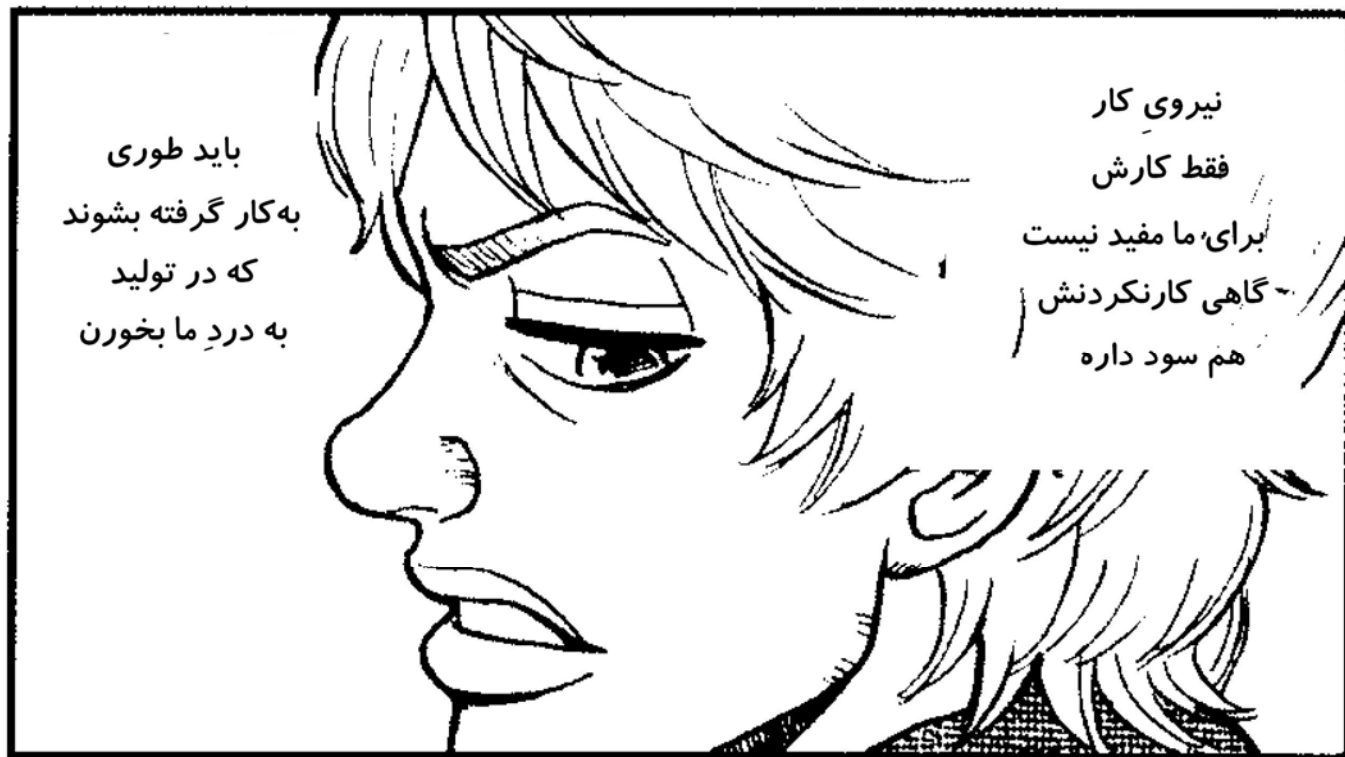
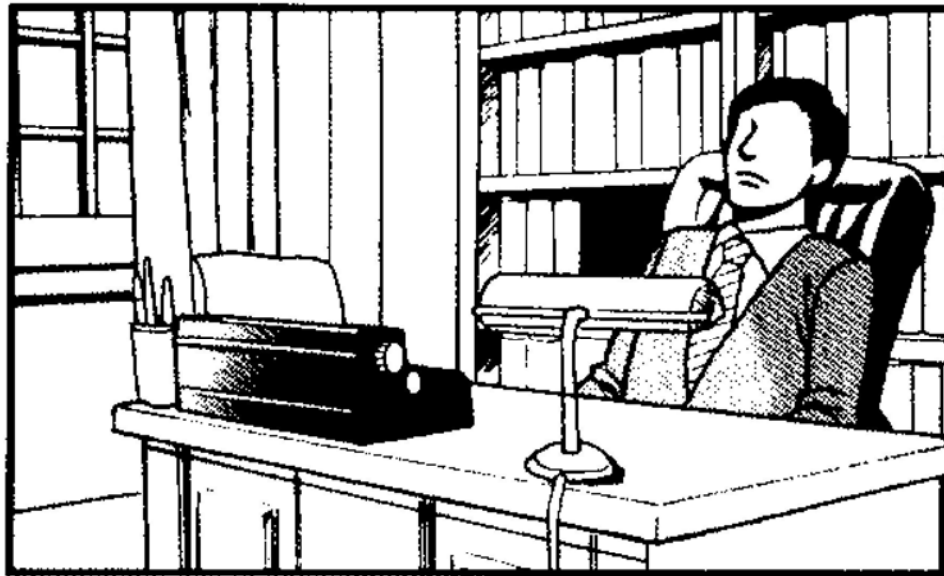
در طولانی مدت
به همین نتیجه
ختم می‌شود
و این...















به هر حال
بین شرکت‌ها

مسابقه‌ی کسب سود
ادامه پیدا می‌کند



کارگرانی که کارشان
توسط ماشین‌ها
از دستشان خارج شده را
وارد ارتش بیکاران
می‌کند



به شکل متضادی

توسعه‌ی دائم
و سیری ناپذیر
فن آوری...





شرکت‌ها همواره
پیشرفت و
پسرفت می‌کنند

شرکت‌هایی که
نمی‌توانند خود را
سرپا نگه دارند،
ورشکسته می‌شوند
و یا با دیگر شرکت‌ها
ترکیب می‌شوند

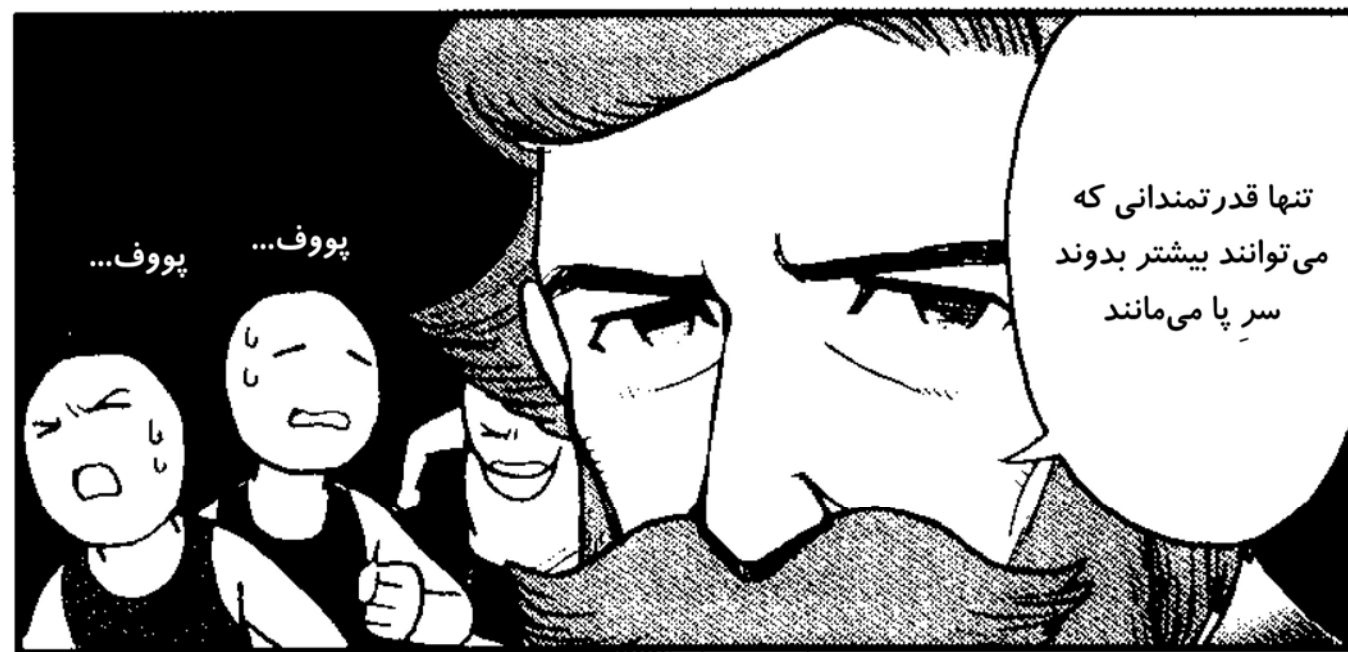
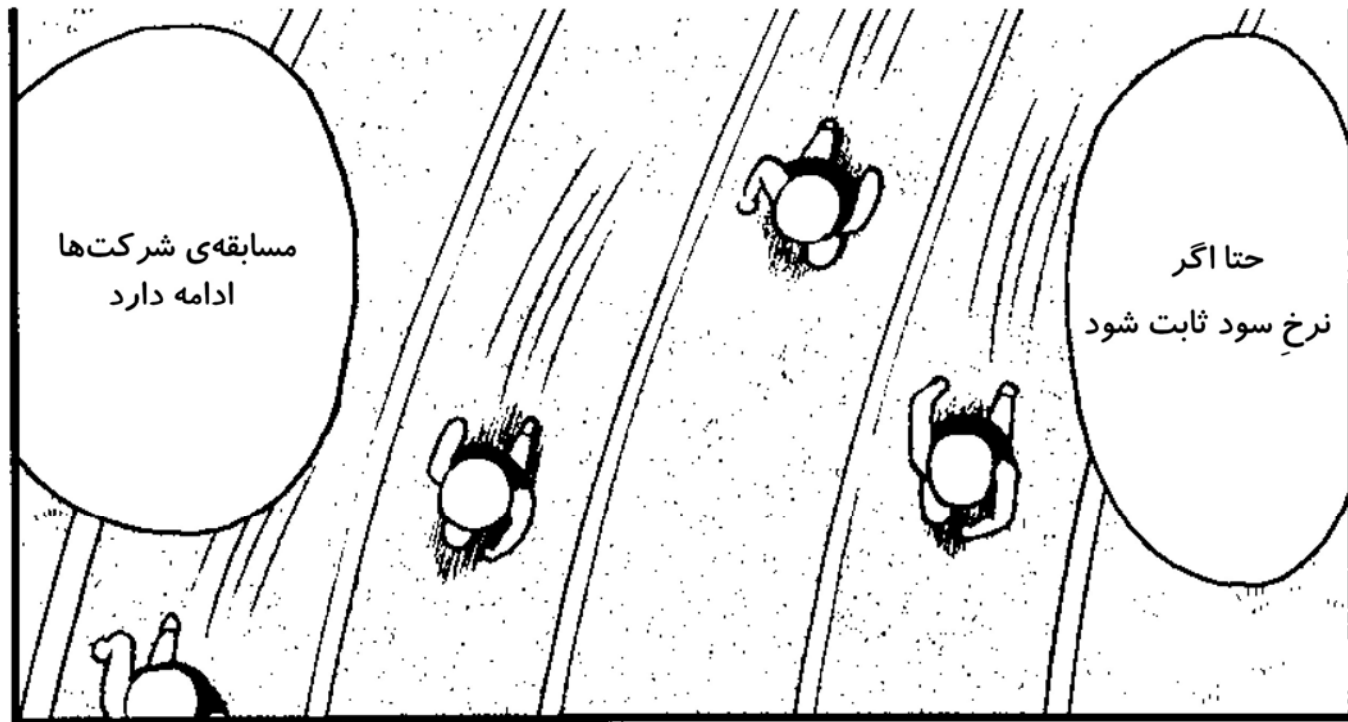


با تکرار این عمل
نرخ سود در آن
واحدهای تولیدی
ثابت می‌ماند

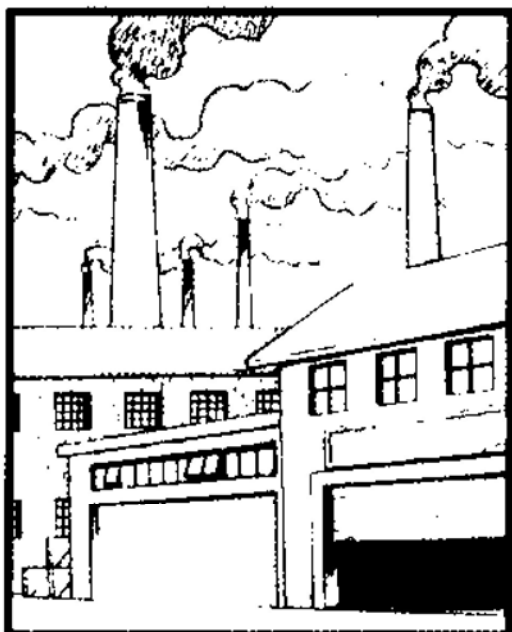


فن‌آوری
هر روز
پیشرفت می‌کند

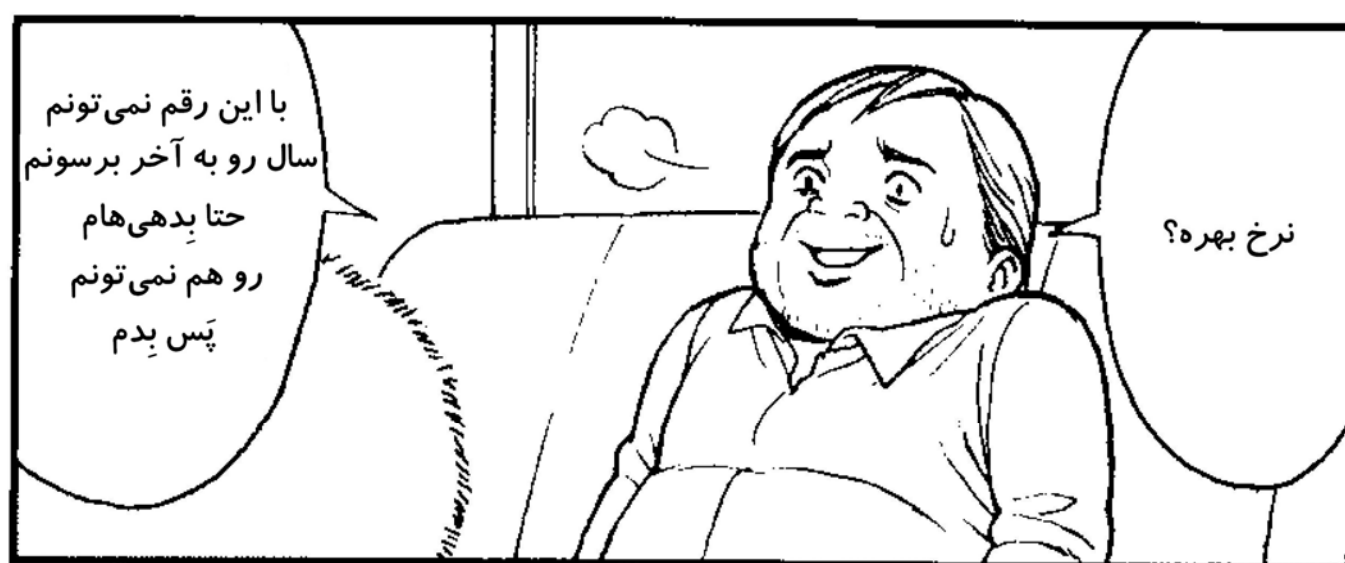
و کالاهای جدید
تولید می‌شود

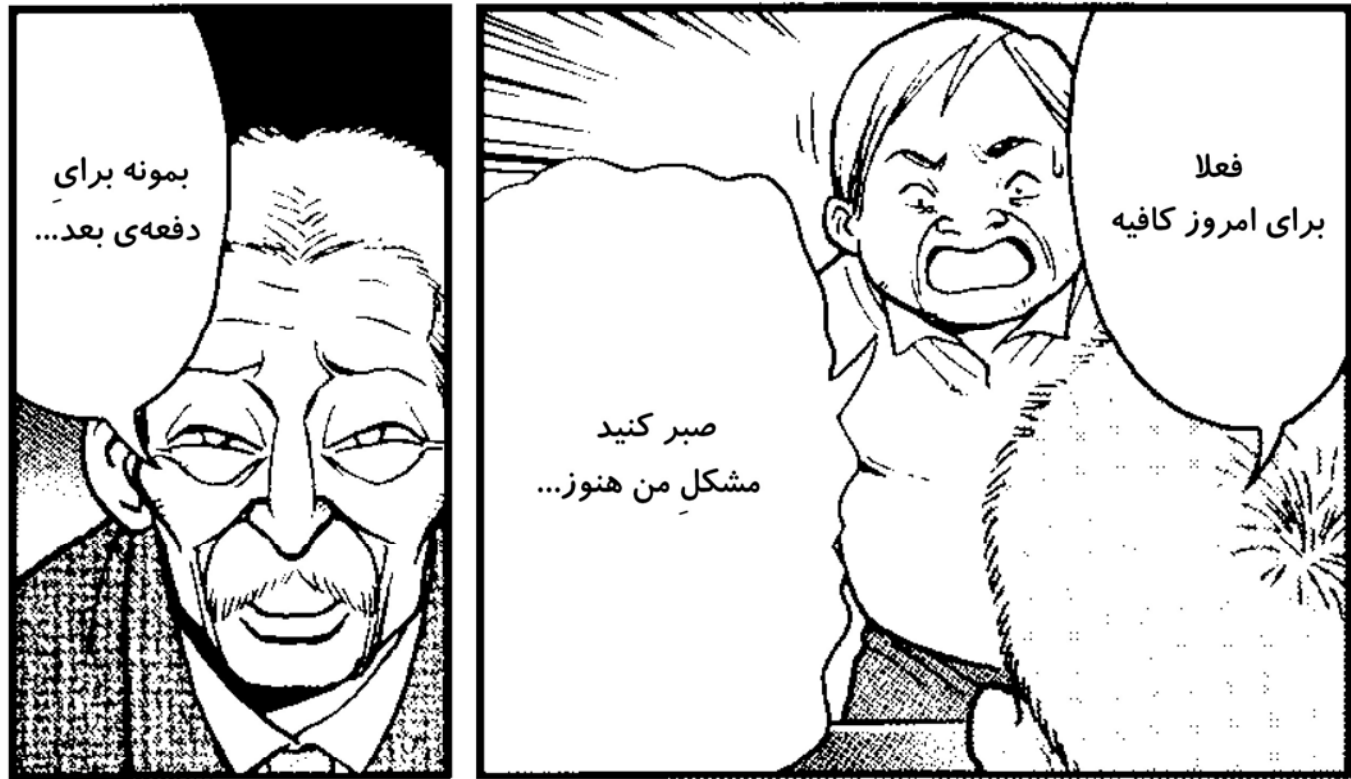




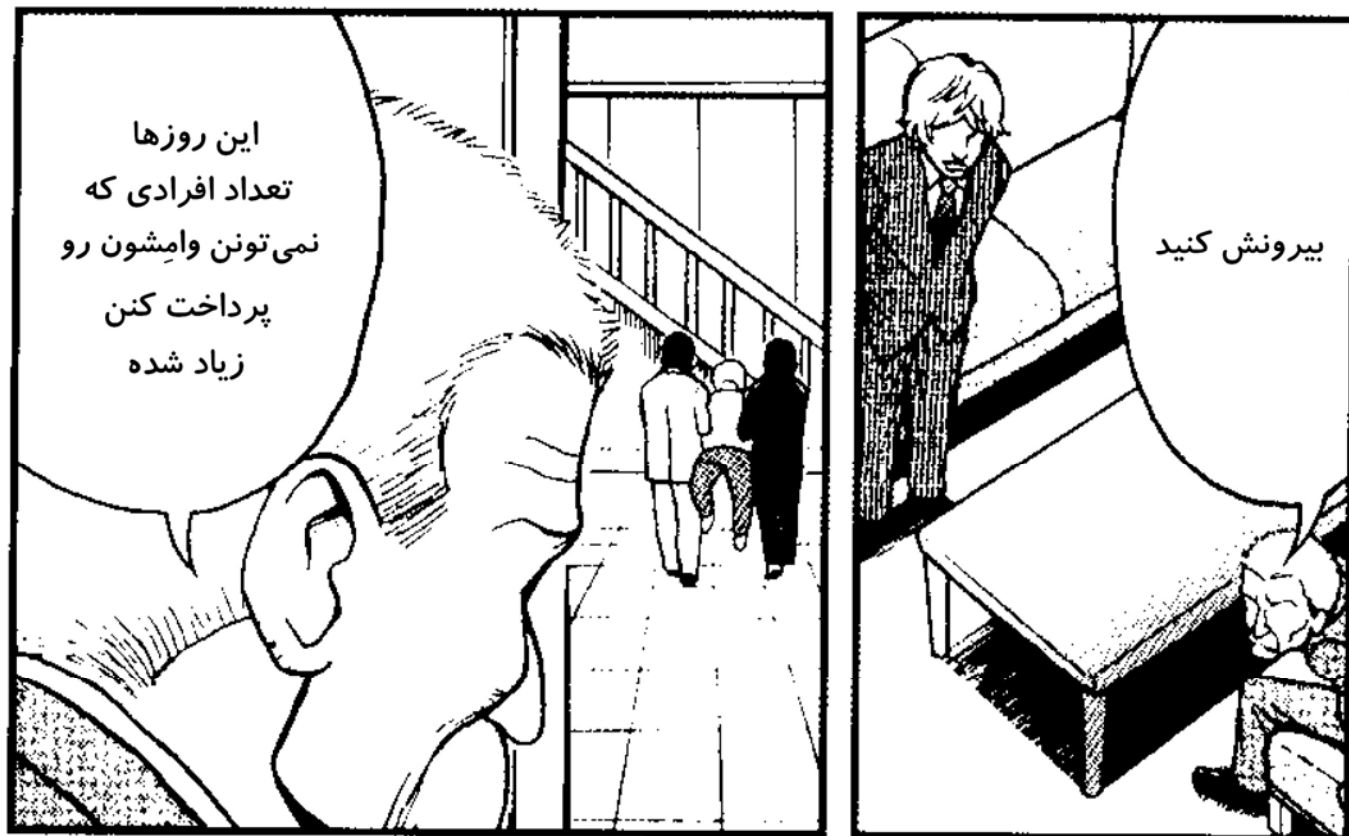






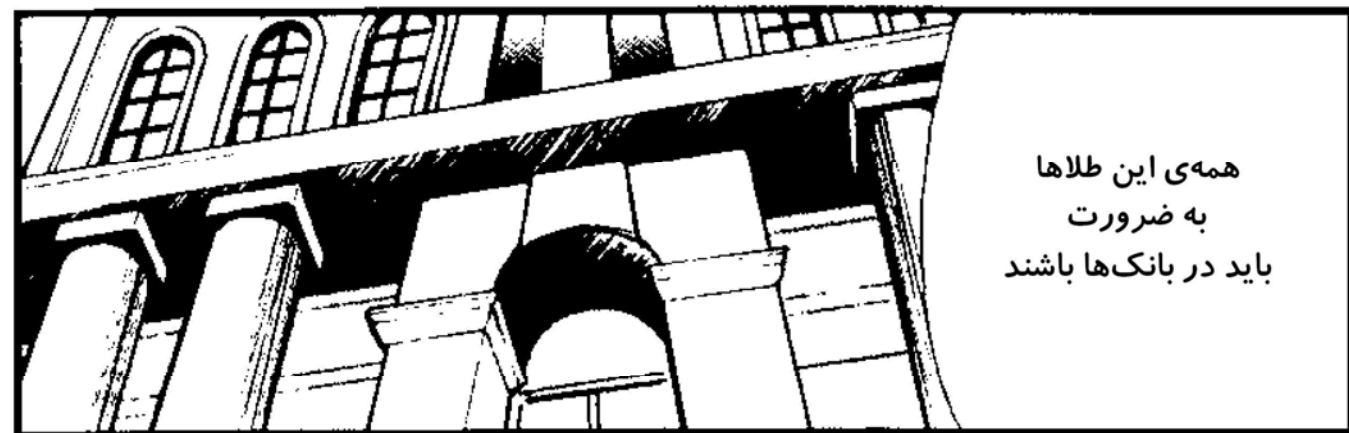


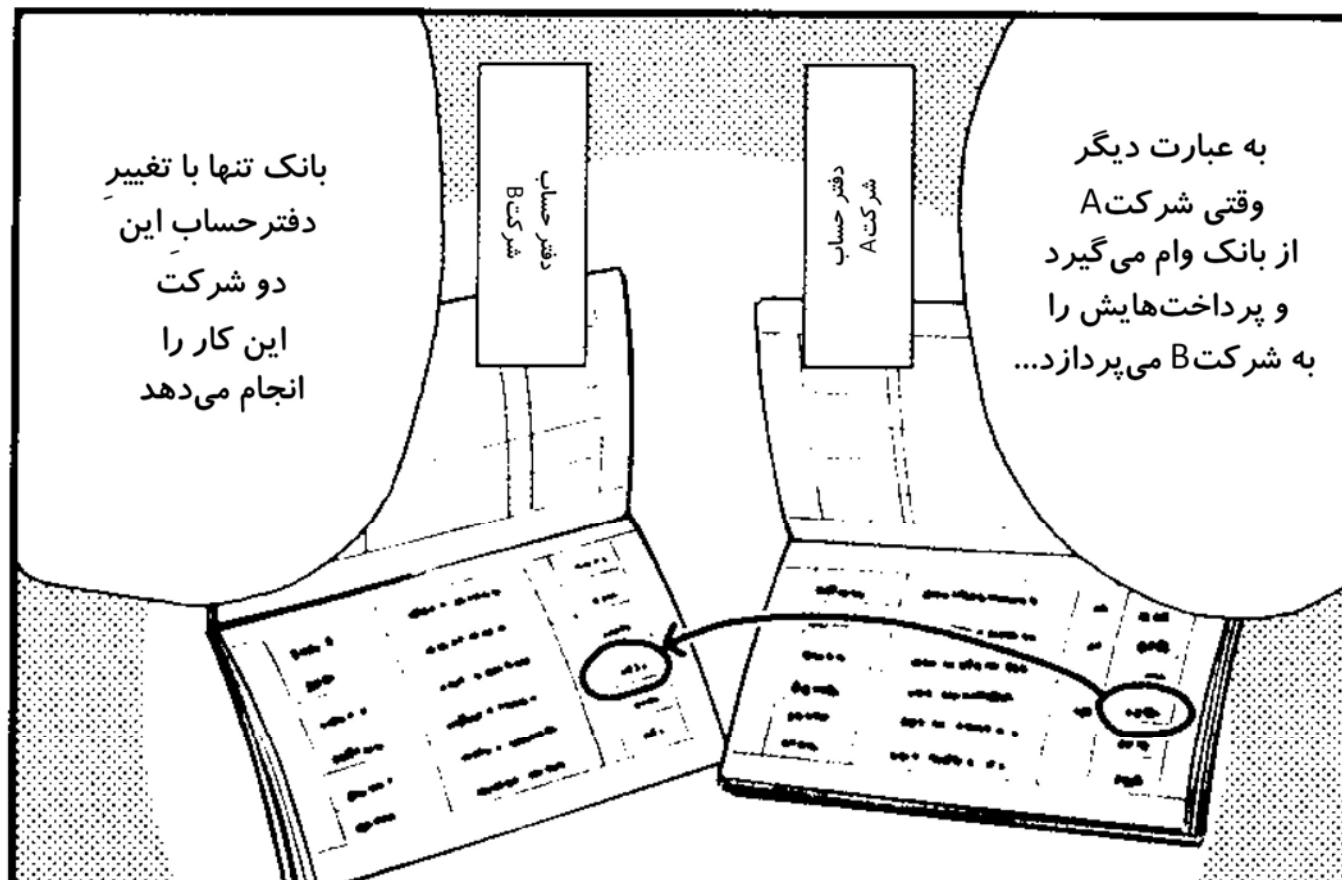


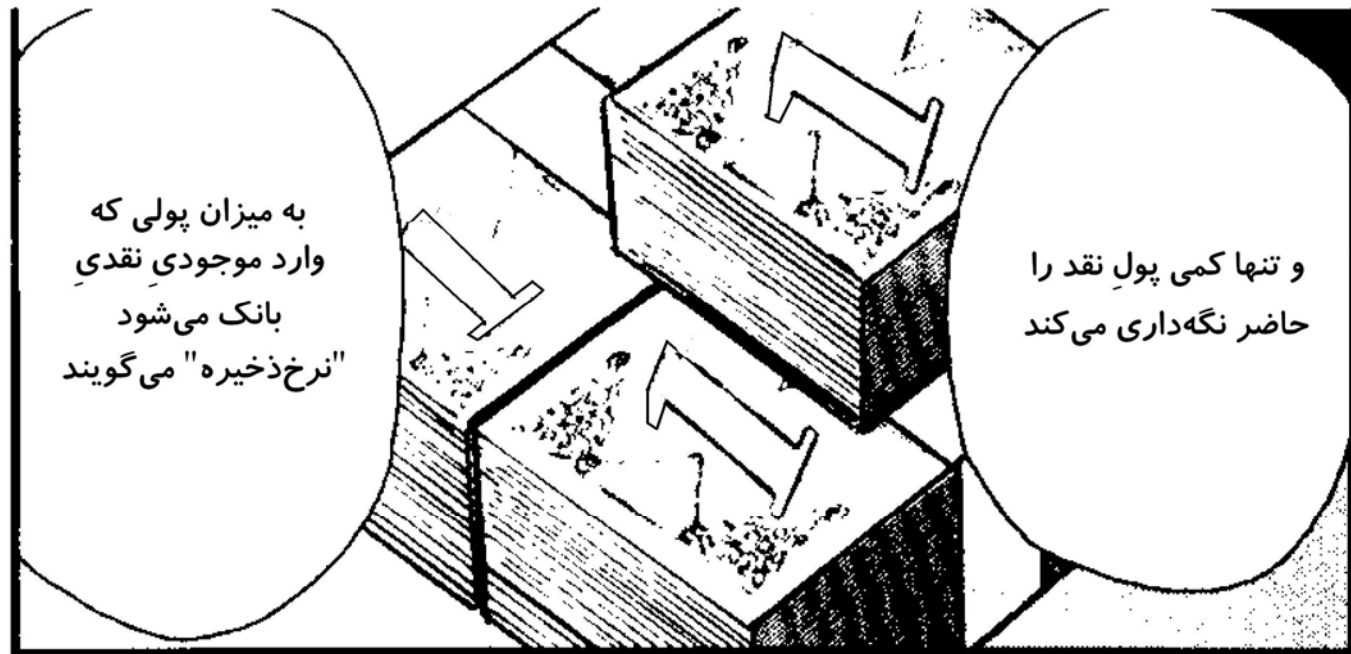














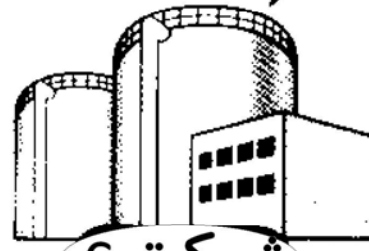
شرکت B با وامی که
از بانک دریافت کرده
بدهی‌های خود را
با شرکت C تسویه می‌کند
و ۹۰۰ پول را به شرکت C
پرداخت می‌کند



شرکت B

۹۰۰ پرداخت
پول

شرکت C هم
کل این مبلغ را
دوباره در بانک
ذخیره می‌کند



شرکت C

۹۰۰ سپرده
پول



موجودی کل بانک

۱۰۰۰ پول

صاحب حساب A

۹۰۰ پول

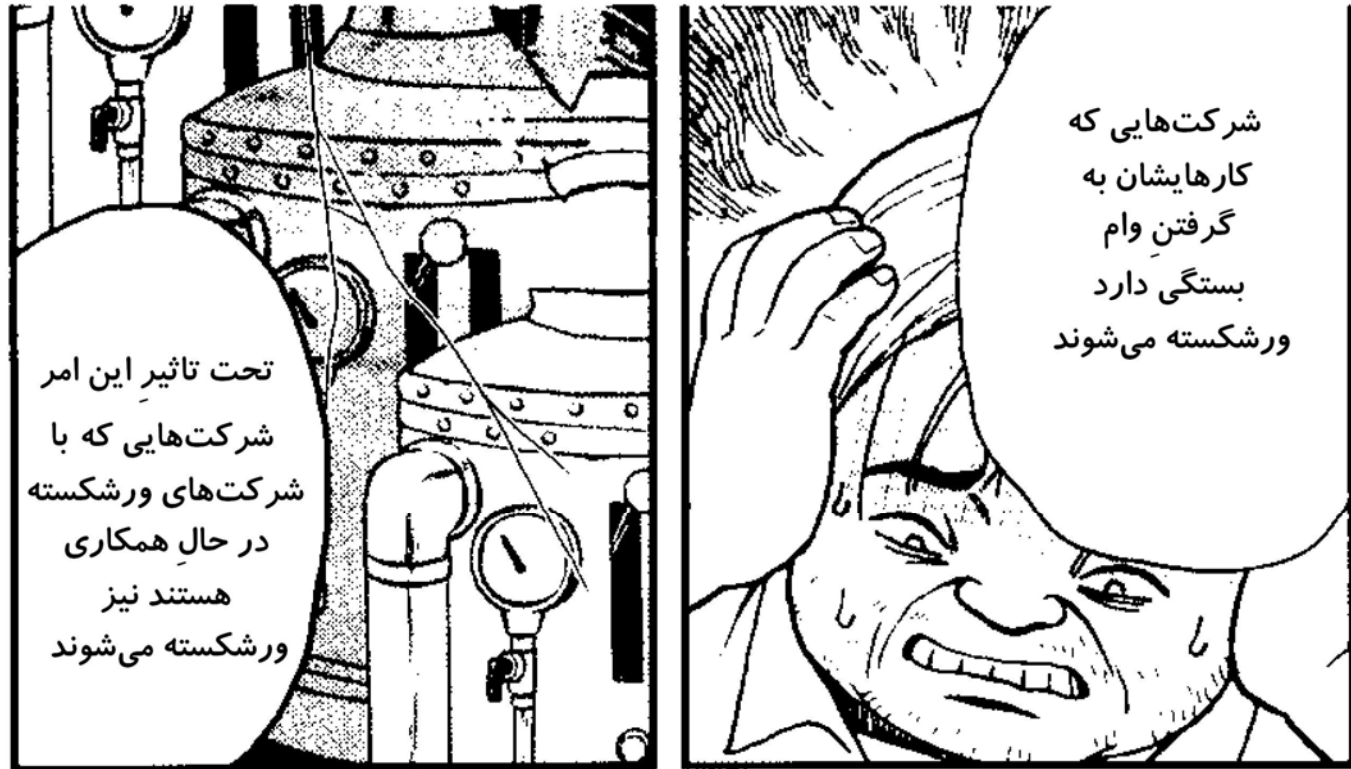
شرکت C

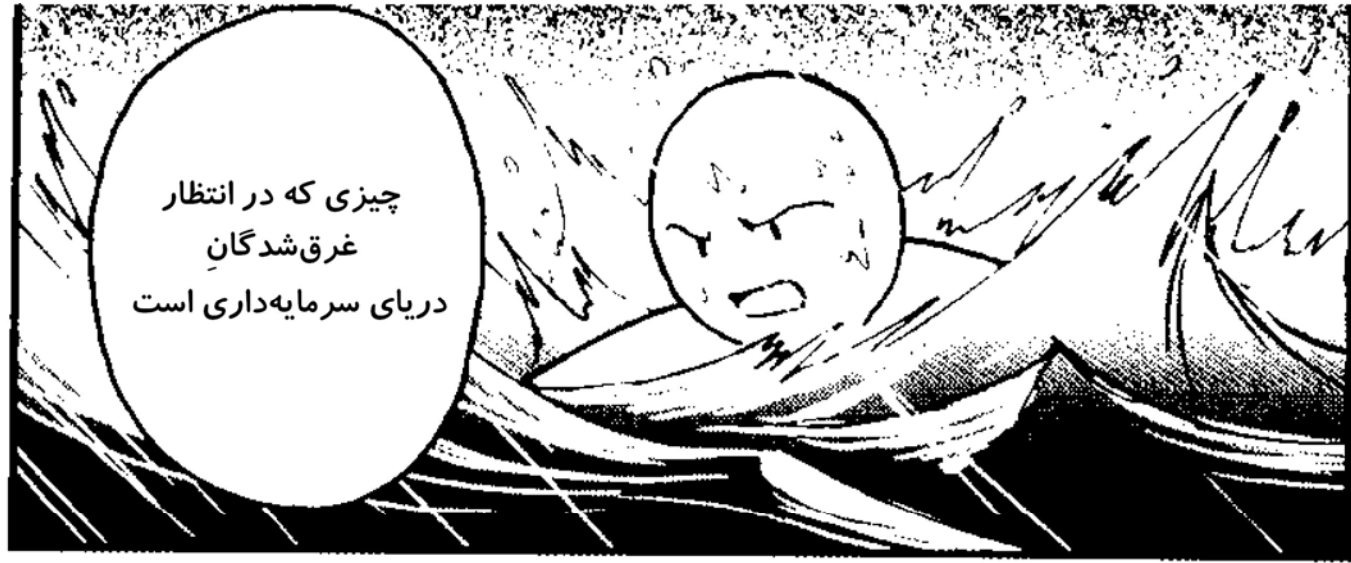
۱۹۰۰ پول


بانک با عملیات
مالی‌ای که بر روی ۱۰۰۰ پولی که از
شرکت‌ها دریافت کرده بود،
آن را به ۱۹۰۰ پول
افزایش داد









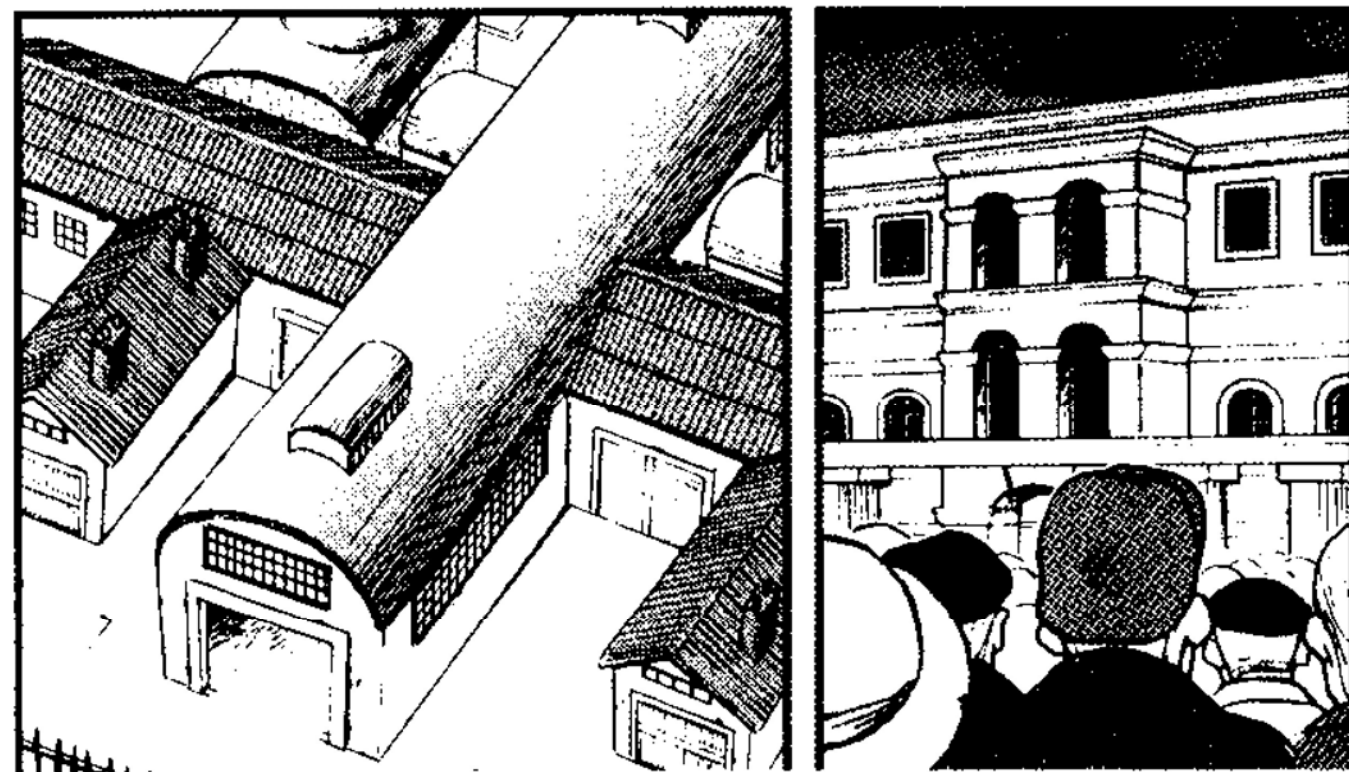


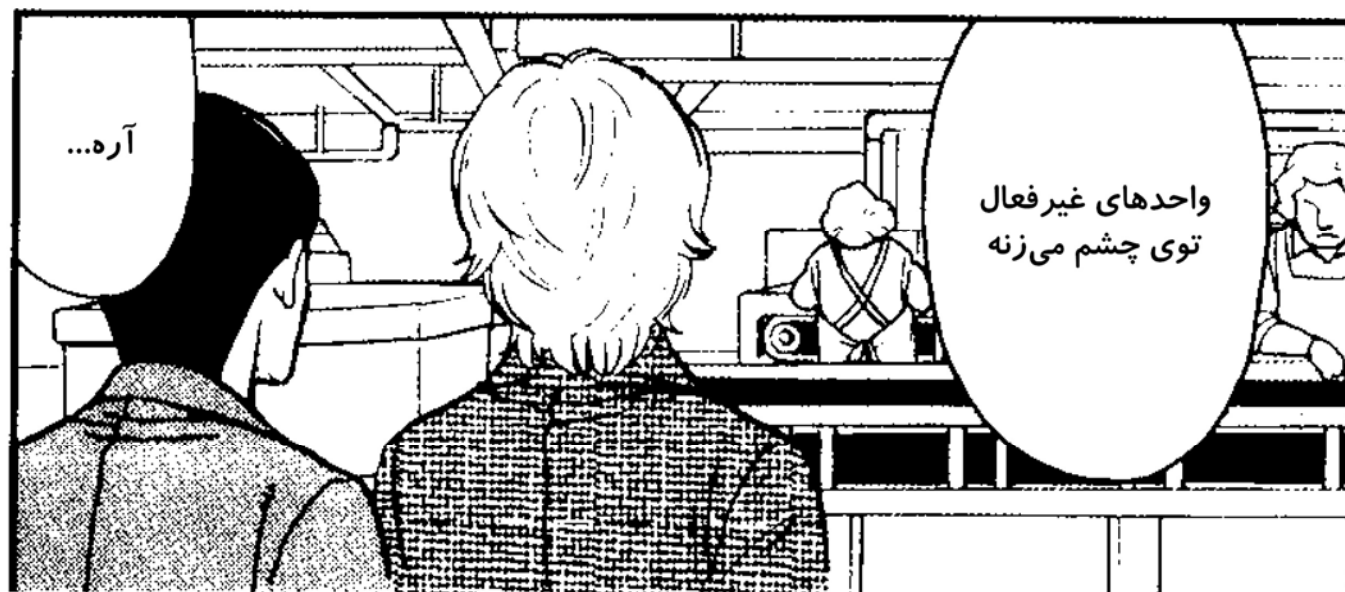
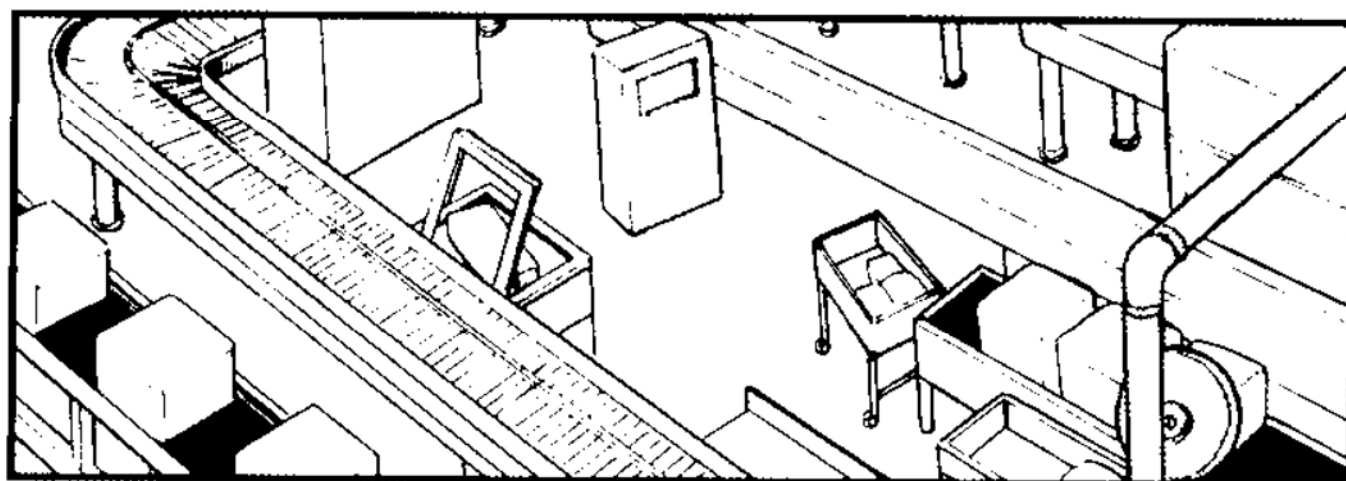
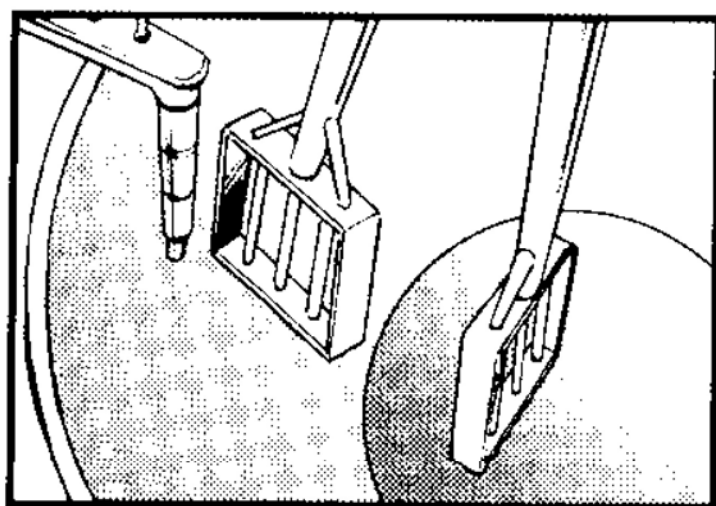
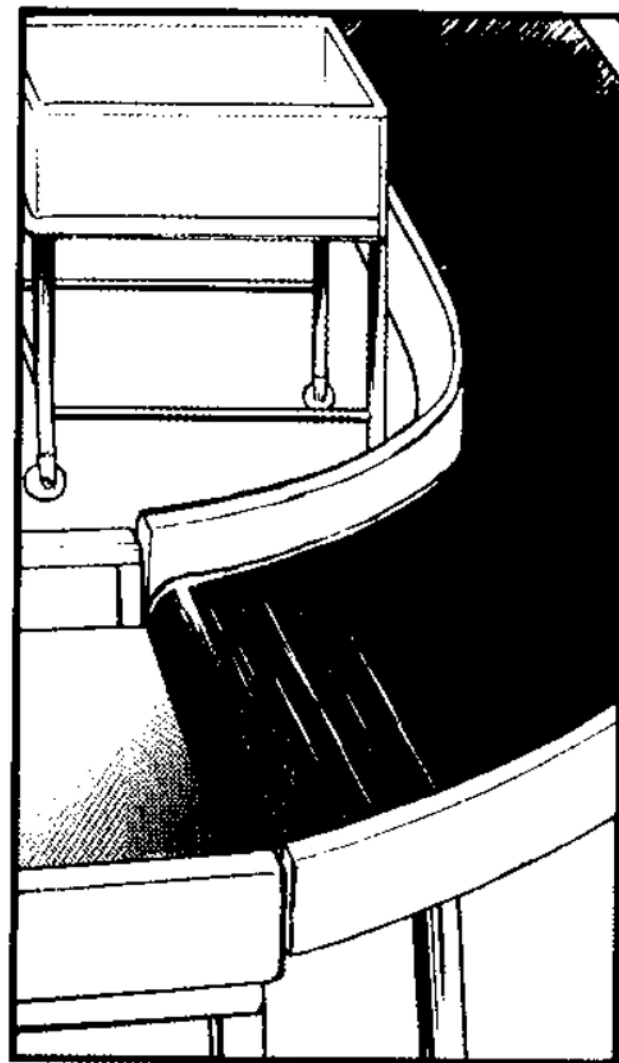
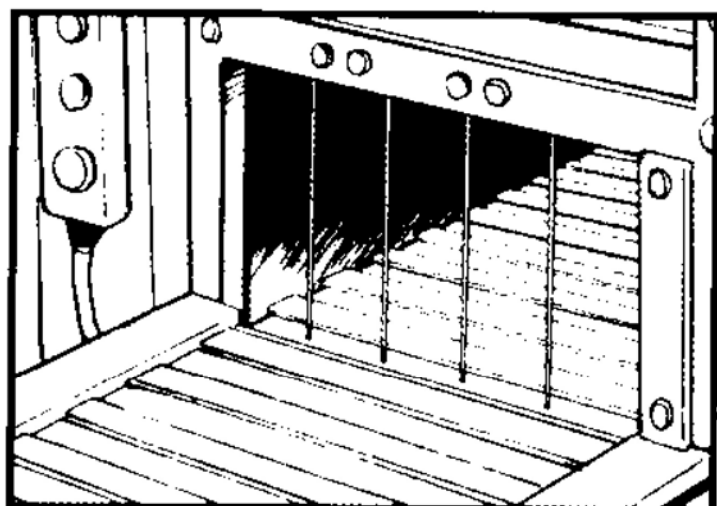
با بزرگ شدن سرمایه
و از بین رفتن
تعادل اقتصادی

بحران مالی
وارد کارزار می شود

و گردباد "وحشت"
همه جا را
در بر می گیرد







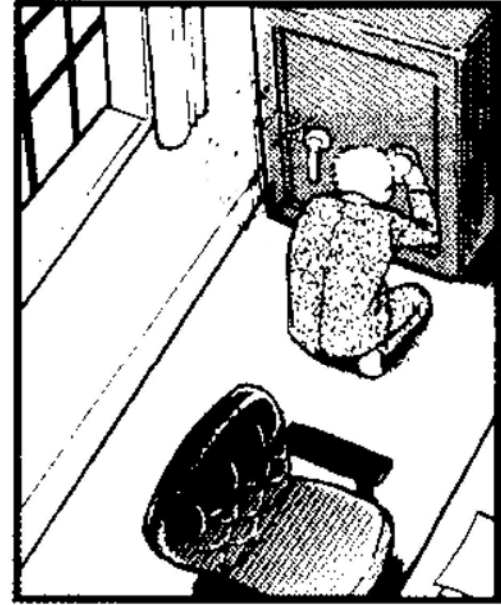












برای فکر کردن
خیلی دیره



آقای
رئیس

مردم معترض
بیرون از بانک
ساکت نمی‌شن
یه فکری بکنید...

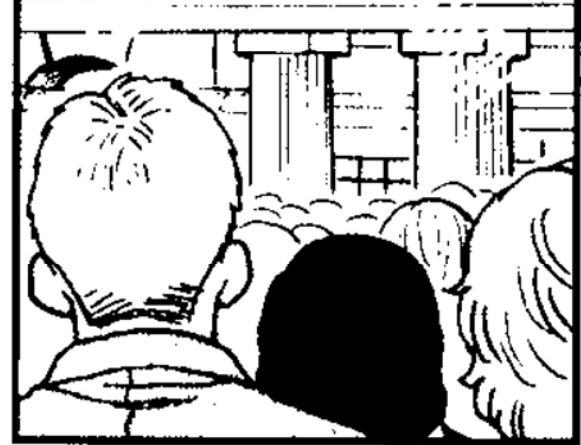
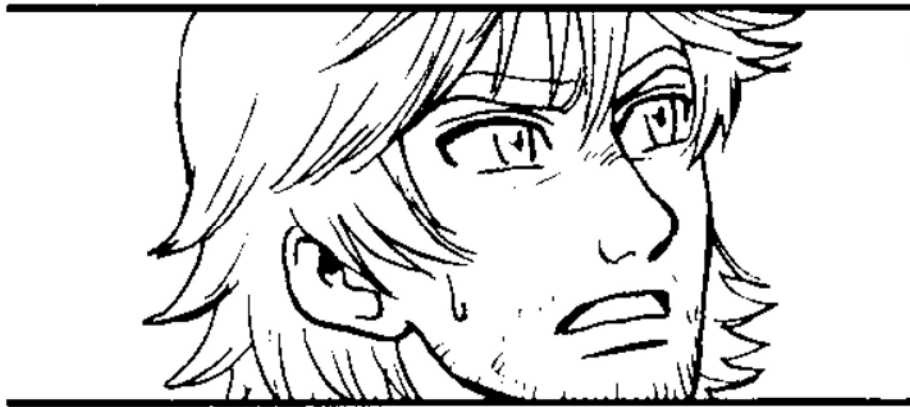


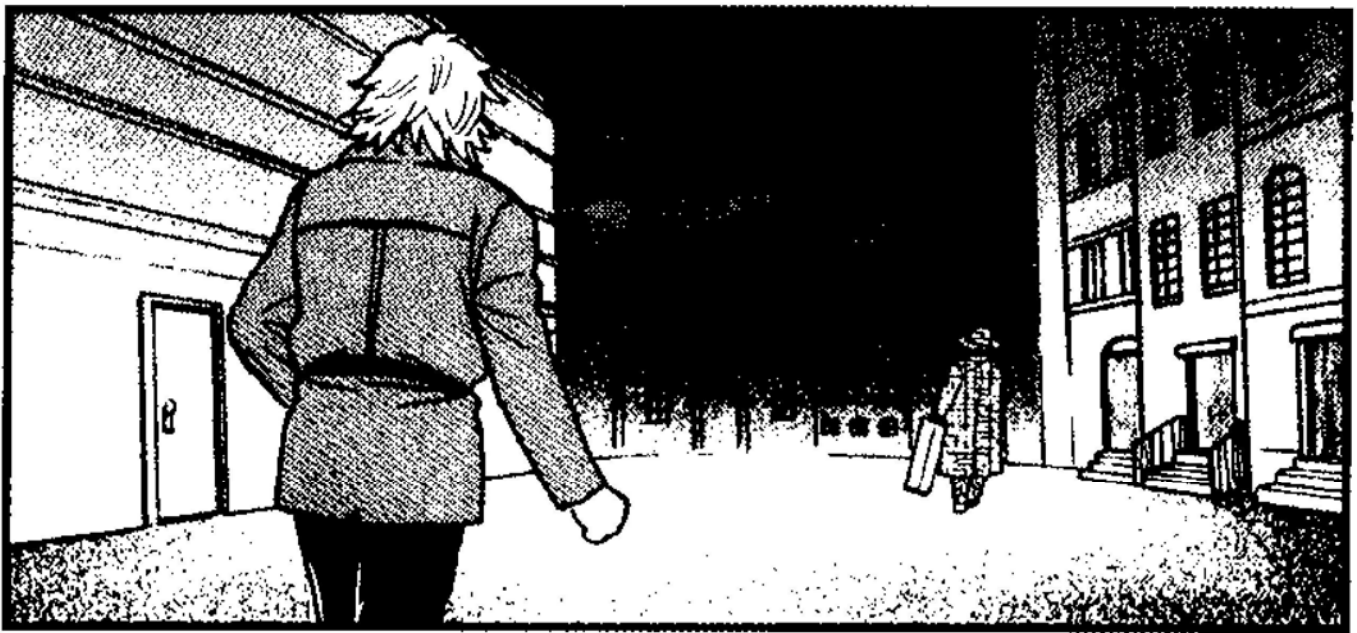
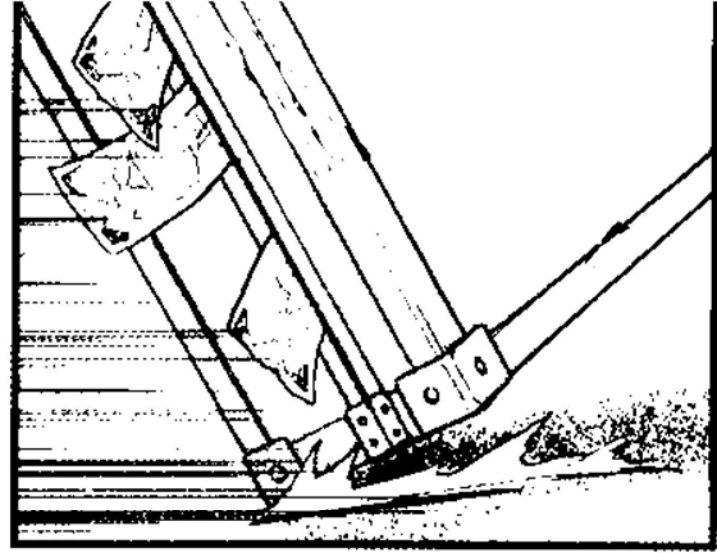
حتا نمی‌دونم
تقصیره
کی هست!

تقصیره
من نیست

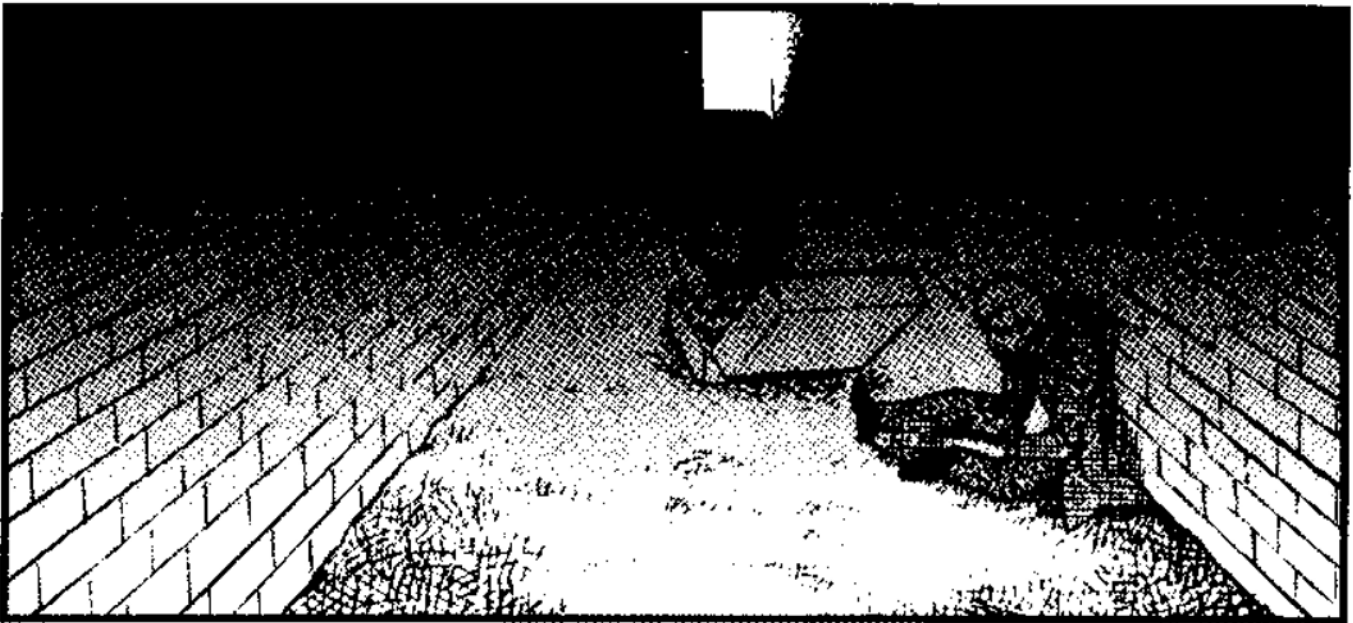
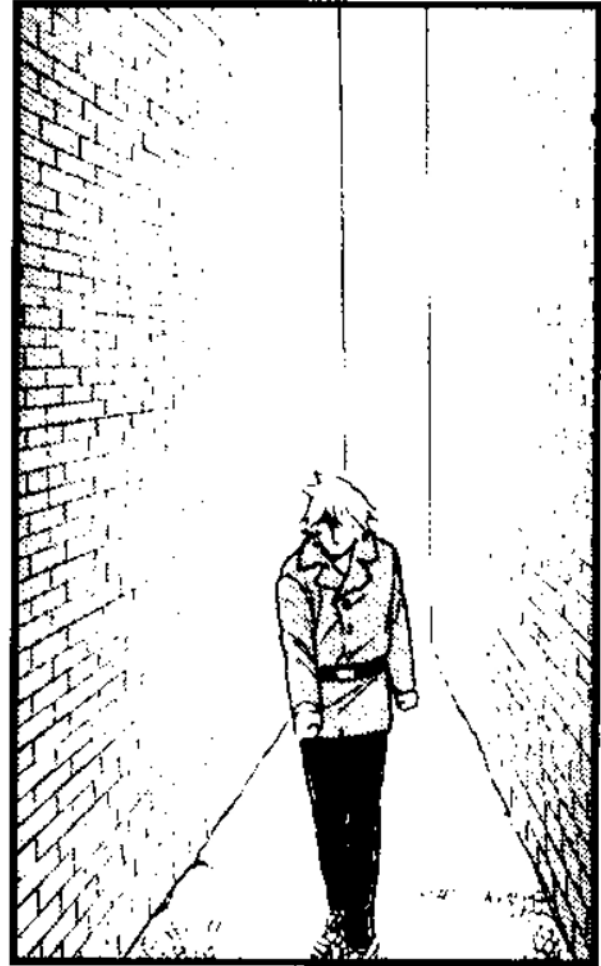


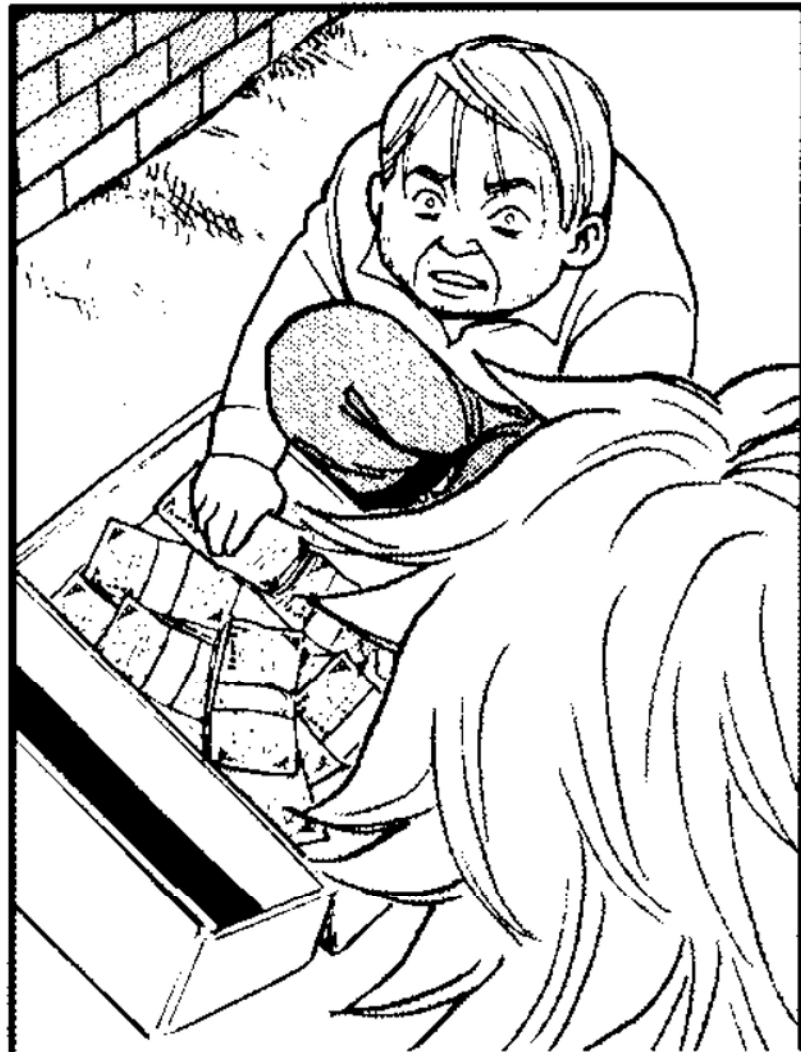
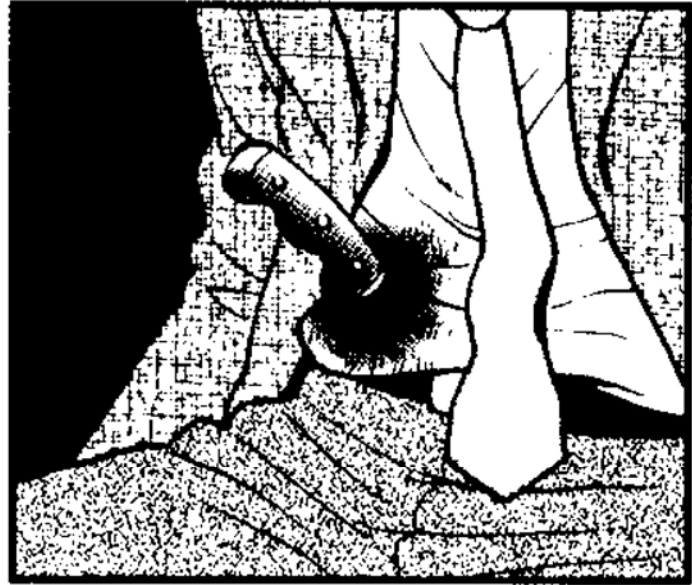
اما...

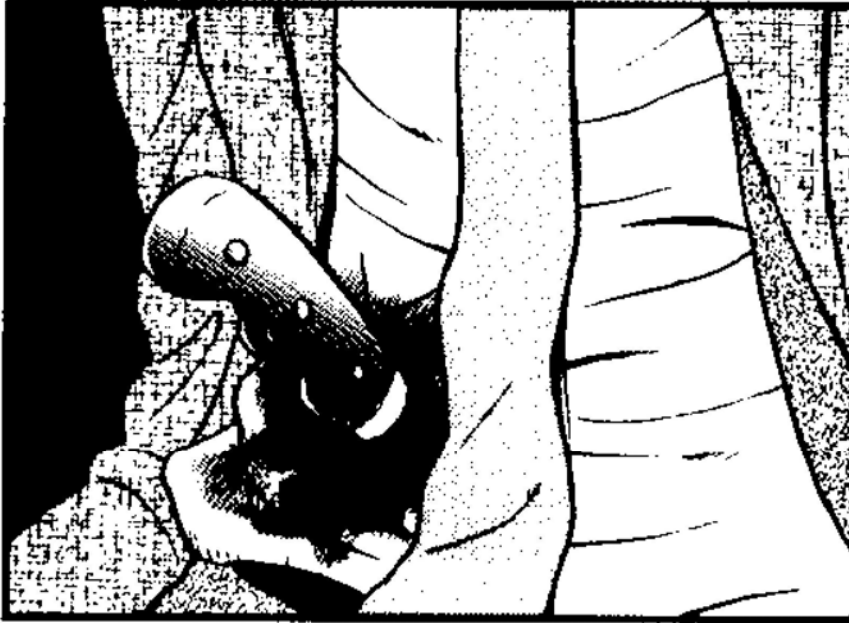
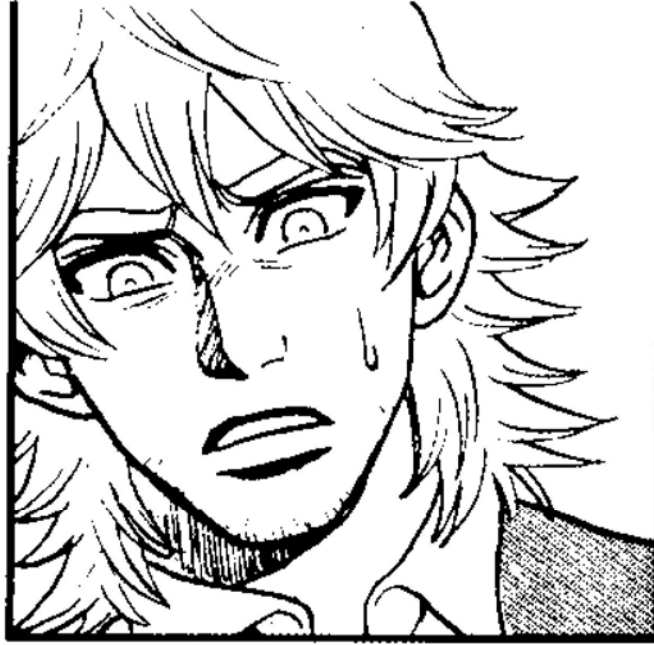


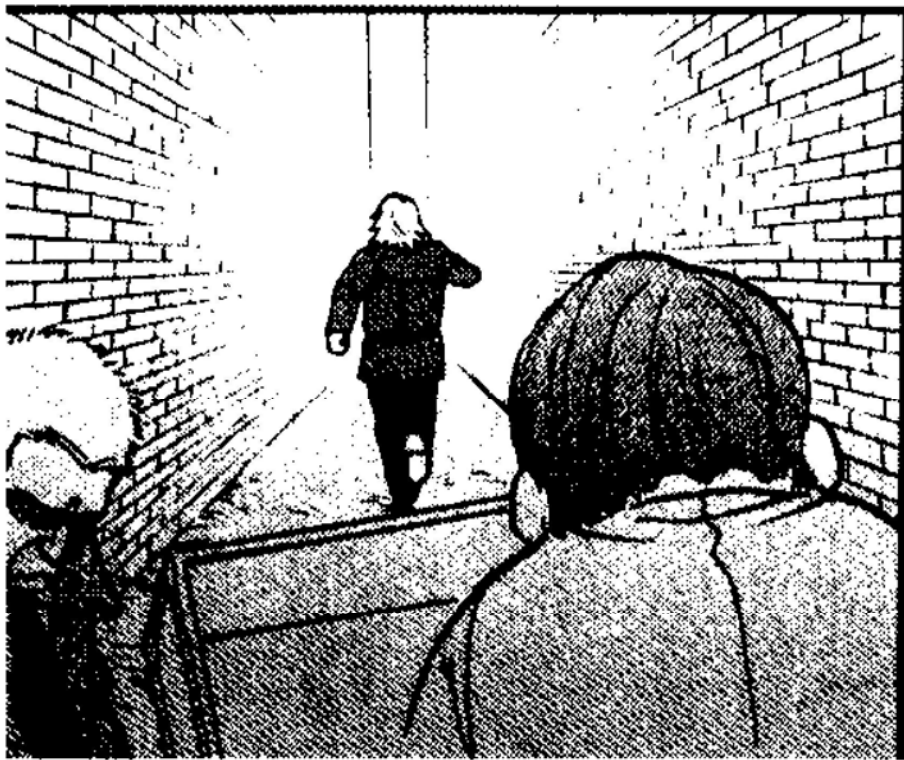
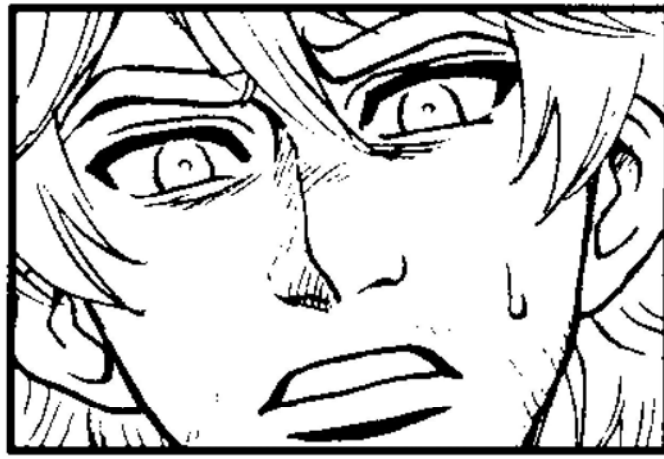
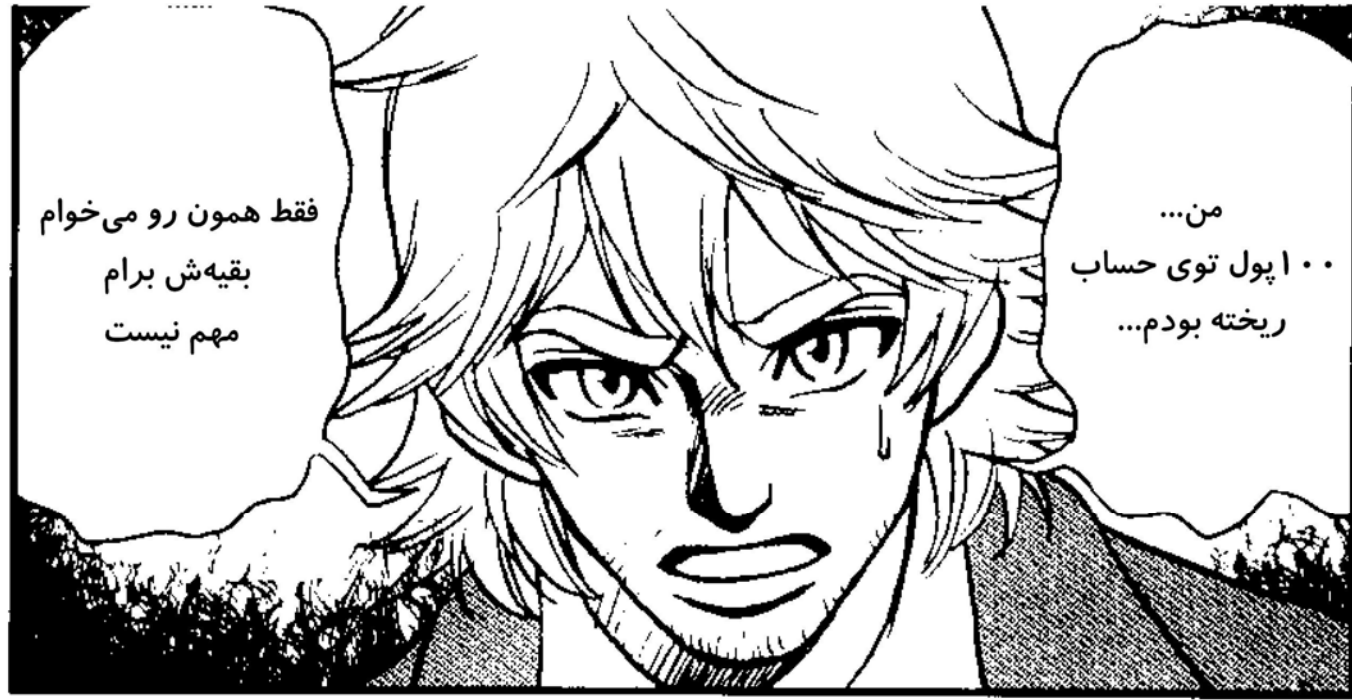


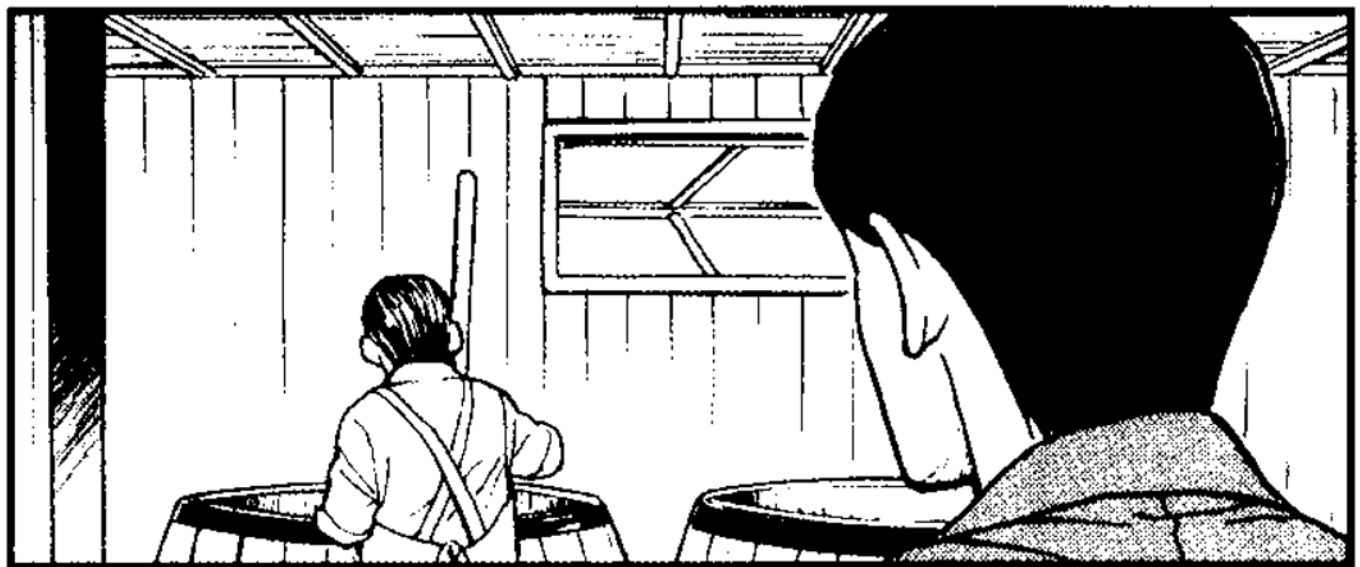
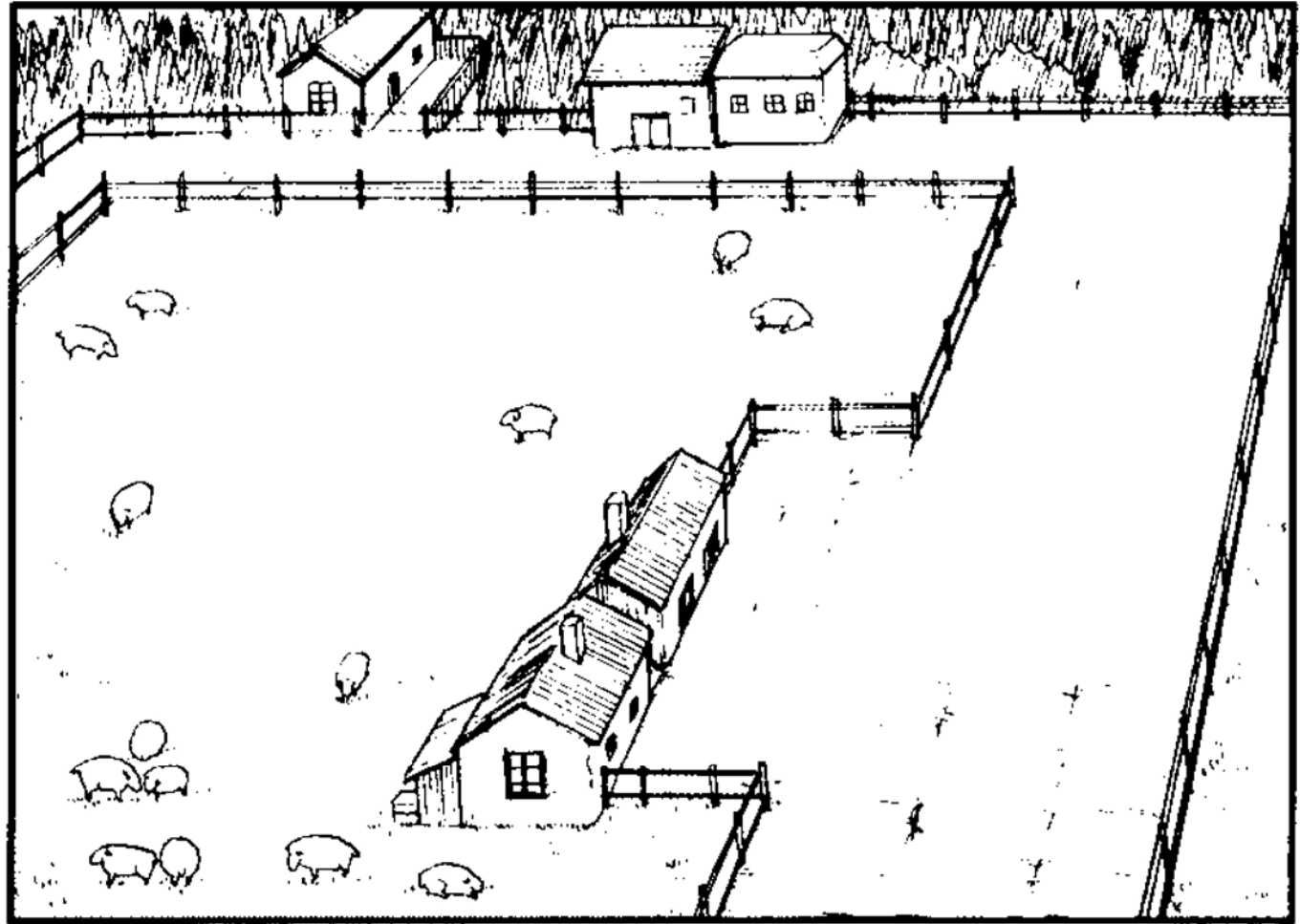


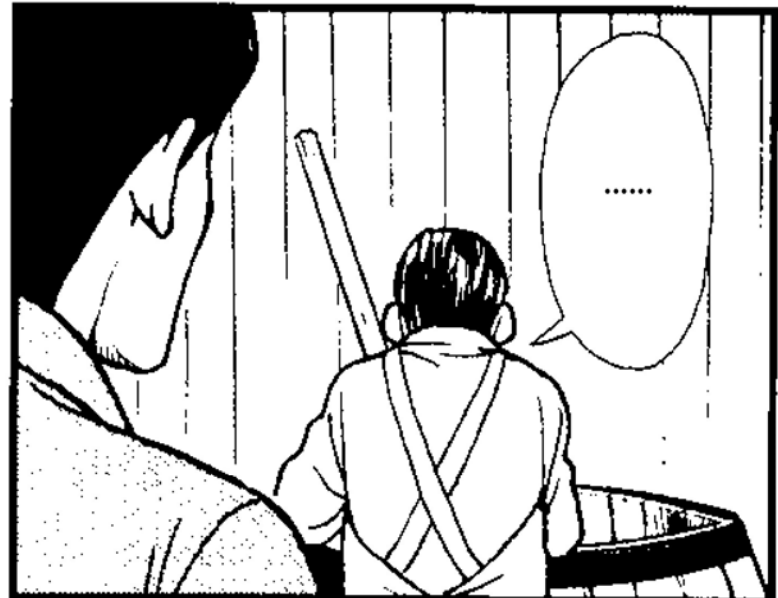


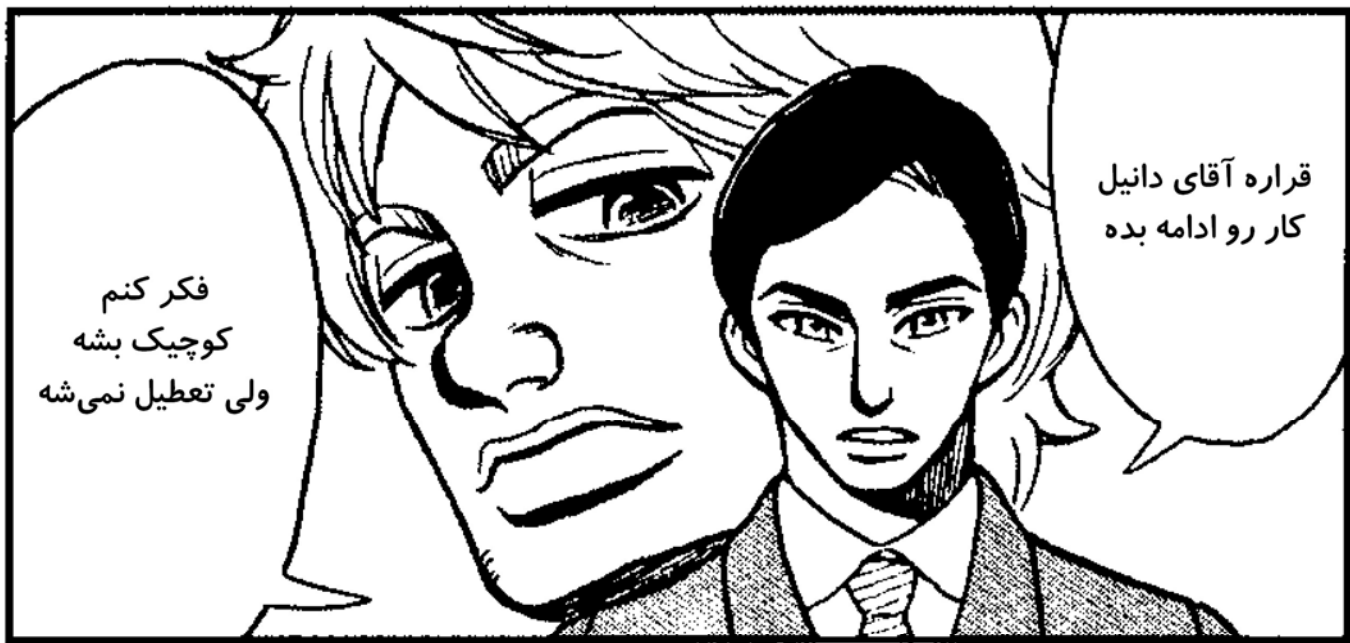


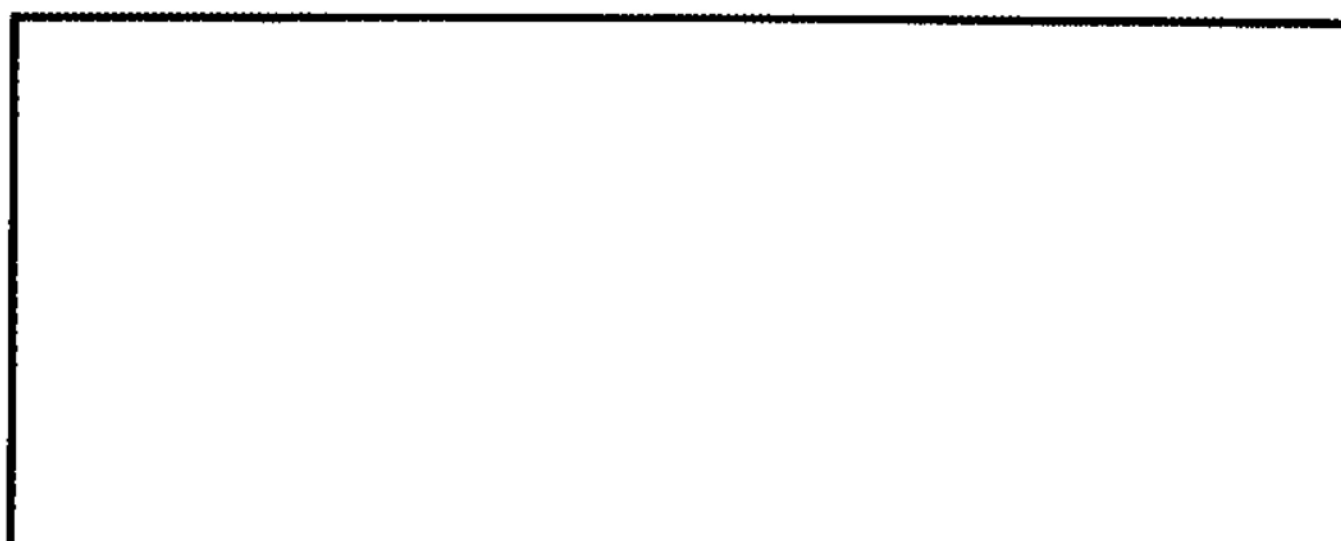
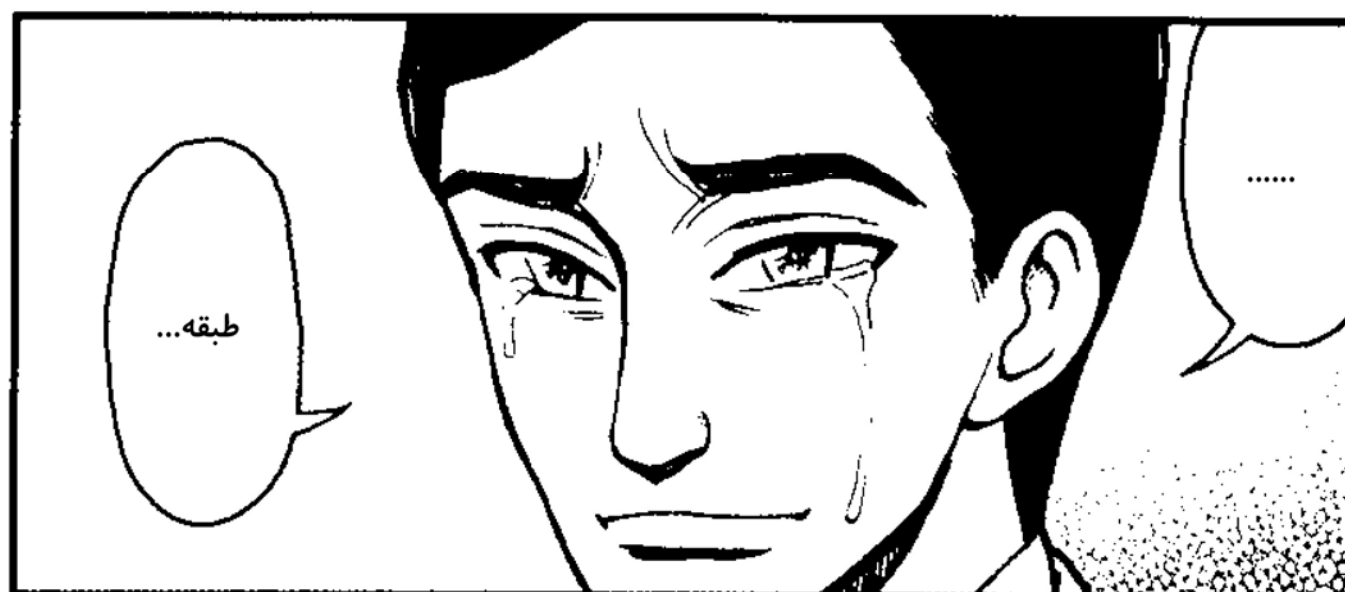






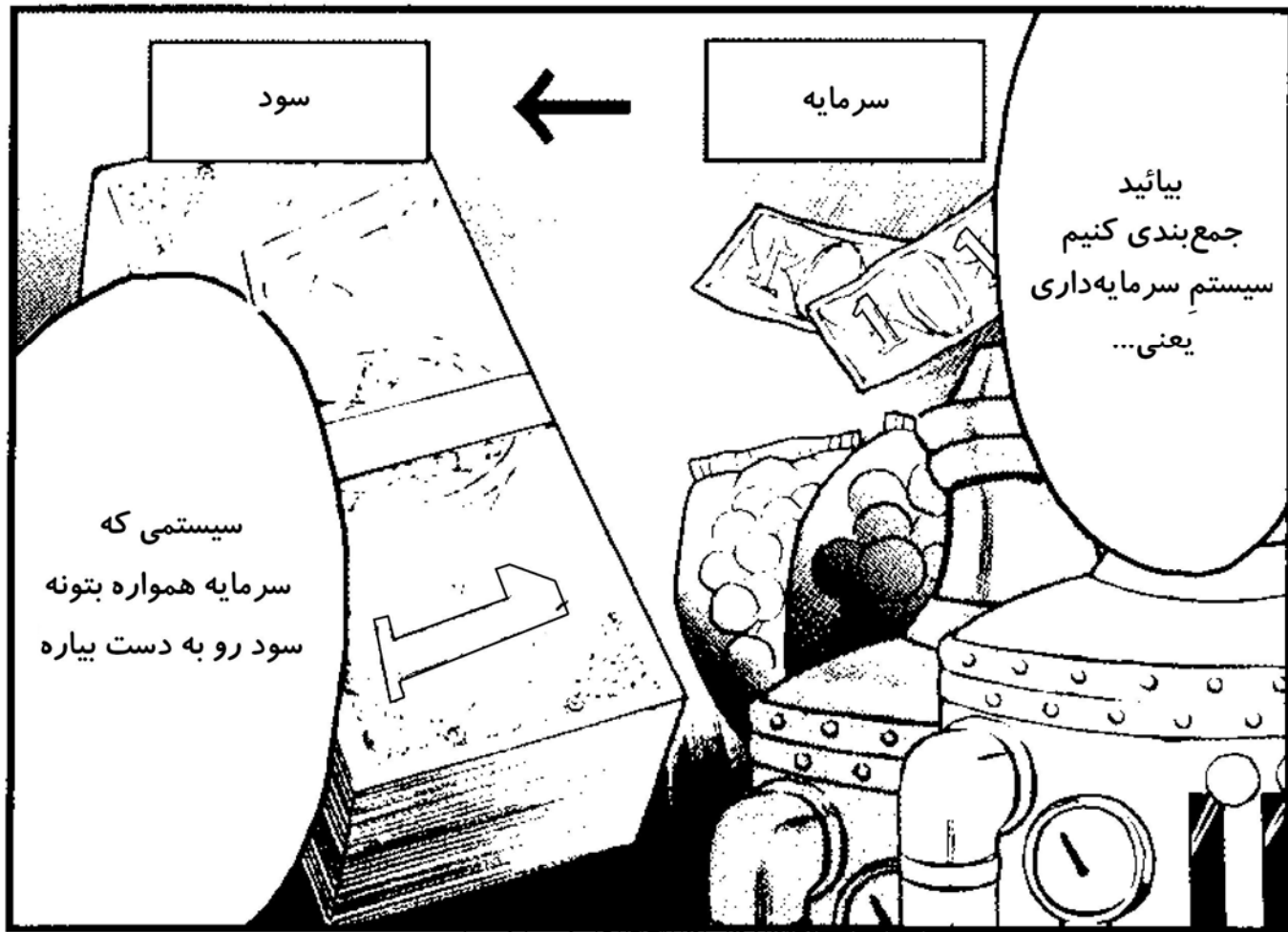


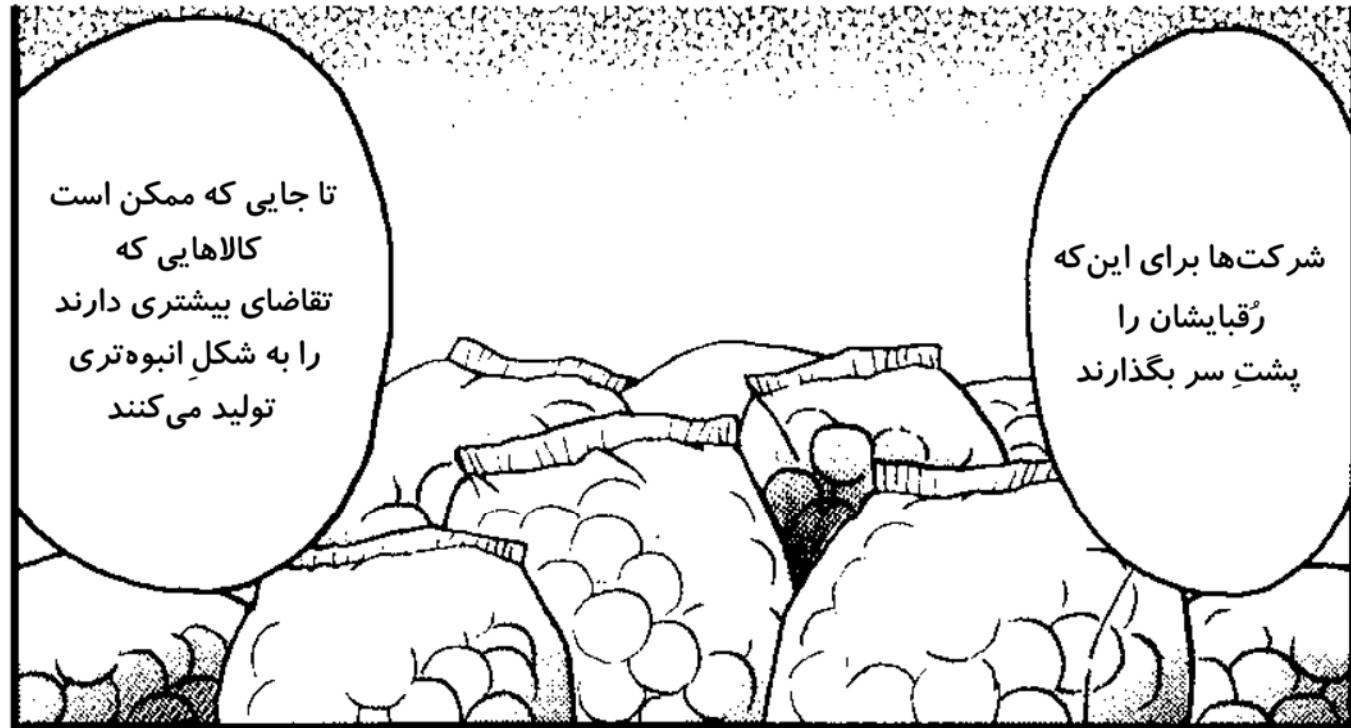




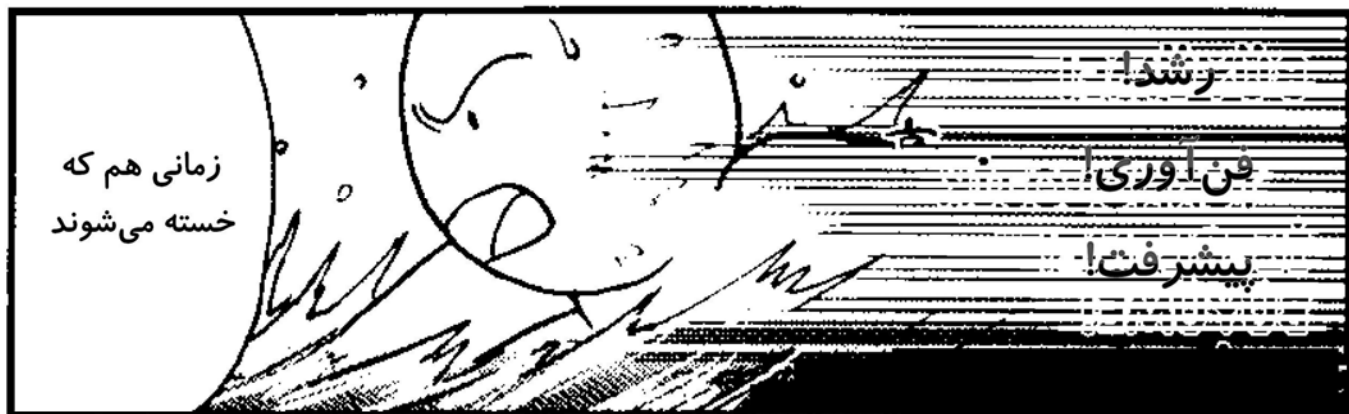


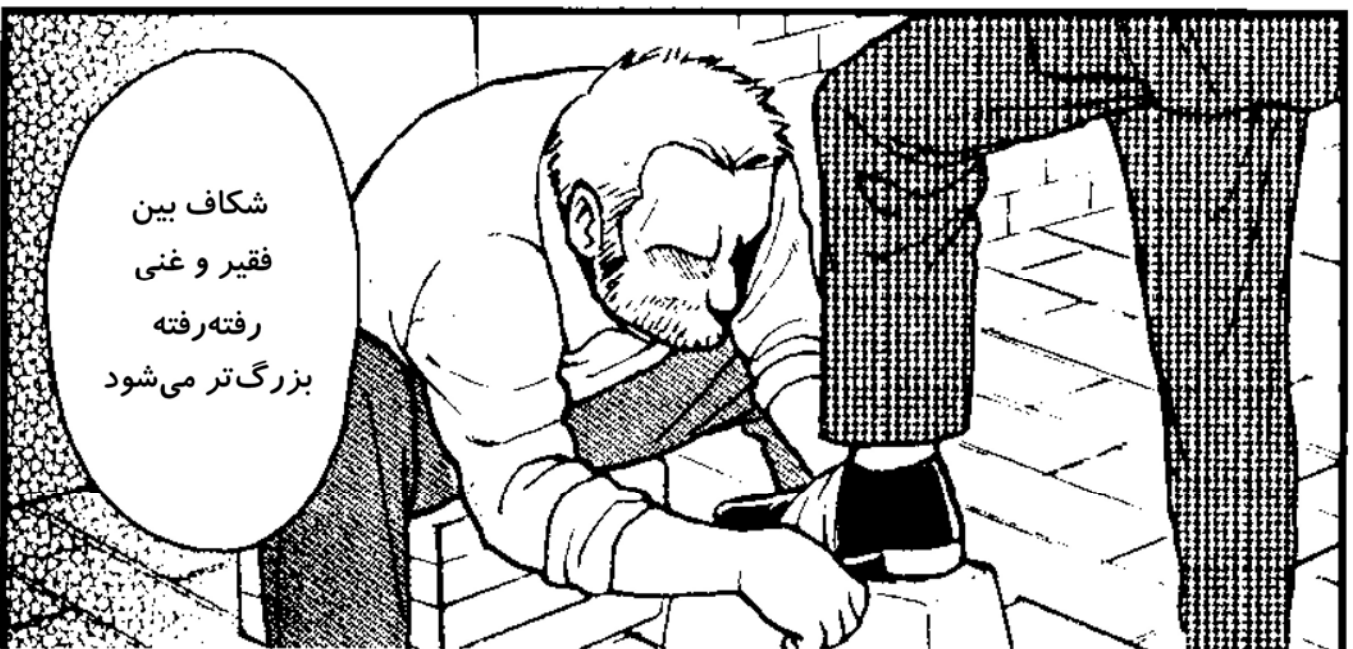
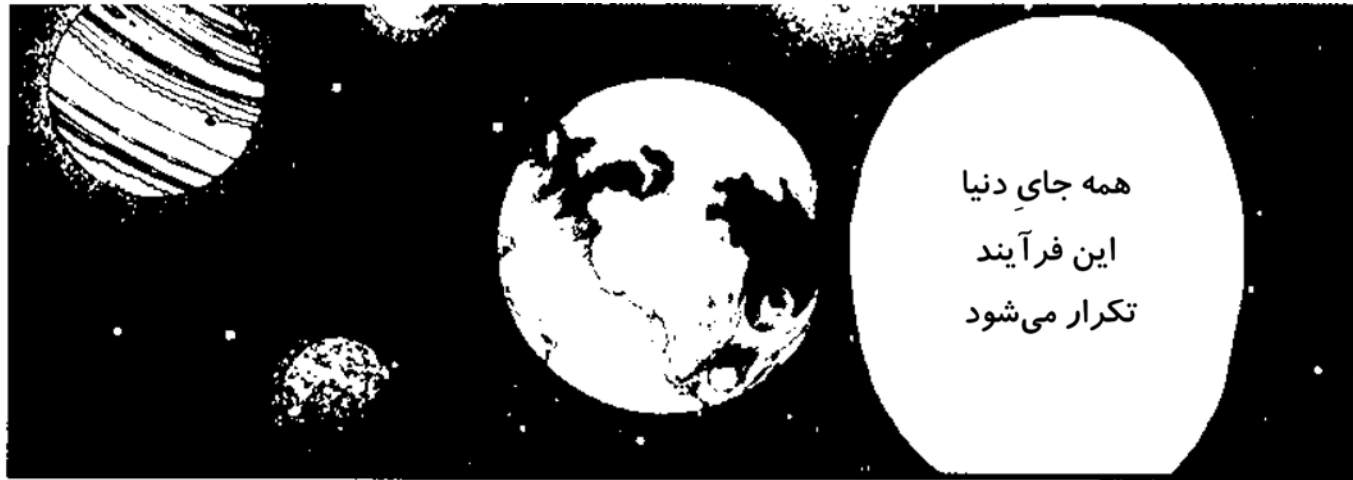














تعداد کمی
کشورهای توسعه یافته



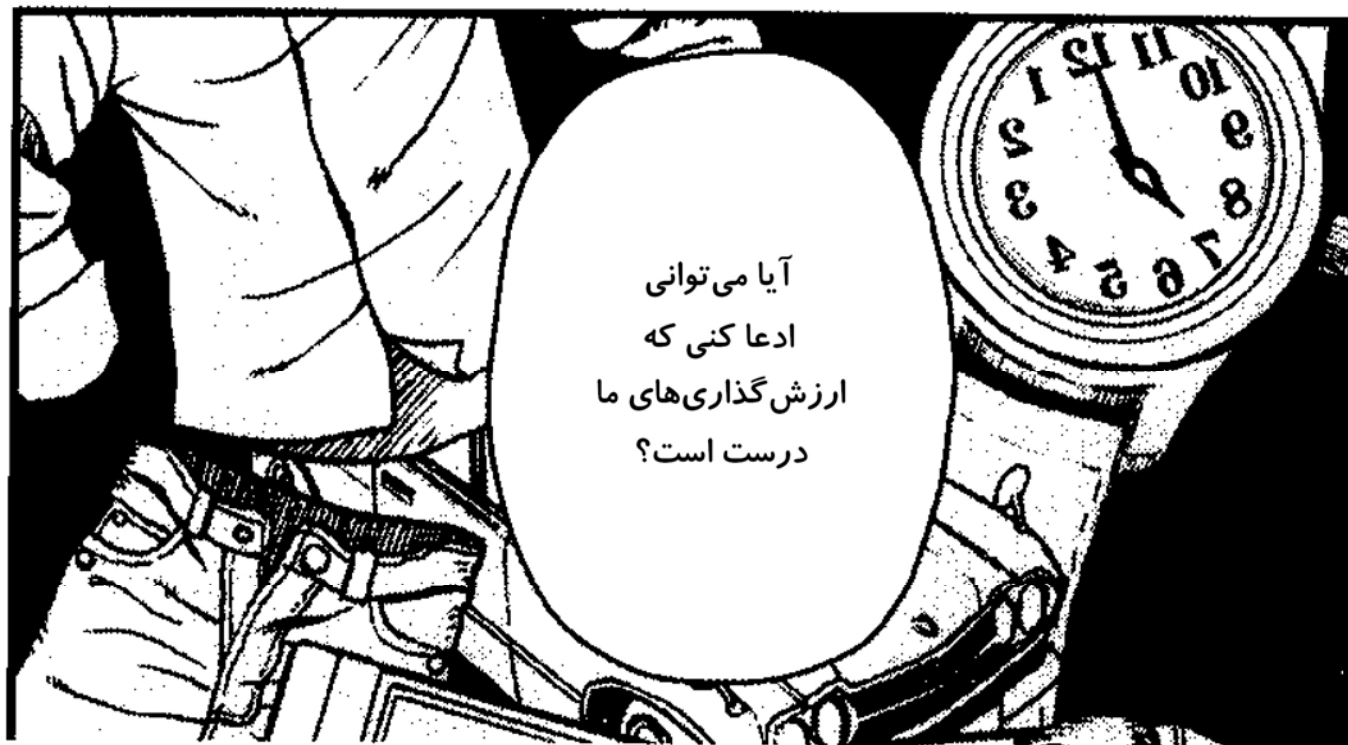
سویهی تاریک
سرمایه داری در
کشورهای
تحت سلطه
نمایان می شود...



مبارزه میان سرمایه داران
در سطح جهانی
ادامه می یابد

در حالی که
در جامعه‌ی طبقاتی
کالاها
انباشت می‌شوند...







راه خود را در پیش گیر
و به یاوه‌گویی‌های دیگران
توجه نکن

به هر آنچه که می‌بینی
با تردید نگاه کن

«سرمایه»ی مٌصَوْر که جلدِ دومِ آن تقدیم‌تان می‌شود از رویِ «سرمایه» کتابِ اصلی‌ی کارل مارکس طراحی و داستان‌پردازی شده است. مفاهیمِ اساسی‌ی «سرمایه» در قالبِ داستانی از فرآیندِ تولید در کارخانه‌ی پنیرسازی توضیح داده می‌شود و به این صورت «سرمایه»ی مارکس را، که متنی ترسناک و سخت جلوه می‌کند، به شکلی ساده برای مخاطبینِ بیشتری قابلِ فهم می‌کند. «سرمایه»ی مارکس برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ از سوی انتشارات ایست‌پرس (East Press) در ژاپن به شکلِ مٌصَوْر منتشر شده است. در جلدِ دومِ سرمایه‌ی مٌصَوْر، پیش‌رفتِ حوادثِ کارخانه‌ی پنیرسازی‌ی روبین و دانیل هم‌آهنگ با قوانینِ عمومی‌ی سرمایه-داری از سوی انگلس، که جلدِ دوم و سومِ «سرمایه» را بعد از مرگِ او [مارکس] جمع‌آوری و منتشر کرد، با زبانی ساده توضیح داده می‌شود. انگلس چگونه‌گی‌ی شکل‌گیری‌ی استثمار و اجتناب‌ناپذیری‌ی بحران‌های اقتصادی در سیستمِ سرمایه‌داری را از رویِ مثالِ کارخانه‌ی پنیرسازی با زبانی جذاب و قابلِ فهم تشریح می‌کند.

شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران

www.shorayejavanan.com